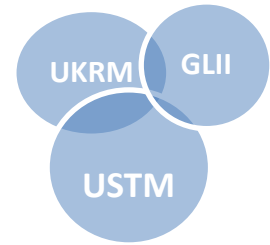


سال 1400



مدیریت نامه



مدیریت نامه (حکمرانی ، رهبری ، مدیریتی)

UKRM= **U**seful **K**nowledge **R**ules **M**anagement

GLII= **G**overnmental **L**eadership of **I**slamic **I**ran

USTM= **U**nificational **S**ubscribes of **T**hree **M**odels

اثر محمود صانعی پور : خبره میان رشته ای ویادگیره مادام العمر

گنجی جاویدان از این خبره وطراح از منابع مبنائی منظومه های بصیرتی (آراء مبتنی بر بصائر)
(Opinions based on insightfull) ورویکرد تعلیمی

رساله یا گفتار 30 : آمایش وپویش های رهبری در جهان ورویکردهای مکانیستی آنها



Mahmoud saneipour

رساله 30 منضم به تعلیم 37

1 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویادگیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

رساله 30 : آمایش وپویش های رهبری در جهان و رویکرد مکانیستی هر کدام

آمایش رهبری چیست (Leadership planning ensurance) ؟ بررسی در جهان وایران

در این رساله بخش ایرانی آن توضیح داده شده و بخش خارجی آن در تعلیم 37 آمده است

آمایش به انگلیسی (equipment, preparation, preparedness, provision, synthesis.) به 5 تعلیم (14، 33، 34، 35، 36 مراجعه شود)، آمایش سرزمینی که مادر همه آمایش گری است در انگلیسی بمعنی (Spatial planning) است

حکمرانی و رهبری تکالیفی سخت و پیچیده و خبرگی میان رشته است

به عبارتی روشن تر می توان گفت که در رابطه تکالیف متقابل بین رهبری و امت (بر حسب رساله حقوق حضرت امام سجاد (ع) و شرح مفصلی که این مولف در تعالیم 1 تا 6 ارائه داده است ، یک هم وزنی بین تکالیف رهبری (مجموعه رهبری زیر نظر شخص رهبر) با خواسته ای مردم و از سوئی دیگر ، تکالیف جمعی امت در مقابل خواسته های رهبری وجود دارد که در توازن و اعتدال که از ماده (عدل) اخذ میشود ، نظام را در حکمرانی ارگانیک توحیدی و هم آرمانی برای رسیدن بیک سری اهداف تدوین شده در قانون اساسی کشور که به تائید ملت میرسد ، ترکیب رهبری - پیروان را علل تراکمی برای توسعه کشور مهیا می سازد ، این بزرگترین سرمایه حکمرانی است که هر دقیق تر ، بصیر تر ، ژرف تر و ریشه ای تر باشد ، توان رهبری را افزون تر کرده و ملت برای رسیدن به اهداف مربوطه پر انگیزه و کنجکاو تر و چابک تر میکند ، یکی از سختی های نگهداشت این منظومه منجسم و پر قدرت ، داشتن نقشه راه ، دکترینال نظام ، راهبردهای نظام و چشم انداز مرکب (رهبری - پیروان) است که هر کس که بهر نحو بخواهد ، شالوده و شیرازه ، این نظام توحیدی را خدشه دار و یا بشکند ، باید از دایره تصمیم گیری این نظام طرد و کمر او را باید شکست ، آنچه امروز به عنوان فقد ادله دعوی عدالت گستری و یا باز آفرینی اعتماد ملی و نظایر اینها مورد گفتگوی سیاسیون کشور می باشد ، غفلت و مماشات و آسان گیری و ... نشان از عدم بکار گیری مکانیزیم ها و سازکارهایی بوده است که می بایست متضمن این وحدت در مشی این علیت تراکمی باشد .

رهبری بطور مستقل از اسناد ملی و در رابطه تنگاتنگ با اسناد توسعه کشور، به مهمترین پیوست پویائی رهبری خود باید طرح و برنامه رهبری (Leadership planning) داشته باشد، ابتدا بایستی به مراتب یقینی در تامین کردن و فراهم کردن بستر و زمینه خود اطمینان بخشی (esurancee) برای نیل به توانگری بنیادین و مورد نیاز نظام در مقابل خطرات ، مداخله کنندگان به ظاهر رفیق ، چپاول گران و حقه

بازان روزگار وطماعان واین قبیل تدابیری سخت وپیچیده وحتى سری ورمز گونه پرداخته که به عنوان پیش تدبیر حکمرانی ، بیمه کردن ، اطمیان بخش نمودن برای کیان رهبری ومقوم سازی ملی یعنی حتمی سازی ویقین سازی راه حکمرانی (**asurance**) ، تدارکات لازم را فراهم آورده وپس از به مکانیزیم ها ، سازوکار ها وتدوین شاخص ومناط های فنی وهزاره بصائر (تعلیم 83) ، نظام را با (**insurance**) بیمه شده (**insured**) می نمود ، این سلسله اقدامات نرم از واجبات نظام مند کردن حکمرانی است که در قالب سیستم های توحیدی رگولاتوری (تعلیم 16) ، انسان شناسی نیروی انسانی حکمرانی (تعلیم 8) ، طرح های آمایش (تعالیم 14 و33) وبسیاری از اقدامات تمهیدی ،بستر سازی وآماده سازی وبطور کلی آمایش گری (تعلیم 55) انجام میگردد ، نکته قابل توجه دراین جا بود که این گونه تدابیر توسط عده ای از دلسوزان وهوادارن انقلابی نظیر این مولف ومحققان انشاء وارائه میگردد که با برخورد خشن روبرو شده ویا به تعبیری ، به "نقد" تلقی شده وبا سرخوردگی ووعدم پاسخ گوئی ، به بایگانی وخانه نشینی منجر گردید که سوابق آن مضبوط است .

How about Leadership planning?

A leadership development plan is a useful tool to **ensure** that your organization has a strong pipeline of future leaders. The continuous evolution and success of any organization are linked to the continuous growth and evolution of its leadership. Creating a solid leadership development plan helps outline detailed steps to identify and nurture the next generation of leaders within your organization.

Contents

این ابزار مشتمل از قانع کردن خود رهبر ، ملت ، خبرگان

ما در این مورد ود رابطه با وحدت یقینی ، دارای ادبیات مراتب یقینی هستیم که دست بالاتری را از غرب داریم ثلاثی " علم الیقین ، عین الیقین ، حق الیقین " که در تعالیم مولف شرح وتفسیر مفصل وهمراه با سازوکارهای مدیریتی قید شده است ، آمده دراین هزاران مقاله ورساله از سوی محققان کشور تدوین شده که اثری از مضامین ، متون ومحتویات ، این اسناد گرانبها در شاخص ها ، مناط ها فنی ، استاندارد ها وکارکرد های قدرت نرم (soft power) کشور یافت نمی شود ، فقدان این سازوکارهای که اساس موجهه نظام توحیدی را پایش میکند ، واز دخالت آقا زاده ها ورائت خواران جلوگیری کرده واز نظام درمقابل هجمه فرهنگی وچپاول گری سلاطین زر وزور صیانت نموده وپاسدار وناظر ارزش ها وکرامت ها (کتاب اول این مولف) وتکمیل این بحث در تعالیم 10 تا 12 آمده است ، بوده است ، دراختیار نظام نبوده است وبر حسب تحلیل های مفصل این مولف در تعالیم مطروحه ، نیروی در حال متشکل برای تهی سازی

ارزش از بطن نظام و منحرف نظام از مسیر انقلابی و آرمان های رهبری- پیروان ، تمام تمهیدات ، زنجیره ها ، رابطه بین دلالتان و سوداگری از بخش خصوصی ، خصولتی ، داخل دولت را مهیا کرده و یک لجستیک عدالت زدائی در مقابل تدابیر غیر منسجم و یک پارچه نظام را که عهده دار تکلیف ، برپائی لجستیک عدالت توزیعی بوده است ، سپر اندازی میکند ، اگر کسی خیال میکند ، که میتوان با تدابیر اداری و تمهیدات بودجه ای ، قانون و مقررات و بخش نامه نگاری ، جلوی این لجستیک عدالت ستیزی را بگیرد ، همچنان گذشته ، آسان اندیشی میکند ، این موضوع جدا از تدابیر روز مره قوای کشور ، به طرح و برنامه خاصی احتیاج دارد که نمونه آن در کشور ژاپن ، چین ، آلمان و.... انجام شده است ، در واقع میتوان گفت ، شدنی است ولی نه " میشود و ما می توانیم " تا کنون مدل بوده است .

What is a leadership development plan?

A leadership development plan is a strategic plan designed to help employees gain and develop [leadership competencies](#) and prepare them for management and leadership roles within an organization. This plan is usually structured, long-term and personalized for the unique needs of an employee and the organization. It outlines learning objectives and activities an employee is going to undertake to reach their goals.

این امر یک رهبری با اهلیت و صلابت و صلاحیت و شایستگی مراتب فوق طلب میکند ، شدن بودنش بین رهبری – پیروان ، در مراتب همکاری در مقابله با حریف است ، می خواهید ، ارز را کاهش دهید ، رقیب افزایش آنرا بستر سازی کرده است ، می خواهید ، گرانی را مهار کنید ، نقدینگی در اختیار وی است ، می خواهید نقدینگی را مهار کنید و از چاپ اسکناس و پول پاشی رها شوید ، زنجیره سودا گری های بین دولت ، قوانین ، بانکها ، بانک مرکزی ، بخش های تولیدی و.... چپش شده است و استوار گردیده است ، این جریان ها ، موج و طیف های دگرگون کننده است (به رساله های این مولف مراجعه شود) ، راه علاج طرح های بنیادین و ریشه ای و تغییر دهنده چرخش های فعلی به جریان هائی است که در اختیار رهبر – پیروان خبره میان رشته قرار میگیرد که درس هایشان را خوانده و دست های نامرئی را از نشانه شناسی اجتماعی می شناسند ، که دم آنها در همه جا دیده میشود ، الگوی مبارزه با ویروس کرونا در این چند روز اخیر که در روند افزایشی در جریان است ، یک الگوی قابل قبول است که همه نیروها را در یک وحدت توحیدی به حرکت در آورده است و اگر دچار خلل نشود ، یقیناً موفق آمیز است ، بنابراین وحدت رویه و همه با این وحدت کار کردن و ظرفیت های به میدان آوردن ، یک ثلاثی موفق و مورد قبول ذات حق تعالی است ، ما در مسله کرونا به همه گیری جهانی (pandemic) دچار هستیم و نوع حرکت ما ملی نیست ، بلکه فراملی است که در این نواقصی دارد که باید رفع شود و از رفع نشود ، این مساعی جمعی را

دچار مخاطراتی ناشناخته میکند، ابزارها، مهارت‌ها، سازمان‌درگیر، درک فرصت‌ها و مدیریت کردن هر گونه تجاوز تا کسب و کار جدید و دکان‌های نوپرداز و مزاحم و دست‌اندازی‌های موردی و جریان‌هایی که نظیر جهش‌های جدید ویروس کرونا می‌تواند، نقشه‌راه این مبارزه علیه کرونا را عقیم کند، به نظارت‌های خاص و نیز بسیج ملی نیاز دارد و هر کس که تخطی کند، با جرایم بزرگ روبرو گردد. علاوه بر این موضوع احساس بی‌نیازی به واکسیناسیون و بی‌اعتنائی به قانون که خود یک همه‌گیری جهانی است، خود یک تخطی بزرگ به دستور العمل‌ها و پروتکل‌های مبارزه با این ویروس است که باید با سلطه و یا دادن انگیزه‌های لازم مرتفع شود

Why create a leadership development plan?

Leadership development plans are critical to business continuity in times of crises and in competitive markets. Such a plan has the potential to keep your most valuable employees engaged with the organization and dissuade them from seeking alternative job opportunities with competitors. What's more, the stronger your leaders, the greater your organization's potential to differentiate itself and remain viable in a constantly changing marketplace. The pace of change before 2020 was challenging to keep up with, but the COVID-19 pandemic accelerated this change to a speed most couldn't have fathomed. Most notably, it highlighted the need for leaders to manage more aggressive crises, navigate greater ambiguity, and ensure business continuity through digitization of its operations.

ما به راهنمای مهارت‌های تجزیه و تحلیل فاصله نیاز داریم، تجزیه و تحلیل فاصله که یکی تخصص مولف است، در واقع بمعنی پیش‌بینی بر اساس واقعیت‌ها است، واقعیت موجود نه انتزاع ذهنی، یعنی آمار واقعی و شفاف، اطلاعات درست و حقیقی، و آنچه در زندگی مردم به خیر و شرّ موثر افتاده است، فاصله ای دردناکی که گیربان نظام را می‌فشارد، دلار 7 تومانی، امروز 27 هزار تومان است و در بازار و در اقتصاد طبیعی، قیمت خودش را با 3200 تومان به سقف چسبانده است، رفع این معضل بزرگ، ساده نیست، اداری نیست، از طریق قانون‌گذاری نیست، فاصله درآمدی از حقوق‌های نجومی در مقایسه با سفره بی‌نان فقیران، فاصله ای از ثری تا ثریا دارد، به آنالیز حساسیت نیاز دارد، که امری پیچیده است مثل تولید و عرضه، که از معضلات کشوری است و از آن تعبیری غلط دارند و ابزار دست دولت پنجم تا دوازدهم بوده است و اگر این تلقی (عرضه و تقاضای ارزی در بازار آزاد) همچنان ادامه یابد، دولت سیزدهم نیز به فروش ارز برای جبران کسری بودجه مبادرت کرده و موضوع تورم و گرانی اجناس همچنان ادامه خواهد داشت و کلیه وعده‌های دولت سیزدهم، بر باد خواهد رفت، **ولی می‌توان از**

طریق آنالیز علت و معلول و باروش های علیت تراکمی و تفکری منظومه ای مرتفع نمود ، یعنی علت موجوده این فاصله ها چه بوده است ، نه اینکه گذشته ، هر چه بود گذشته گذشت ، و پرونده آن بسته شده است ، این پرونده الان فعال است نه برای همه ، برای عده ای که از درجریان بودن آن نفع میبرند ، همانطور که تعارض منافع یک موضوع جدی است ، تعارض اقتدار آزان جدی تر است ، خود مجموعه تعارض های ، یک طیف شکننده برای نظام است ، اگر علت موجوده از گزینه های روی میز تصمیم گیری حذف شود ، علت مبقیه را با خودش به نهان خانه های تصمیم گیری وسقیفه های متعدد میبرد ، علت موجوده امروز ، همان معلول های مبقیه است که دست از سر نظام بر نمیدارد ، دارای اثر بخشی های خاصی برای نیروهای متخاصم و معاند است ، این ها واقعیت هائی که درآمار های شفاف ، اطلاعات درست یافت نمی شود ، ولی درنقد های محققان ، و اندیشه های ژرف وجود دارد ، که نوع تصمیم گیری ها را معین میکند . دیدگاه های حساسیت شناسی باید به وحدت نظر برسند .

Skills Gap Analysis Guide

Download your free step-by-step guide to identifying the skills your employees need to thrive now and in the future.

Many HR Leaders truly functioned as strategic business partners, whether or not they were recognized as such before. In 2021, the top five priorities for HR Leaders, according to a recent survey by global research and advisory firm Gartner are:

تحقیقات نشان میدهد که این آنالیز گام بگام معطوف به عوامل زیر است :

1. 68 درصد اثر بخشی به مهارت های انسانی و شایستگی ها و ملاحظات امور تقدیمی و اولویت ها دارد ، امکان دارد در شورای تصمیم گیری هر کس حرف و راه حل خود مقدم بدانند ولی آنچه ای تقدم را آشکار میکند ، آنالیز فاصله این و درجه فاصله دوری داشتن ها است

2. باید طرح تغییر از وضع فعلی به وضع مطلوب طراحی و تصویب شود (تعالیم 14 تا 34) 46 درصد اثر بخشی

3. باید صندلی و نیمکت داروان تغییر کند (موضوع انسان شناسی حکومت بطور جامع و از طریق آنالیز فاصله ها) 44 درصد اثر بخشی

4. کار و نقشه آینده 28 درصد

Building Critical Skills and Competencies – 68% of HR leaders consider this a priority

1. Organizational Design and Change Management – 46%
2. **Current and Future Leadership Bench – 44%**
3. Future of work – 28%
4. Employee Experience – 26%

Two of these priorities are connected to creating a leadership development plan for your employees.

Building critical skills & competencies

According to the HR Leaders Gartner surveyed, they don't know what skill gaps current employees have. There is little effective integration of learning into employee workflows. What's more, they can't create skills development solutions fast enough to meet the evolving skill needs.

Current and future leadership bench

The challenges HR Leaders expressed in the Gartner survey are that their leadership bench is not diverse. Their succession management processes do not yield the right leaders at the right time, and as a result, they struggle to develop effective midlevel leaders.

در کنار توجه عمیق به نیروی انسانی و نه برای رفع موقتی موانع و یافتن عوامل کمک کننده و اینکه یک رویه بسندگی در نظام ، مطمح نظر قرار بگیرد و بدانیم هرگونه حرکت ، سخن و اظهار نظر تحت ذره بین ملی و فراملی است ، یعنی موضوع حساسیت ها یک فضای خاصی ایجاد کرده است که می توان گفت که خود طیف هائی در تعارض هم هستند و شبکه ها و سازمان و گروه های را تغذیه میکنند ، این خاصیت جامعه حساس ، ملتهب و برافروخته است ، در کنار این تدابیر روشن بینی ، تدوین یک استراتژی جامع

توسعه با گواهی از شورای عالی تصمیم‌گیری و تائید وبال خبرگانی ، ضروری است و با پیوست های فنی همراه باشد

Learning & Development Certificate Become a Strategic

بحث تحقیقات خواص و خلاقیت در آمایش رهبری ، امری مهم و محتوم است

بدنبال تدوین دکترینال نظام ؛ راهبرد کلان ، تدارک کردن مولفه های فوق و اصول و فروع مربوطه و درگیرکردن نیروی کار و درک فرصت و ادامه انجام تکالیف محوله ، خلاقیت ها و نوآوری های زایش شده از این بستر دراکه و مقوم و با توکل به خدای منان ، یک عزم و جزمی است که نباید به تعویق بیافتند و تمام نیروها و پتانسیل های ممکن باید در طرح و برنامه دیده است از نظر این محقق میان رشته ای موارد زیادی از غفلت ها مربوط به عدم استفاده از منابع انسانی و غیر انسانی است که فقد آنها در طرح و برنامه مطروحه ، آن را از جامعیت انداخته و همین امر موجب فقدان های ضروری دیگر و دست نیافتن به اهداف است ، در موضوع سعی و تلاش با توجه به تدبیر در ، آیات الهی ، باید به موضوع تحدید حدود (delimitation) در تصمیم گیری ها و خود بسندگی در واضع خود توجه عمیق شود ، این موضوع مهم که در مواضع و روش های کارل پوپر در مکتب پوزیتیویسم (Positivism school) رخ داد و غرب و بخصوص آمریکا در ورطه فروپاشی قرار داد، حوزه علوم انسانی، بر خلاف علوم طبیعی که کمتر شاهد مناقشات روشی بوده است، عرصه کشمکش دیدگاه‌های متعدد و متعارض است. رویارویی پوزیتیویسم و هرمنوتیک (به عنوان دو مکتب اصلی فلسفه علوم اجتماعی)، در پاسخ به این سوال که «تا چه حد می توان جامعه را با همان روش های علوم طبیعی و در حد خود بسندگی مطالعه کرد؟»، وجه غالب این منازعه را تشکیل می دهد؛ پوزیتیویسم قائل به وحدت روش شناختی و کاربست روش تجربی در مطالعات علوم انسانی است حال آنکه هرمنوتیک معتقد است میان این دو حوزه اساساً تفاوت ماهوی وجود دارد. در این میان برخی از رهیافت های جدید همچون واقع‌گرایی انتقادی کوشیده اند سنتزی برای برون رفت از این مناقشه ارائه کنند.

L&D Specialist L&D Strategy, Skill Gap Analysis, Managerial Coaching, and Learning Analytics. Learn it all in our comprehensive Certificate Program. Developing essential leadership competencies and building a diverse leadership pipeline are the key goals for your leadership development plan. Furthermore, such a plan helps engage your employees and provide them with continuous learning opportunities.

Steps to creating a leadership development plan

8 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

1. تشخیص و تعیین استعداد های انسانی ، منابع ، سازمان های درگیر ، پتانسیل های موجود و غیره
2. چه کسانی در این طرح و برنامه سهیم هستند ، از دولتی ها و خصوصی ها ، از انتقال نقدینگی از دهک های سوداگر به دهک های مستحق ، جابجائی ها بدون توجه به سن و با توجه به خمیر مایه حکیمانه و خردورزی و توجه به عقل و درایت و اثر گذاشتن در روند توسعه و طرح و برنامه
3. سرمایه انسانی باید تعریف شود ، کلی گویی در مورد سرمایه انسانی بدون توجه به خصایص خود سرمایه گذاری (investment) مورد بصیرت و درایت قرارگیرد ، انسان پول نیست که وسیله مبادله قرارگیرد ، تا جایی که این محقق فهم کرده است حدود 18 هزار خصیصه انسانی در انسان نهفته است ، با انسان به معنی سرمایه ، به عنوان وسیله در اختیار تصمیم گیری نکنید ، سرمایه انسانی فرق های منطقی و ربطی (تا هزار مورد) با سایر سرمایه های دیگر دارد ، تخصیص این منابع با تخصیص منابع بودجه فرق میکند ، در غرب این گونه تعریف ها گم است ولی در قرآن ، انسان تجلی خاصی دارد که اگر مورد توجه قرار نگیرد ، آرمان های نظام تحقق نمی یابد (تعالیم 7 تا 12) ، این های رویکرد ها و اصول و فروع در حوزه رهبری است ، فرق اساسی دارد ، سرمایه انسانی در حوزه رهبری تا حوزه کارخانه ای ، بهمین طریق دکترینال ، راهبرد کلان و سیاست های سرمایه انسانی یم پیوست مهم و راهبردی در پیشرفت نظام است ، آنچه تاکنون اتفاق افتاده است ، سیر و سلوکی بر اساس این مسیر یابی و مسیر شناسی نبوده است

4.

5. در مرحله تشخیص مدیر و یا سرپرستان و بالا تر ، نباید صرفاً بدنبال ، کسانی باشیم که در حیطه بسندگی و تحدید حدود تصمیم گیرنده ، تعریف و مشخص میشوند ، وحدت رویه ، اهداف و قدرت و استعداد انتخاب مدیران ، در خبرگی میان رشته ای ، فرارشته ای ، تفکر منظومه ای و تالیفی ، و داشتن یک استعداد قهرمان شدن است ، اگر این خصیصه در آمایش ورزشی نباشد ، ورزش قهرمانی پدید نمی آید ، کار رهبری نظام کمتر از این آموزه مهم نیست ، کار قهرمان ملی ، گاهی بر استاد غلبه میکند و از قرار باشد که استاد روی حرف و بسندگی خود اصرار و ابرار بورزد ، قهرمانی بوجود نمی آید ، آن ظرفیتی که در قهرمان وجود دارد ، می تواند 5 تریلیون آرایش مارک آلمان در قبال یک دلار را در مدت کوتاهی به دوچ مارکی تبدیل که ارزش آن از دلار امریکا افزون میشود ، دولت های ما تاکنون چنین قهرمانی نداشته اند ، روسای بانک مرکزی ، کارمند دولت ارز فروش بودند و این روسا ها ، اسکناس چاپ کن برای پاشش و ریزش در بازار ، این گونه کارها ، کار دولت نیست ، کار قهرمان است که خداوند متعال هر موقع که اراده کند ، خودش تعیین و منصوب میکند ، این عبرت تاریخ است .

6.

7. ما از اساس شایستگی ای سخن میگوئیم که در تصمیمات دولت نمی بینیم (تعالیم 33 تا 36 و رساله 18) من این رساله ها به مرکز تحقیقات مجلس میفرستم ، جواب میدهد این موضوعات

9 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

بما ربطی ندارد ، (یعنی قانون کاری به شایستگی و خصایص انسان ندارد ، به سرمایه انسانی مثل انبار مواد و محصولات نگاه میکند -مولف) ، معلوم است در چنین رویکردهای غیر توسعه ای ، که کارگزاران دولت 13 در بطن خود دارد ، هرگز ممکن نیست که دلار 27 هزار تومان به دلار 7 تومان رجعت کند تا برسد که شالوده های آرمان ملی که تومان ما در دوره قاجاریه معادل 3.5 دلار آمریکا بوده است ، دیگر توانستند و انجام دادند ، ما نمی توانیم وقادر به انجام آن نیستیم ، چون خود بسنده هستیم ، در همان تحدید حدودی می اندیشیم که این گونه کارهای ریسک آور ، درمواد **ثلاث " واجب الوجود ، ممکنات ، ممتنع "** از زمره امتناع الوجود (Existence refusal) است ، با این قبول یا ابا در تصمیم دخالت میکند مگر اینکه در بحران قرار گرفته و با مقدرات بحران مبارزه میکند (تعلیم 74 هزاره چالش ها و بحران ها از این مولف) ، منطقیین میگویند اگر معمولی را به موضوعی نسبت دهیم مثلا بگوئیم « الف ، ب است » رابطه ب با الف یکی از کیفیت های سه گانه را خواهد داشت ، یا این رابطه ، رابطه ضروری تعیین حتمی و یقینی از سوی تصمیم گیرنده دچار تزلزل است و گاهی اجتناب ناپذیر و غیر قابل تخلف و حتی گناه از انجام در امر واجب است ، و به عبارت دیگر عقل ابا دارد که خلاف آن را قبول کند ، یا بر عکس ، یعنی رابطه ، رابطه امتناعی است ، یعنی محال است که محمول عارض موضوع گردد ، و به عبارت دیگر عقل از قبول خود آن ابا دارد . و یا این رابطه به گونه ای است که میشود مثبت باشد و میشود منفی باشد (ذوحدین) ، یا هم قابل اثبات است و هم قابل نفی ، و به عبارت دیگر عقل نه از قبول خود آن ابا دارد و نه از قبول خلافتش . ذوحدین (dilemmatic) ، براین اساس ، این محقق راهی را برای یقین سازی تصمیم و پروژه ها باز کرده است که در کشورهای اقبال شده است (رساله 64 از این مولف) .

8. در این مورد ، نظرا به خصیصه ای به نام سبک رهبری (leadership style) معطوف میشود ، 8 سبک تغییر پذیری در نظام فکری رهبری مورد بحث قرار گرفته است :

6.1 Autocratic (استقلال و مطلق گرایی)

6.2 Authoritative (عقیده قابل اعتماد و موثق و همراه با اقتدار و آمرانه و تحکم آمیز)

6.3 Democratic (رهبری مردمی ، سبک آزاد منشانه ، محبوب همگان)

6.4 Pacesetting (تنظیم موقعیت پیشتازانه ، اصلاح و بهبود ، رفع موانع)

6.5 Coaching (تعلیمی ، مربی گری ، آماده سازی ، پایشی ، آمایشی) که مرام و سیره این مولف است

6.6. Affiliative (پیوند جویانه ، بهبود مستمر از همان طریق تحدید حدود ، وابستگی و روابط خاص)

6.7. Laissez-faire (تحلیلی ، عدم مداخله شخصی ، سیست آزاد ، گاهی بی بند وباری ، آتش به اختیار ، خود نگهدار ، دخالت کمتر به سیاست های دولت) ، بحث مفصلی در آسیب شناسی این سبک در تعالیم ایم مولف آماده است

6.8. Transformational (دستور گشت اوری ، آموزه های گشتالتی ، نظریه تطور گرایی ، رهبری تحول گرا ، رهبری عمل گرا ، تغییر دهند قهرمان) ، این سبک رهبری بهترین نوع رهبری نظیر آلمان ، ژاپن ، چین ، کره جنوبی ، مالزی و چند کشور دیگر است

1. Assess and identify talent

Some organizations have a formal leadership development program and talent pools from which they can select talent for a specific leadership development plan. However, some organizations do not have formal talent identification or assessment procedures. For those organizations, we would recommend a simple 9 Box Grid. A 9 Box Grid measures potential (future performance capacity) vs. performance (present performance). Ideally, you should select High Potentials, Stars, and High Performers for a leadership development plan.

2. Obtain buy-in from key stakeholders

For a leadership development plan to work there must be buy-in from senior leadership, the manager or supervisor of the targeted employee(s), and the employee.

- A leadership development plan often requires more significant investment into that employee. This usually includes allocating a budget for it to be successful. The budget would need to be approved by senior leadership before proceeding. A consideration Senior Leadership may have before approving the budget is the degree to which the plan aligns with the

organization's strategic objectives. The Senior Leadership may also want to be the final approver on who is selected to participate in the leadership development plan.

- **The manager/supervisor** also needs to be engaged in this process. The reason for this is that the targeted employee may need to take on additional projects and attend training that divides the employee's focus from current work commitments. They may also be temporarily assigned to another team to develop additional competencies. Unless the manager/supervisor has bought into this plan, it is hardly likely to succeed because the employee will feel torn by these different demands.
- **The employee(s)** targeted for this plan also must want to participate. While this may seem like a great opportunity, there may be an employee or two who may not want to participate or wish to postpone participation for another time. This may be due to other personal commitments, or the employee may not be interested. Not every employee wants to be in a leadership position, even if they may have the capacity to be a leader. An agreement among the senior leadership, the manager/supervisor, and the employee about the plan's objectives, how it will be achieved, by when, and who will participate is essential for a successful leadership development plan.

3. Identify the leadership style

There may be an overarching leadership style within the organization that is expected of potential leaders. This may be based on the organization's culture and business needs. According to American Express Business Trends and Insights, there are seven different leadership styles. An eighth style, transformational leadership, has been gaining traction.

Autocratic

Authoritative

12 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

Democratic

Pacesetting

Coaching

Affiliative

Laissez-faire

Transformational

An organization may prefer one or two of these styles. However, the current uncertainty and volatility of business environments require leaders to function effectively in several of these, depending on the situation. This degree of agility may not come naturally, but it is an essential skill now that must be acquired. According to American Express Business Trends and Insights, “*an agile leadership style may be the ultimate leadership style required for leading today’s talent.*”

سبک رهبری در اسلام ناب محمدی (ص) سفارش امام امت (ره)

ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص) از دیدگاه امام خمینی (ره)

چکیده

برداشت‌های گوناگونی از اسلام وجود دارد به‌گونه‌ای که گاهی دو برداشت چنان با یکدیگر اختلاف دارند که به نظر می‌رسد صحت هر دو برداشت محال باشد چون صحت هر دو به اجتماع یا ارتفاع نقیضین می‌انجامد. از آنجا که اسلام حقیقی یکی است، طبیعتاً برداشت‌های دیگر از آن، خارج از اسلام حقیقی و مغایر با آن خواهد بود. با توجه به این مهم، امام خمینی (ره) در آخرین سال عمر خویش به طور جدی بر جدایی اسلام حقیقی از اسلام‌های انحرافی و تحریف شده اصرار و تأکید داشتند و اسلام حقیقی را اسلام ناب محمدی و اسلام‌های انحرافی را اسلام آمریکایی نامیدند و به دنبال آن، تعیین چارچوب‌ها و مرزهای اسلام ناب محمدی را از وظایف حوزه و دانشگاه دانستند. در این مقاله کوشش شده است ابتدا ابعاد احیاء امام خمینی به اختصار بررسی، و سپس تعریف اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی و ضرورت تفکیک آن دو از یکدیگر مطرح گردد. سپس به اجمال، چارچوب‌ها، حدود و مرزهای اسلام ناب محمدی از دیدگاه امام خمینی مورد بحث واقع شود. ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی در زمینه‌های دین‌شناسی و اعتقادات، فقه‌شناسی و احکام عملی، سیاست و مسائل اجتماعی، ظلم‌ستیزی و حمایت از

محرومان، عبادت و انس با معبود و اخلاق و عرفان از دیدگاه امام خمینی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

بی‌تردید امام خمینی بزرگترین احیاگر دین اسلام پس از ائمه معصومین علیهم‌السلام در طی تاریخ هزار و پانصد ساله اسلام بوده است. انقلاب شکوهمند اسلامی یقیناً الگوی موفق از تاریخ صدر اسلام، خصوصاً از حماسه حسینی است. از این رو احیاگری امام خمینی تنها به ابعاد معرفتی و نظری دین خلاصه نمی‌شود؛ او هم در ابعاد معرفتی و هم در ابعاد عملی به احیای دین اسلام پرداخت. در واقع امام خمینی نه تنها در ابعاد معرفتی تک‌بعدی نبود بلکه در ابعاد عملی نیز جامع‌الابعاد بود. از این رو او تنها فقیهی برجسته نبود که فقط ابعاد فقهی اسلام را حیات بخشید؛ همچنانکه او تنها متکلم و فیلسوف نبود که تنها ابعاد اعتقادی و هستی‌شناسی دین را احیا کند. همان‌گونه که او تنها مفسر قرآن‌شناس یا محدث سنت‌شناس نبود که در قرآن‌شناسی یا سنت‌شناسی، حیاتی دوباره بیافریند؛ چنانکه تنها شخصیت عرفانی و معنوی برجسته‌ای نبود که تنها ابعاد معنوی و عرفانی اسلام را زنده کند و یا تنها عالم سیاسی یا حقوقدان نبود که تنها ابعاد سیاسی یا حقوقی دین را به بشریت بشناساند. در ابعاد عملی نیز او نه عابد صرف بود که تنها ابعاد عبادی اسلام را مطرح کند و نه حاکم صرف بود که حکومت اسلامی را تنها معرفی کند و نه اخلاقی صرف بود که اخلاق دینی را در عمل به نمایش گذارد و نه عارف صرف بود که سیر و سلوک دین را به اهل سلوک بیاموزد و نه متشرع صرف بود که پایبندی به فرایض و نوافل را نشان دهد. همچنان که او تنها زاهد نبود که زهد اسلامی را به ما نشان دهد؛ چنانکه تنها انقلابی مبارز‌مجویی نبود که در مصاف دشمنان، آماده مبارزه و جانفشانی و هجرت و حبس و غربت و فداکاری باشد. او یگانه قهرمان میدان علم و عمل در ابعاد گوناگون بود. او هم فقیه بسیار برجسته و هم متکلم بسیار زبردست و هم فیلسوف بسیار بزرگ و هم مفسر و قرآن‌شناس کم‌نظیر و هم سنت‌شناس و محدث بس عجیب و هم تاریخ‌دان و سیاست‌شناس هوشمند و هم مردم‌شناس و جامعه‌شناس زبردست و هم مرد روحانی و عارف بی‌نظیر بود. از این رو باید اعتراف کرد که او شخصیت بی‌مانندی بود که مادر روزگار از زادن مردی همانند او عظیم است. به تعبیر برخی بزرگان شاید هزار سال بگذرد و همچون امام خمینی به وجود نیاید و به قول فرزند برومند او مرحوم سید احمد خمینی، «او روح خدا بود در کالبد زمانه و روح خدا جاودانه است». به واقع او انسان کامل و مجمع‌الاضداد و جامع‌الابعاد بود که نمایانگر مولی‌الکونین امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بود؛ نعم‌الاب و نعم‌الابن. البته او تنها در احیاگری دین یگانه اعصار نبود بلکه در اصلاحگری دینی نیز نقش استثنایی و بی‌نظیر او برای همه دوران‌ها تا ابد در تاریخ ثبت و ضبط خواهد شد. او همانند خورشیدی در تارک ایران اسلامی و انقلاب اسلامی برای همیشه تاریخ، نورافشانی و هدایت‌گری خواهد نمود. به همین دلیل او در کنار معرفی ابعاد مختلف اسلام، اهمیت توجه به کج‌فکری‌ها

و جمود و قشریگری‌ها و معرفی ناقص اسلام و التقاط‌ها و انحراف‌ها را گوشزد می‌کند و در کنار مبارزه با طاغوت و استبداد و استعمار و استکبار جهانی، مبارزه با خرافه و تحجرگرایی و مقدس‌مآبی و التقاط و انحراف را نیز وجه همت خویش قرار می‌دهد و در مکتوبات و سخنان و پیام‌های خویش پیوسته مخاطبان‌ش را متوجه این مسأله می‌سازد.

از همین روست که او در دو سال آخر عمر شریف خویش در معرفی اسلام حقیقی، اصطلاح «اسلام ناب محمدی(ص)» و در معرفی اسلام متحجرین و مقدس‌مآبان و التقاطی‌ها، اصطلاح «اسلام آمریکایی» را به کاربرد و در غالب پیام‌ها و سخنرانی‌ها بارها به مناسبت‌های مختلف در معرفی این دو اسلام اصرار و پافشاری می‌کرد بلکه بازشناسی اسلام ناب محمدی و جدا کردن آن را از اسلام آمریکایی از واجبات سیاسی بسیار مهم می‌دانست و بر آن تأکید می‌ورزید. او در پیامی به مناسبت اربعین شهادت علامه عارف حسین حسینی، رهبر شیعیان پاکستان می‌گوید: «امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند. ای کاش همه تجاوزات جهان‌خواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسمان و قهرمان‌پرور افغانستان علنی و رو در رو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پا برهنه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی و اسلام پابرهنگان و محرومان و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد کاملاً مشخص نشده است و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین، دو تفکر متضاد و رو در رو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهمی است که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما عارف حسینی در بین ما بود.» او در ادامه می‌گوید: «وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند.» در پیامی دیگر امام خمینی می‌گوید: «حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند.» در پیامی دیگر می‌فرماید: «ان شاء الله در محدوده توانان نقاط کور و مجهول را برای مردم شریف ایران و جهان اسلام باز و روشن نمایید و چهارچوب اسلام ناب محمدی که در ترسیم قهر و خشم و کینه مقدس و انقلابی علیه سرمایه‌داری غرب و کمونیزم متجاوز شرق است و نیز راه مبارزه علیه ریا و حيله و خدعه را به مردم و بخصوص جوانان سلحشورمان نشان دهید.» ما در این نوشتار در حد توان محدود خویش در پی بازشناسی اسلام ناب و ابعاد و مرزهای آن و تفکیک آن از اسلام آمریکایی هستیم. به همین منظور ما نخست به معنا و مفهوم اسلام ناب و اسلام آمریکایی می‌پردازیم و سپس در صدد شناخت و تعیین و تشخیص ابعاد و مرزها و چهارچوب‌های کلی و اساسی اسلام ناب خواهیم بود.

معنا و مفهوم اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی

منظور از اسلام ناب محمدی (ص) همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از صاحب آن، پیامبر اکرم (ص) بی هیچ پیرایه و آرایشی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و سپس از آن حضرت به ائمه بعدی (ع) منتقل شده و در قول و عمل و در عقیده و رفتار به آن پایبند بوده و از آن بزرگواران نسل به نسل و دست به دست گشته تا به ما رسیده است. بدیهی است که اسلام ناب با تمام اجزای آن مورد نظر است و در صورت کاستی یا فزونی بر اجزای آن، تحریف یا ناقص، و خلوص و ناب بودن آن خدشه‌دار می‌شود؛ چرا که در واقع این کاستی‌ها یا فزونی‌ها موجب تحریف و تغییر حقیقت اسلام و اسلام حقیقی می‌شود که عملاً با اسلام ناب فاصله زیادی می‌گیرد. گاه در این اسلام‌های تحریف شده تنها ظواهری از دیانت باقی می‌ماند که از حقیقت اسلام و دین الهی خبری نیست و لذا به سادگی در خدمت ستمگران و طواغیت در می‌آید و عملاً هیچ‌گاه نجاتبخش محرومان و مستضعفان و حامی ستمدیدگان نخواهد بود؛ بلکه حتی توجیه‌گر ظلم و ستم طاغوت‌ها و ستمگران می‌گردد و حامیان آن در پی یافتن وجوه شرعی برای توجیه بیدادگری‌ها و چپاول و غارت ظالمان و مستکبران و ساکت کردن مظلومین و ستمدیدگان و خاموشی و خفقان توده‌های ستم‌دیده خواهند بود. امام خمینی این اسلام تحریف شده متظاهرانه بی‌محتوا را، که عملاً هیچ مخالفتی با منافع مستکبران و طواغیت ندارد، اسلام آمریکایی می‌نامد. او در توضیح و تبیین اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی و مرز میان آن دو بارها تأکید می‌ورزید و با جدیت این دو اسلام را توصیف می‌کرد و به تصویر می‌کشید. او در برخی پیام‌ها و سخنرانی‌ها اسلام ناب محمدی (ص) را توصیف می‌کند و در برخی دیگر به توضیح اسلام آمریکایی می‌پردازد و در برخی هر دو اسلام را توصیف می‌کند و سعی دارد از هر کدام تعریفی روشن بیان کند و در واقع به طور عینی، هر کدام را به تصویر کشد. در پیامی چنین می‌فرماید: «فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است؛ اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و شرق در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پا برهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت، بی‌بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حیل‌گر و قدرت‌مداران بازیگر و مقدس نمایان بی‌هنرند». در پیامی دیگر می‌فرماید: «... آری مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیراسلامی در اختیار ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است؛ مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را مذهب آمریکایی می‌نامند».

اما در پیامی دیگر به هر دو اسلام اشاره می‌کند و می‌گوید: «شما باید نشان دهید که چگونه مردم علیه ظلم

و بیداد، تحجر و واپس‌گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند» [9]؛ چنانکه در پیامی دیگر هر دو اسلام را مجسم می‌نماید: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام ائمه هدی (ع)، اسلام فقرای دردمند، اسلام پا برهنگان، اسلام تازیانه‌خورندگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد». **البته ممکن است برخی در عقیده، اسلام ناب را پذیرفته باشند ولی در عمل، مسلمان آمریکایی باشند؛ هم‌چنانکه ممکن است برخی در عمل به اسلام ناب نزدیک باشند ولی در قول و عقیده و معرفت و نظر به انحراف رفته و به اسلام آمریکایی نزدیک باشند.** از این رو اسلام ناب اعم از قول و فعل و عقیده و رفتار است و در واقع تمام ابعاد وجودی و شخصیتی آدمی را فرا می‌گیرد؛ ابعاد معرفتی، ابعاد اعتقادی، ابعاد روحی و روانی، ابعاد عاطفی و احساسی، ابعاد اخلاقی و تربیتی، ابعاد عبادی و عملی، ابعاد فقهی و سیاسی، ابعاد معیشتی و اقتصادی و خلاصه همه ابعاد فردی و اجتماعی، لذا در اسلام ناب، تمام اجزا و ابعاد دین ملحوظ است و ترک بخشی از آن یا افزودن جزئی بر آن مساوی با خروج از اسلام ناب است.

چهارچوب‌ها، ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص)

در اینجا مهمترین ابعاد و چهارچوب‌های اسلام ناب محمدی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد:

1- دین‌شناسی و اعتقادات

در بعد دین‌شناسی، اسلام ناب با هرگونه قشری‌گری و جمود و سطحی‌نگری و ظاهر بینی مخالف، و همواره با نقد و نظر و پویایی و شکوفایی موافق است و هیچ‌گاه با مهر تکفیر و تفسیق به مبارزه با اندیشه‌های نو نمی‌پردازد؛ بلکه ضمن پایبندی به سنت‌های صحیح و اصولی، پیوسته نقد و نظر، همراه با برهان و استدلال را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد و از روش‌های جدید و کارآمد، کمال استفاده را می‌کند و هیچ‌گاه از سؤال و پرسش و طرح مسائل روز و مشکلات فکری فرار نمی‌کند و در واقع مسائل جدید و مقتضیات زمان از اصلی‌ترین مشغله‌های ذهنی پیروان اسلام ناب است. در اسلام ناب محمدی (ص)، دین از کمال و جامعیتی برخوردار است که تنها به ظواهر کتاب و سنت اکتفا نمی‌شود؛ بلکه کتاب و سنت دارای ظاهر و باطن است؛ بلکه باطن آن نیز ظاهر و باطن دارد. از این رو دین تنها در فقه و احکام

خلاصه نمی‌شود و فقه و احکام تنها ابعاد ظاهری و عملی دین را در برمی‌گیرد. برای شناخت ابعاد باطنی و عقلانی دین در اسلام ناب از عقل و فلسفه به عنوان ابزار و روش استفاده می‌شود؛ لذا نه تنها مخالف عقل و فلسفه نیست، بلکه از منطق و فلسفه نهایت بهره‌برداری را به عنوان وسیله و ابزار برای کشف و حل مشکلات فکری می‌کند؛ همچنانکه با عرفان و کشف و شهود مخالف نیست و از کشف و شهود و سیر و سلوک عرفانی برای معرفت و درک ابعاد معنوی و اسرار دین استفاده می‌جوید. روش عملی امام خمینی در دین‌شناسی و شناسایی دین، خود بهترین بیانگر و مؤید این بعد از اسلام ناب است. او هم فقیهی بزرگ بود و هم فیلسوف و عارف استثنایی. او ضمن تعبد به ظواهر شرع، به معرفی ابعاد معنوی و باطنی دین نیز همت می‌گماشت. آثار عرفانی و فلسفی او مؤید این مدعاست. تفسیر عرفانی او از قرآن کریم که متأسفانه قشری‌گراها نتوانستند آن را برتابند و با نامه‌های به ظاهر خیرخواهانه خویش، مانع از ادامه آن شدند، باز هم این ادعا را تأیید می‌کند. البته او در دوران خفقان، بیشتر از این قشریون و تحجرگراها آزار دیده بود؛ چنانکه خود می‌گوید: «در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است... و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هرکس کج راه می‌رفت، متدین‌تر بود. یادگرفتن زبان خارجی، کفر، و فلسفه و عرفان گناه و شرک به شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسال مرحوم مصطفی از کوزه‌های آب نوشید. کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود». [11] البته حضرت امام خود اشاره کرده‌اند که هنوز این تفکر نیز در حوزه‌ها وجود دارد.

نمونه‌ای از بقایای آن تفکرات حتی پس از انقلاب در حوزه‌های علمیه، یکی نگارش نامه‌هایی در زمان تفسیر عرفانی سوره حمد توسط حضرت امام بود که مانع از تفسیر او شدند و حضرت امام در تفسیر سوره حمد طی پنج جلسه تنها به تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله موفق شدند و بقیه سوره حمد باقی ماند. نمونه دیگری از وجود این تفکر در سال 1367 بعد از نامه حضرت امام به رهبر (وقت) شوروی، گورباچف بروز کرد که دعوت امام از گورباچف برای ارسال خبرگان تیزهوش شوروی برای مطالعه و تحقیق در آثار صدر المتألهین شیرازی و محی‌الدین - ابن‌العربی صورت گرفته بود. شخصی که خود را صاحب انتشارات حماة القدس می‌دانست، طی اطلاعیه‌ای این دعوت حضرت امام را بی‌ارتباط به اسلام، اعلام نمود و یادآور تکفیر ملاصدرا و محی‌الدین ابن‌العربی توسط فقهای معاصر آنها شد و آنها را خارج از اسلام می‌دانست. از این‌رو در بعد اعتقادی، پیروان اسلام ناب تنها به عقاید قشری و ظاهری و

اعتقادات عوامانه و سطحی بسنده نمی‌کنند، بلکه در شناخت و معرفت اصول اعتقادی به اوج عقاید ناب توحیدی صعود می‌نمایند و تمام مراحل توحید نظری را طی کرده، توحید خالص را در تمام ابعاد وجودی خویش به نمایش می‌گذارند و توحید عملی را نیز تنها به ابعاد فردی سرایت نمی‌دهند بلکه توحید کامل را در ابعاد گوناگون فرد و جامعه به اجرا می‌گذارند و برای سعادت بشر در پی ایجاد حیات معنوی هستند که در قرآن به حیات‌طیبه تعبیر شده است.

2- فقه‌شناسی و احکام عملی (به اصول حکمرانی در تعالیم مولف مراجعه شود)

در بعد فقهی در اسلام ناب، تنها به ظواهر احکام بسنده نمی‌شود، بلکه ضمن حفظ ظواهر و پایبندی و عمل به احکام ظاهری شریعت به فلسفه احکام بلکه به اسرار احکام نیز توجه جدی صورت می‌گیرد و هیچ‌گاه غایات و اهداف و اسرار و بواطن فدای مقدمات و ظواهر دین نمی‌گردد. البته بدیهی است که هیچ‌گاه به بهانه وصول به حقیقت و اسرار و بواطن دین، ظواهر و احکام ظاهری را نیز فراموش نمی‌کنند و در واقع راه وصول به اسرار و بواطن را از طریق پایبندی به ظواهر احکام می‌دانند. توجه امام خمینی به اسرار عبادات از جمله اسرار نماز، روزه و حج و غیره از همین روست؛ لذا او در کنار تألیفات فقهی و پیش از آنها به تألیف کتاب‌های عرفانی برای شناساندن اسرار و ابعاد معنوی و باطن عبادات می‌پردازد؛ مثلاً نگارش کتاب‌های «سر الصلوة» و آداب الصلوة یا پیام‌هایی که به مناسبت حج و لزوم توجه به اسرار حج ارائه می‌کردند و یا سخنرانی‌های ایشان در آستانه ماه مبارک رمضان و لزوم توجه به اسرار روزه مؤید همین معناست. از سوی دیگر به دلیل جامعیت و کامل بودن اسلام، فقه اسلام ناب نیز کامل است و تنها به ابعاد فردی آدمیان توجه نکرده است؛ همچنین تنها به ابعاد عبادی نیز اکتفا نمی‌کند؛ بلکه اسلام ناب به حکم جامعیت و فراگیر بودنش به تمام ابعاد فردی و اجتماعی آدمیان توجه تام دارد و لذا فقه اسلام ناب جوابگوی تمام نیازهای آدمیان در موقعیت‌های گوناگون و زمان‌های مختلف و با قومیت‌ها و ملیت‌های متفاوت است. از این رو فقه اسلام ناب، ضمن حفظ اصول و منابع اصیل و سنت‌های گرانب‌ها و بهره‌مندی از تلاش‌های بسیار ارزشمند علمای سلف و فقهای گرانقدر از روش‌های نوین و ابزارهای جدید استفاده می‌کند و در واقع، پاسخگوی سؤالات و مقتضیات زمان و مشکل‌گشای مسائل روز و نیازهای مردم است. لذا حضرت امام، فقه اسلام ناب را هم فقه سنتی و هم فقه پویا و پاسخگوی نیازهای امروز بشر می‌داند. او در پاسخی به گزارش شورای مدیریت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در تاریخ 1368/2/17 که ظاهراً آخرین پیام او بوده است می‌گوید: «ان شاء الله با کمک همه دست‌اندرکاران امور حوزه موفق شوید، پاسخگوی سؤالات جهان اسلام شوید. این مسأله نباید فراموش شود که به هیچ وجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها تخطی نشود. البته در عین اینکه از اجتهاد جواهری به

صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روش‌های جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد». آن حضرت در تاریخ 67/12/3 نیز در پیامی بسیار مهم به مراجع، روحانیون و ائمه جمعه سراسر کشور می‌نویسد: «در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام، پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است، حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهری با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد».

از این روست که امام خمینی در عین حال، اجتهاد مصطلح را برای اداره جامعه کافی نمی‌داند و معتقد است «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبّر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشاندهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است؛ فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است». او در نهایت تصریح می‌کند که «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبیای عکس‌العمل مناسب باشند؛ چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند».

3. مسائل سیاسی، اجتماعی و تحول‌های اجتماعی

در بعد سیاسی اجتماعی، اسلام ناب به دلیل جامعیت دین و فقه اسلامی تنها به ابعاد عبادی و فردی دین اکتفا نمی‌کند و دین را اجتماعی می‌داند و علاوه بر توحید فردی در صدد ایجاد جامعه توحیدی در ابعاد گوناگون برای بشریت است. لذا برای تمام ابعاد اجتماعی نسخه هدایت و دستورالعمل و قانون ارائه می‌کند. از این رو اسلام ناب، حکومت را جزء دین می‌داند و سیاست را عین دیانت می‌انگارد و وظیفه دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می‌داند؛ چرا که تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهمترین هدف سیاسی، اجتماعی دین و اسلام تلقی می‌کند. امام خمینی در این زمینه می‌گوید: «در حقیقت، مهمترین وظیفه انبیاء(ع) برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد؛ چنانکه این معنا از آیه شریفه «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، به وضوح پیداست. هدف بعثت‌ها، به‌طور کلی این است که مردمان براساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است. خواه نبی، خود موفق به تشکیل حکومت شود، مانند رسول اکرم(ص) و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند». امام خمینی تفکر جدایی دین از سیاست را از اندیشه‌های استعمارگران غرب می‌داند و در این زمینه چنین می‌گوید: «استعمارگران به نظر ما آوردند که اسلام، حکومتی ندارد، تشکیلات حکومتی ندارد، بر فرض که احکامی داشته باشد، مجری ندارد و خلاصه اسلام فقط قانون‌گذاری است. واضح است که این تبلیغات جزئی از نقشه استعمارگران است برای بازداشتن مسلمین از سیاست و اساس حکومت... این حرف‌ها را استعمارگران و عمال سیاسی آنها درست کرده‌اند تا دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند. در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های ما را غارت کنند؛ منظور همین است. اگر ما مسلمانان کاری جز نماز خواندن و دعا و ذکر گفتن نداشته باشیم، استعمارگران و دولت‌های جائر متحد آنها هیچ‌کاری به ما ندارند... آن مردک(نظامی انگلیس در زمان اشغال عراق) پرسید: اینکه در بالای مأذنه دارد اذان می‌گوید، به سیاست انگلستان ضرر دارد؟ گفتند؛ نه. گفت: بگذار هر چه می‌خواهد، بگوید؛ اگر شما به سیاست استعمارگران کاری نداشته باشید و اسلام را همین احکامی که همیشه فقط از آن بحث می‌کنید، بدانید و هرگز از آن تخطی نکنید. به شما کاری ندارند». ایشان در اواخر عمر شریفشان در تاریخ 67/12/3 نیز طی پیام مهمی به روحانیون سراسر کشور این مطلب را چنین توضیح می‌دهند؛ «استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مایوس شد، دو راه را برای ضربه‌زدن انتخاب نمود: یکی راه ارباب و زور؛ دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشده، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ، بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان

نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست. «... خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیبارد و الا عالم سیاسی و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هرکس کج راه می‌رفت، متدین‌تر بود.»

4. ظلم‌ستیزی و حمایت از محرومان (عدالت گستری که نظام حکمرانی ایران تحقق نیافت)

از سوی دیگر به دلیل اینکه مهمترین هدف سیاسی و اجتماعی اسلام برقراری قسط و عدالت اجتماعی و نظام عادلانه توحیدی در ابعاد گوناگون آن است، پیروان اسلام ناب محمدی، خود را پیوسته موظف می‌دانند که از ستم‌دیدگان و محرومان و مستضعفان حمایت و دفاع کنند و با ستمگران و مستکبران و طواغیت مبارزه‌ای بی‌امان داشته باشند. از این رو در بعد اقتصادی و معیشتی هدف اسلام ناب رفع محرومیت از همه محرومان و بهره‌مندی همه توده‌ها و اقشار گوناگون جامعه از نعمت‌های الهی و مواهب خدادادی است. لذا پیرو اسلام ناب همواره مخالف سرسخت مترفین و اسرافکاران و مرفهین بی‌درد است و بر گرسنگی گرسنگان و پرخوری پرخوران سکوت اختیار نمی‌کند. امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: و کونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا یعنی دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستم‌دیده باشید. «... همچنین امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستم‌دیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند». امام خمینی درباره روحانیون و علمای طرفدار اسلام ناب می‌گوید: «علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحش است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است و خداوند کسانی را که این‌گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان، سر آستی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند

و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پر فتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند». پیروان اسلام ناب تنها به‌طور شعاری و مقطعی از محرومان و مستضعفان دفاع نمی‌کنند، بلکه دفاع از محرومان شعار همیشگی آنهاست که در قول و عمل پیوسته پایبند به این شعار هستند و در زندگی شخصی و خصوصی نیز جز به اندازه رفع حاجات ضروری به منافع شخصی و خانوادگی خویش نمی‌اندیشند. امام خمینی برخی از حامیان اسلام ناب محمدی را، که پیوسته حامی محرومان و دشمن ستمگران بوده و از فداکاری و جانبازی در این راه دریغ نداشته‌اند، توصیف می‌کند و چند تن را نام می‌برد: «بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهان‌خواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه، قلب آنان را نشانه رفته است. ولی روحانی نماها در کنف حمایت زرپرستان دنیاطلب، مروج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده‌اند. تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی رانده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و آمریکای جهان‌خوار ایستاده باشد؛ همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد و عارف حسینی این‌گونه بود و ملت‌های اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری‌ها» و «بهشتی‌ها» و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز و در عراق «صدرها» و «حکیم‌ها» و در لبنان «راغب حرب‌ها» و «کُرّیم‌ها» و در پاکستان «عارف حسینی‌ها» و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی (ص) هدف توطئه و ترور می‌شوند». [29]

«برادر عزیزم خاتمی زنده‌دل، چهره تابناک مبارزات خستگی‌ناپذیر روحانیت روشن‌ضمیر در دهه‌های اخیر این مرز و بوم بود. او روشنفکری متدین و مجتهدی بزرگوار و از خوبان امینی بود که اگر نتوان گفت بی‌نظیر، مسلماً کم‌نظیر بود. او با گوشت و پوست خود مبارزه را می‌فهمید و سختی‌های آن را چون شربت‌ی گوارا می‌نوشید. او یار و پناه محرومان بود. او یک عمر با تحجر و واپسگرایی جنگید و یکی از طرفداران بی‌بدیل اسلام ناب محمدی (ص) در عصر فریب و خودپرستی بود».

5- عبادت و انس با معبود

در بعد عبادی در فرهنگ اسلام ناب، حقیقت دعا از سنخ قول و سخن نیست، بلکه از سنخ حال است که اقوال و سخنان داعی از حالت روحی و درونی او حکایت می‌کند؛ چنانکه حقیقت عبادت، ظاهر افعال و

اوراد و اقوال عابد نیست، بلکه حقیقت آن، عبودیت عبد برای معبود است که لازمه آن، تن زدن از بندگی غیر خدا و تن دادن به بندگی آن معبود حقیقی است. عبادت عابد، از عبودیت او حاکی است و گرنه عبادت ظاهری بدون عبودیت، جز ریا و نفاق نیست که آن نیز عین کفر و شرک است و بر خلاف توحید و یگانه‌پرستی است. لذا دعای ظاهری و عبادت ظاهری از یک سنخ و دعای حقیقی و عبادت حقیقی نیز از یک سنخ و بلکه ملازم یکدیگرند. بنابراین باید گفت عبادت عابد آدابی سمبلیک و نمادین برای نمایش گذاشتن عبودیت و بندگی خالص الهی و بریدن از غیر خداست که گاه به صورت فردی و در بسیاری موارد به صورت اجتماعی انجام می‌پذیرد. از این‌رو در محراب عبادت به محاربه با طواغیت و شیاطین می‌پردازد و با نفس اماره خویش نیز می‌ستیزد تا به افتخار بندگی خدای یگانه نایل آید. براین اساس پیرو اسلام ناب هیچ‌گاه وظیفه مبارزه با طواغیت را به بهانه عبادت خدا فراموش نمی‌کند؛ لذا عبادات او با سیاست در می‌آمیزد و در نمازش نفی طاعوت را شعار خویش می‌سازد تا بتواند به الوهیت الله اعتراف نماید و در حج نیز به صورت آداب حج بسنده نمی‌کند، بلکه به پیروی از ابراهیم خلیل(ع) با شکستن بت‌ها و اظهار برائت از نمرود و نمرودیان زمان به پروردگار خویش لبیک می‌گوید. در عین حال مبارزه با طاعوت و انقلابی بودن و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز هیچ‌گاه مانع از ارتباط و اتصال به عالم غیب و انس با معبود نمی‌گردد، چرا که اصل نفی طاعوت‌ها و مبارزه با مستکبران و تمام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز به دلیل پیاده کردن توحید حقیقی در زندگی فردی و اجتماعی و عبودیت حق تعالی است. لذا ایمان داران به اسلام ناب هرگز به بهانه مبارزه با طاعوت و استکبار یا فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و خدمت به خلق، از عبودیت و عبادت خالق سرباز نمی‌زنند و هر خدمتی برای خلق در نظر آنها به خاطر خشنودی خالق است. از این‌رو امام خمینی، خود ضمن محافظت جدی بر نمازهای واجب و فرایض بر نوافل و اعمال مستحبی نیز پایبند بودند. با اینکه برای نماز صبح و نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء در هر وعده از آغاز اذان تا یک ساعت کامل به عبادت و راز و نیاز با معبود می‌پرداختند، در عین حال قریب هفتاد سال تمام بر اقامه نوافل و بویژه نوافل شب پایبند بودند و همواره با پروردگار خویش ارتباط عاشقانه و عارفانه داشتند. در واقع همین رابطه صمیمی و انس با معبود از او شخصیتی شگفت ساخت که از غیر خدا هیچ هراسی نداشت و به تنهایی در مقابل تمام طاعوت‌ها و مستکبران به مبارزه برمی‌خاست و در مقابل همه تندبادهای و توفان‌های حوادث همانند کوهی استوار استقامت می‌ورزید.

6- اخلاق و عرفان

در حوزه اخلاقیات نیز کسب فضایل و مکارم اخلاقی و پیراستن از رذایل اخلاقی و کدورت‌های روحی

جزء لوازم عملی اسلام ناب است و تقوای عملی و سیر و سلوک معنوی و تعالی روحی و عرفان عملی همراه با عرفان نظری از اهداف جدی اسلام ناب به‌شمار می‌آید. از آن رو که اخلاقیات آدمی بازتاب ایمانیات و اعتقادات اوست، به طور طبیعی پابندی به آنها نیز از لوازم اعتقادات و باورداشتهای او محسوب می‌شود؛ بلکه رابطه آنها با یکدیگر یک نوع عینیت و اتحاد است که باورداشتهای و ایمانیات در قلب و جان آدمی تحقق می‌یابد و لیکن نمود عینی و بازتاب بیرونی آن در اخلاقیات و عبادات و احکام عملی بروز و ظهور می‌نماید؛ لذا میزان پابندی به اصول اخلاقی و عملی در واقع، حاکی از میزان باورداشت و اعتقاد قلبی آدمی است. خدای تعالی در این زمینه می‌فرماید: «الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه، س فاطر، آیه 10» (یعنی سخن(اعتقاد) پاک به سوی خدا صعود می‌کند و عمل صالح آن را بالا می‌برد). بنابراین اسلام ناب تنها در شعار و ادعا خلاصه نمی‌شود بلکه لازمه تحقق آن در آدمی پابندی عملی و اخلاقی او در رفتار و اعمال است که ایمان بدون عمل صالح، نجات‌بخش نیست و عمل بدون ایمان نیز سعادت‌آفرین نیست زیرا حیات‌طیبه و زندگی ایمانی و دینی که سعادت حقیقی واقعی بشر در گرو آن است، تنها در سایه وجود ایمان و توأم بودن با عمل صالح تحقق می‌یابد؛ به‌طوری که قرآن کریم می‌فرماید: «من عمل صالحاً منکم من ذکر او أنثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة»، (س نحل، آیه 97)(یعنی: هر یک از مرد و زن شما که عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، قطعاً او را زندگی پاکیزه‌ای می‌بخشیم). امام خمینی احیاگر اسلام ناب، از جوانی تا آخر عمر هم معلم اخلاق و مذهب قلوب بودند و هم در عمل چنان خویش را تهذیب و متخلق ساخته بودند که در حد اعلا تقوای عملی قرار داشتند و نه تنها دوستان او به تواتر این مهم را بیان می‌کردند، بلکه مخالفان او نیز هیچ‌گاه منکر فضایل و مکارم اخلاقی و تقوای عالی او نبودند. همان‌طور که در بعد معرفتی و دین‌شناسی، اسلام ناب به ظواهر دین محدود نمی‌شود و لبّ و اساس دین باطن و لایه پنهان آن است و از همین رو کتاب و سنت تنها دارای ظاهر نیست و در عین حجیت ظواهر، اساس و لبّ کتاب و سنت باطن و سرّ آنهاست و هدف از نزول کتاب خدا، معرفت حق و سیر و سلوک الی‌الله و تقرب به حق تعالی و حیات معنوی داشتن است. از این‌رو در بعد معرفتی، اسلام ناب تنها در عقاید ظاهری خلاصه نمی‌شود و ارتباط با عالم غیب و معرفت قلبی و حضوری خداوند علاوه بر معرفت عقلی و فلسفی جزء اهداف اسلام ناب به شمار می‌رود و کشف و شهود و مکاشفه و الهام غیبی و سیر و سلوک معنوی بخش مهمی از اسلام ناب است. البته عرفان در اسلام ناب با عرفان صوفیان در برخی جهات متمایز است؛ از جمله اینکه عارف در اسلام ناب کاملاً به ظواهر شرع پایبند است و به بهانه سیر و سلوک و رسیدن به حق، هیچ‌گاه از تعبد به ظواهر شرعی و عبادات سرباز نمی‌زند. ثانیاً برخلاف صوفیان از آداب و رسوم صوفیان و رفت و آمد به خانقاه‌ها و زندگی درویشانه پرهیز می‌کند. ثالثاً به روابط مرید و مرادی و سرسپردگی به قطب و شیخ اعتنای چندانی ندارد و در عوض توجه به اولیای الهی و معصومان و توسل به آنها و شفاعت از آنها معتقد است. رابعاً از زندگی سیاسی، اجتماعی علی‌رغم روش صوفیان کنارگیری نمی‌کند. امام خمینی با اینکه در این زمینه گوی سبقت را از همگان ربوده بود و هم در عرفان نظری و هم در عرفان عملی چنان اوج گرفته بود که

بزرگان عرفان و حکمت باید آثار علمی و عملی ایشان را در دوران جوانیش، شرح دهند[35]؛ گرچه چون آن حضرت رسماً عرفان تدریس نمی‌کرد و شاگرد خاصی در این زمینه نداشت، در حقیقت این بعد از شخصیت علمی و عملی ایشان چندان شناخته شده نیست، اما آثار عرفانی او که عموماً در سنین جوانی، تألیف شده است، حاکی از اوج تبحر او در عرفان نظری و عملی است[36]. به جز آثار عرفانی، بسیاری از پیام‌ها و نامه‌ها و سخنرانی‌هایشان تا آخر عمر شریفشان مملو از نکات ناب عرفانی است و این آثار، تشنه‌کامان عرفان و معرفت را برای همیشه سیراب خواهد کرد.

نتیجه

خلاصه سخن اینکه برای احیای اسلام ناب توجه به نکات زیر ضروری است:

1- به لحاظ مفهوم ماهوی، اسلام ناب را باید از اسلام آمریکایی جدا کرد و متمایز ساخت.

2- مرزهای اسلام ناب و اسلام آمریکایی باید بازشناسی گردد.

3- حدود و ابعاد اسلام ناب، شناسایی، و به‌طور جامع تمام ابعاد آن ملاحظه شود.

4- اسوه‌ها و مصداق‌های رهروان اسلام ناب در دوران معاصر به جامعه معرفی گردد.

5- آثار و اندیشه‌های علمی و سیره عملی امام خمینی به عنوان پیشوای اسلام ناب در روزگار کنونی به جوامع بشری معرفی شود.

(سبک رهبری رابطه‌گرایانه امام خمینی(ره))

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان 1392، ص 91 - 115

Islam Va Pazhūheshhāye Modirīyatī, Vol.2. No.2, spring & Wummer 2013

مجتبی درودی

چکیده

مدیران مسلمان با ویژگی‌های رفتاری «رابطه‌گرایانه» خویش در سازمان می‌توانند با رعایت حال کارکنان و اهمیت دادن به آرا، باورها و احساسات آنان، به هدایت و رهبری‌شان پرداخته و از این

طریق، بین خود و نیروی انسانی اعتماد و احترام متقابل به وجود آورده، و زمینه تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها را فراهم نمایند، بدین‌سان می‌توانند نقش بسزایی در مدیریت بهینه نیروی انسانی و رشد و تعالی آنان ایفا کنند. از این رو، این مقاله برآن است تا بر اساس روش توصیفی و تحلیلی به شناسایی و تبیین ویژگی‌های رفتاری مبتنی بر سبک رهبری رابطه‌گرایی در سیره امام خمینی(ره) به‌عنوان الگویی برای مدیران نظام اسلامی پردازد. از یافته‌های این پژوهش، می‌توان به هشت ویژگی اساسی «بصیرت‌بخشی»، «ایجاد تحول روحی و معنوی»، «خدمت‌گذاری»، «مشارکت‌جو»، «وحدت‌بخشی»، «اعتماد به نفس بخشیدن»، «سخن‌گویی پیروان» و «امیدبخشی» اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: رهبری، ویژگی، رفتار، شاخص، سبک، رابطه‌گرایی، وظیفه‌گرایی.

مقدمه

در ادبیات معاصر درباره سبک و ویژگی‌های رفتاری رهبری، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. برای نمونه، می‌توان به تحقیقات دانشگاه ایالت اوهایو و تحقیقات دانشگاه میشیگان و نظریه‌های رهبری اقتضایی و نظریه رهبری وضعیتی اشاره نمود. صاحب‌نظران می‌گویند: انتخاب هر سبک رفتاری توسط رهبر، به چگونگی طرز تفکر و مفروضات وی درباره منشأ قدرت رهبری طبیعت و فطرت انسان‌ها بستگی دارد؛ یعنی اگر رهبری قدرت خود را ناشی از حمایت پیروانش بداند و انسان را موجودی مسئولیت‌پذیر و قابل اعتماد تصور کند، رفتاری مشارکت‌جویانه و انسان‌گرا (رابطه‌گرا) خواهد داشت (رضائیان، 1388، ص 428)؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت؛ انتخاب سبک رفتاری توسط رهبر، متأثر از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر وی و سازمان است. از این رو، برای مدیران در نظام اسلامی این پرسش مطرح می‌شود که سبک رفتاری رابطه‌گرا در سازمان، با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ شاخص‌های اصلی و فرعی آن کدامند؟ این مقاله، برای پاسخ به این پرسش‌ها، به پژوهش در سیره امام خمینی(ره) پرداخته است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین منابع پس از قرآن، کتب روایی و سیره معصومان(ع)، سیره امام خمینی(ره) است که در بعد نظری، از نظریه‌پردازان برجسته اسلامی است و در بعد رفتاری، از آغاز انقلاب و پس از پیروزی، با سیره مدیریتی و رهبری الهی خویش، نظام جمهوری اسلامی ایران را به بهترین وجه اداره نمود. از این رو، در این مقاله به تبیین ویژگی‌های مبتنی بر سبک رابطه‌گرایی امام راحل و شاخص‌های مرتبط به آن، در مجموعه 22 جلدی *صحیفه امام* پرداخته می‌شود.

مفاهیم و اصطلاحات

1. رهبری: هرچند تفاوت آرا و نظریه‌ها در مورد مفهوم «رهبری» بسیار است، اما در این تحقیق، تعریف زیر مورد نظر است: «نفوذ در دیگران برای نیل به هدف» (رضائیان، 1388، ص 423).

2. ویژگی: واژه «ویژگی» به خصوصیات فردی متعددی ربط پیدا می‌کند، از آن جمله، جنبه‌های شخصیتی، سرشت، نیازها و انگیزه‌ها و ارزش‌ها را می‌توان ذکر کرد (ازگلی، 1374، ص 36).

3. رفتار: رفتار عبارت است از یک رشته فعالیت در انسان (رضاییان، 1387 الف، ص 92).

4. شاخص: شاخص متغیر رفتاری قابل مشاهده است (خاکی، 1387، ص 179) که از «ویژگی» حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، هر شاخص، یکی از نمادهای ویژگی رهبری است. برای نمونه، می‌توان به مفهوم «توجه به محرومان» به عنوان شاخصی که حکایت از ویژگی «خدمت‌گزاری» رهبر می‌کند، اشاره کرد.

5. سبک: در تعریف «سبک» تعابیر گوناگونی به کار رفته است که تعریف زیر به لحاظ جامعیت مفهومی، مورد نظر است: «سبک، همان رفتارهای تثبیت‌شده‌ای است که به صورت ویژگی‌های شخصیتی رهبر شکل گرفته و پیروان، رهبر را با آن ویژگی‌ها می‌شناسند» (ازگلی، 1374).

6. رابطه‌گرایی (رعایت حال کارکنان): حدی است که رهبر اعتماد طرفینی با کارکنان برقرار می‌کند، به فکرهای آنان احترام می‌گذارد و برای احساسات آنان علاقه نشان می‌دهد (رضاییان، 1387 الف، ص 385)

7. وظیفه‌گرایی (ضابطه‌مندی): حدی است که رهبر نقش خود و نقش‌های کارکنان را بر حسب دستیابی به هدف‌های هر واحد تعریف می‌کند. این نقش‌ها، شامل بسیاری از وظایف مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و تمرکز عمده بر مسایل کاری می‌شود (همان).

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به ماهیت و هدف آن، تحقیقی توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات درباره ویژگی‌ها و شاخص‌های رفتار مبتنی بر سبک رابطه‌گراییانه از دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته و با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، به تحلیل یافته‌های پژوهشی می‌پردازد.

فرایند تحقیق

در این تحقیق، مضامین در تحلیل محتوای کمی به عنوان واحدهای ثبت انتخاب شدند. این واحد، در انواع پژوهش‌ها و مطالعات علوم انسانی به کار رفته، می‌تواند در تحلیل نظریات ارزش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. «مضامین» به صورت عبارات و جملات و پاراگراف‌ها در نظر گرفته می‌شوند. مضامین استخراج‌شده در این تحقیق، در تنظیم فیش‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که حتی‌المقدور هر عبارت، دارای یک مضمون باشد. ولی اگر بر مضامین دیگری هم اشاره داشت، آنها هم استخراج شده‌اند. پس از طراحی

ساخت مفهومی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، با توجه به پرسش‌های پژوهش، داده‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به این ترتیب، بر اساس هر یک از پرسش‌های پژوهش، فیش‌ها به مفاهیم مدیریتی سبک رابطه‌گرایی سازماندهی می‌شوند. سپس، ویژگی‌ها و شاخص‌های مربوط به آن، از محتوای فیش‌ها استخراج و طبقه‌بندی گردیده و فراوانی آنها محاسبه می‌شود در حالی که تأکید بیشتر بر تحلیل محتوای کیفی شده است؛ زیرا آنچه سند (صحیفه 22 جلدی امام) پژوهش قرار گرفته، متنی مدیریتی نیست که به راحتی بتوان اصطلاحات و مفاهیم مورد نظر را شمارش نمود؛ چه بسا موضوعات به گونه‌ای تحت الفاظ عام و یا مشابه بیان شده‌اند که از نظر شمارش عددی، به آسانی قابل طبقه‌بندی نبوده و یا موضوعاتی که از نظر کمی چندان تکرار نشده‌اند، ولی این عدم تکرار، از اهمیت آن در دیدگاه امام راحل نمی‌کاهد. از این رو، تحلیل محتوای کیفی، این تقیصه را جبران می‌کند و می‌تواند با نفوذ در عمق، مقاصد و مفاهیم مورد نظر را کشف و استخراج نماید.

مبانی نظری امام خمینی(ره)

نوع نگاه مدیران به انسان در حوزه باورها و نوع انگیزه آنان در انجام عمل در حوزه گرایش‌ها، موجب بروز رفتار آنها می‌شود؛ از این رو، لازم است در سیره امام خمینی(ره) به این دو نکته زیر اشاره شود:

!. انسان‌شناسی: در آغاز تعریف کلی از «انسان» در غرب و نیز در اسلام ارائه گردیده، سپس به فرازی از کلام امام در این زمینه اشاره می‌شود (به تعالیم 7 تا 12 این مولف مراجعه شود)

الف. انسان در غرب: در جوامع غربی به علت «بافت مادی صرف» غالباً ارزش‌گذاری‌ها بر پدیده‌های «حیات انسانی» مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و معانی «اومانستی» است. انسان‌شناسان اومانست در نظریه‌های خود، به دلیل بی‌بهرگی از مکتب وحی «تصورگر انسان»‌هایی هستند که هاله‌ای از توهمات بشری پیرامون او را گرفته است؛ گاه او را موجودی بد ذات و گاه او را خوش ذات و... معرفی می‌کنند (رضاییان، 1387، ص 300)

ب. انسان در اسلام: از نظر قرآن، «انسان» موجودی است برگزیده از سوی خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه‌ملکوتی و نیمه‌مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است. از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است. احیاناً انگیزه‌هایش هیچ‌گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد. حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است، ولی در برابر خدای خودش وظیفه‌دار است (مطهری، 1374، ص 272) امام راحل با رویکرد اسلامی به انسان، در نقد مبنای انسان‌شناسی در غرب می‌فرماید: «شما یک موجود مادی نیستید [به قول] آنهایی که

انسان را يك موجود مادي مي‌دانند - انسان را مثل ساير حيوانات مي‌دانند - شما يك موجودي هستيد كه هم جهات ماديت داريد و بالاتر، جهات معنويت» (خميني، ج 6، ص 310)

2. انگیزه رفتار: امام راحل با نگاه اسلامي به انسان، انگیزه فعاليت‌هاي آدمي را بالاتر از دو سطح پاسخ‌گويي به نيازهاي طبيعي و تأمين نيازهاي انساني، يعني انجام وظيفه الهي يا «تکلیف‌گرایی» مي‌دانند: «همه در نظر بگيريد خدا به ما وظيفه داده، وظيفه معين کرده، وظيفه خدايي را داريم عمل مي‌کنيم.» (همان، ج 19، ص 459)

در جايي ديگر مي‌فرمايد: «ما بنا داريم به تکلیف عمل کنيم» (همان، ج 12، ص 322)

بنابراين، امام در روابط فردي و اجتماعي در عرصه‌هاي گوناگون زندگي خویش، بر اساس انگیزه الهي «تکلیف‌گرایی» عمل مي‌کرد و در سيرة عملي ايشان، «تکلیف‌گرایی» مبناي بروز دو سبک وظيفه‌گرایی و رابطه‌گرایی بود. در اين راستا، آن دسته از رفتارهاي امام راحل، كه بر رعايت قوانين، دستورات و انجام امور مرتبط با ساختار و تشكيلات رسمي اداري نظام دلالت مي‌کند، «سبک وظيفه‌گرایانه» امام را شکل مي‌دهد و آن دسته از رفتارهاي ايشان، كه محور آنها، مردم و خدمت‌گزاري به مردم است، «سبک رابطه‌گرایانه» امام را بيان مي‌کند. يادآور مي‌شود اين مقاله، تنها به تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌هاي مبتني بر سبک رابطه‌گرایانه امام خميني(ره) مي‌پردازد.

3. فرايند طراحی ساختار مفهومي: در طراحی ساختار مفهومي مراحل زیر سپري شد: 1. مطالعه متن صحيفه و استخراج عناوين مرتبط با موضوع تحقيق؛

2. تعيين عناوين مترادف و نزديك به يك معنا و انتخاب و جايزين عناوين اصلي براي آنها؛

3. طبقه‌بندي عناوين اصلي مبتني بر سبک رهبري رابطه‌گرا؛

4. تفكيك ویژگی‌ها از شاخص‌ها؛

5. سازماندهي ویژگی‌ها و شاخص‌ها و کدگذاری آنها.

سرانجام، ساختار مفهومي به شکل زیر نهايي و تدوين گردید.

موضوع اخص	کد	موضوع (شاخص)	خاص کد	موضوع عام کد (ویژگی)
اتکال به خدا	1	توجه دادن به باورها و	1	بصيرت‌بخشي 1

		2	ارزش‌های دینی	2	تمسک به قرآن
		3	تبدیل تهدید به فرصت	3	تقوا و اخلاص در عمل
		4	ارتقای سطح دانش	4	صداقت و امانت
		5	عمومی پیروان	5	ساده‌زیستی
		6	اطلاع‌رسانی	6	پاسدار ارزش‌های ملی و مردمی
			رعایت اولویت	7	ظلم‌ستیزی
			عدم اکتفا به وضع موجود	1	دشمن‌شناسی و هشدار نسبت به توطئه‌ها
				2	
				1	عبرت‌پذیری از تجارب و تاریخ
					گزارش عملکرد به پیروان
	2	1	تعهد	1	عدم بیان مکرر کاستی‌ها و نارسایی‌ها
	3	2	فداکاری و شجاعت	1	احترام به آرای پیروان
		3	شهادت‌طلبی	2	تجلیل از پیروان
		1	توجه به محرومان	3	قدردانی از پیروان
		2	ایجاد رفاه و امنیت	4	نصیحت‌پذیری و تحمل انتقادات
		3	برای همه اقشار	5	تواضع
		4	حمایت از پیروان	1	ارتباط چهره به چهره
		5	احترام و تجلیل از پیروان	2	ارتباط روحی و عاطفی با پیروان
			ایجاد تقاهم و همدلی	3	

		جلب رضایت پیروان	
4	مشارکت جو	1	باورکردن پیروان
		2	مشورت پذیری
		3	تعمیم مسئولیت پذیری
		4	حفظ پیروان در صحنه
		5	توصیه به همکاری و
		6	تعاون در بین پیروان
		7	قدرت بخشی تأکید بر ایجاد گروه های کاری توانا
5	وحدت بخش	1	وحدت در هدف
		2	وحدت در نیروها
		3	وحدت در روش
6	اعتماد به نفس	1	استقلال فکری
		2	پرهیز از غربزدگی
		3	عزت طلبی
		4	استقامت و تحمل مشکلات
		5	نهراسیدن از دشمن
7	سخن گوی پیروان	1	اسلام گرایی

		2	تأمین استقلال		
		3	تأمین آزادی		
		4	استقرار حکومت اسلامی		
		5	اجرای عدالت		
		6	حق نظارت و ارزیابی برای پیروان		
	امیدبخشی	8	1 نوید پیروزی و عظمت		
			2 نوید رفاه		

تحلیل یافته‌ها

با توجه به ساختار مفهومی یادشده، به تشریح و تحلیل ویژگی‌های رفتاری مدیران مبتنی بر سبک رابطه‌گرایی پرداخته و متناسب با هر ویژگی، «شاخص» آن بیان گردیده و به سیرة نظری و عملی امام خمینی (ره) در صحیفه مستند می‌شود.

سبک رابطه‌گرایی

ویژگی‌های رفتاری که برای رعایت حال مردم و خدمت به آنان از صحیفه امام استخراج شده بیانگر «سبک رابطه‌گرایی» ایشان است؛ این ویژگی‌ها شامل هشت ویژگی «بصیرت‌بخشی»، «ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان»، «خدمت‌گزاری»، «مشارکت‌جو»، «وحدت‌بخشی»، «اعتماد به نفس بخشیدن»، «سخن‌گویی پیروان» و «امیدبخشی» است:

1. بصیرت‌بخشی (به هزاره بصائر از این مولف مراجعه شود تعلیم 83)

اولین ویژگی در حوزه رابطه‌گرایی، بصیرت‌بخشی است؛ درپیش از ورود به بحث، لازم است واژه «بصیرت» و «بصیرت‌بخشی» را تعریف نموده، تا کاربرد این لفظ در این تحقیق مشخص گردد. «بصیرت» یعنی روشن‌نگری، روشن‌بینی، و اندیشه عمیق که دارنده آن از هوشیاری، حُسن تشخیص، دید صائب و درک صحیح بهره‌مند است (راغب اصفهانی، 1416ق، ص 127) و با به‌کارگیری درست آن،

می‌تواند تصمیم و اقدام شایسته را در زمان مناسب از خود نشان دهد. «بصیرت‌بخشی» عبارت است از: توانمند کردن پیروان از طریق انتقال بصیرت (ازگلی، 1374، ص 36)

ویژگی بصیرت‌بخشی دارای هفت شاخص به شرح زیر است:

- توجه دادن به باورها و ارزش‌های دینی: از آنجاکه سیرة نظری و عملی امام خمینی(ره) برخاسته از نگرش الهی ایشان به پدیده‌ها و رخدادهاست، باورها و ارزش‌های دینی، نقش کلیدی در سخنان، پیام‌ها، رفتارها و عملکردهای ایشان دارد. گستره توجه به باورها و ارزش‌های دینی، نه تنها اخلاقیات، بلکه اعتقادات و احکام را نیز شامل می‌شود و این مجموعه، منظومه معرفتی انسان موحد است که تأکیدی بر «معنویت‌گرایی» است. در اعتقاد حضرت امام، شالوده اصلی ایجاد نهضت اسلامی، حفظ، تثبیت و استمرار نظام که از یکسو، مستلزم کشورداری صحیح و از سوی دیگر، صیانت آن از آسیب‌های داخلی و دشمن‌های خارجی است، در گرو توسعه معنویت در میان ملت است. «اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی، بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست» (خمینی، 1386، ج 1، ص 77).

- تبدیل تهدید به فرصت: آنچه به‌عنوان مانع مسیر حرکت یک پدیده یا در مسیر فرایند یک سیستم اتفاق می‌افتد و یا قرار است اتفاق بیفتد، به‌گونه‌ای که موجب کند کردن شتاب حرکت، توقف، عقب‌نشینی و یا انحراف و تغییر مسیر سیستم گردد، «تهدید» شمرده می‌شود. در مقابل، دفع و رفع تهدیدها و خنثی‌سازی تلاش‌های رقبا و مخالفان در واکنش مناسب، به‌گونه‌ای که علاوه بر زدودن مانع و ایجاد مصونیت در برابر آن، حصول هدف ممکن شود، به «فرصت» تعبیر می‌شود.

تهدید در نگاه امام خمینی(ره)، امری بدیهی و مورد انتظار است که بیگانگان و دشمنان برای دستیابی به اهداف خود، با توجه به تعارض بنیادینی که با مبانی، اصول و هدف‌های اسلام ناب محمدی دارند، به دشمنی و توطئه علیه مسلمانان می‌پردازند که «اختلاف‌افکنی» میان آنان، از جمله این موارد است.

آمریکا باید به‌حسب آن تزی که دارد و آنکه اختلاف بین مسلمین بیندازد و بهره‌بردار کند و همه حیثیت مسلمین را و دارایی مسلمین را و ذخایر مسلمین را بچاپد و مسلمین را به حال مصرف‌گرا نگه دارد. آنها البته روی مقاصد پلید خودشان این مسائل را پیش می‌آورند و ما هم از آنها توقع اینکه اینطور نباشند، نداریم (همان، ج 15، ص 438)

همچنین با تحلیل پدیده‌های تاریخی و عبرت‌پذیری از آنها، می‌توان راه نفوذ دشمن را شناسایی و به خنثی‌سازی ترفندها و توطئه‌های آنان برآمد. چنان‌که امام خمینی(ره) می‌فرماید:

ما باید از تاریخ عبرت ببریم... در زمان مشروطه آنهایی که می‌خواستند ایران را نگذارند به یک سامانی برسند و چماق استبداد تا آخر باقی بماند بین افراد، دستجات، احزاب اختلاف انداختند... این اختلاف موجب شد که نتوانست مشروطه آن‌طوری که علمای اسلام می‌خواستند تحقق پیدا بکند. بعد هم این اختلاف موجب شد که یک دسته از آن غریزه‌ها بریزند و به اسم مشروطه بگیرند مقامات را و استبداد به صورت مشروطه بر این ملت تحمیل کنند و دیدید که چه شد. امروز همان روز است. اگر ملت ایران بیدار نشود. اگر علمای اسلام بیدار نباشند... الان... می‌خواهند وضعی را کار کنند که زمان مشروطه کردند و بدانید گنااهش به گردن همه ماست (همان، ج18، ص411)

- ارتقای سطح دانش عمومی پیروان: نیروی انسانی کارآمد گران‌بهاترین منبع سازمانی برای شکوفاسازی استعدادها و دستیابی مستمر به عملکرد محسوب می‌شود. هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود، به نیروی انسانی توانمند و متعهد نیاز دارد. ارتقای سطح دانش پیروان، یکی از راهکارهای توانمندسازی است که امروزه در مدیریت منابع انسانی مطرح است. دانش عمومی، عنصری مرکب از علم و آگاهی است که افزون بر ابعاد فردی، دارای ابعاد اجتماعی است. امام خمینی (ره) در هر موقعیتی بر آموزش و ارتقای سطح دانش پیروان خود تأکید کرده و آن را به عنوان یکی از حقوقی که پیروان بر عهده رهبر خود دارند، بازگو می‌کرد:

علم يك حقيقت غيرمتمناهي است، انسان اگر در تمام عمر هم تحصیل علم بکند با به آخر نرسانده است. و لهذا سزاوار است که انسان در تمام مراحل عمر مشغول تحصیل علم باشد؛ یعنی همه محتاجیم به اینکه از یکدیگر چیز یاد بگیریم. همه محتاج به تعلیم و تربیت علمی هستیم... تربیت علمی کنیم و سطح معلومات مردم را بالا ببریم و در يك کشوری که در این جهت کامیاب نبوده است. حالا که ما و شما و آقایان متصدی این امر هستیم، باید هم نهضت سوادآموزی توسعه داشته باشد و همه شرکت کنند (همان، ج16، ص496)

- اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی فرع اطلاع‌یابی است. در يك تقسیم‌بندی، اطلاع‌یابی از طریق منابع رسمی و یا غیررسمی و یا از طریق تولید اطلاعات به دست می‌آید. مانند اجتهاد که مستلزم موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است. اطلاعات وسیله‌ای برای دریافت بینش و اطلاع‌رسانی ابزاری است، برای اعطای بینش و بصیرت‌بخشی، به عبارت دیگر، اطلاعات، وسیله‌ای است که بین قضاوت‌کننده و واقعیات محیط، پیوند و ارتباط برقرار می‌کند تا چگونگی برخورد او با آن پدیده‌ها مشخص گردد. از این‌رو، با اطلاعات بیشتر، دقیق‌تر و به روز، ضریب خطای يك تحلیل یا تصمیم کاهش می‌یابد. چنان‌که اطلاعات نادرست، کم‌اطلاعی و بی‌اطلاعی بر قضاوت و تصمیم‌گیری افراد، مؤثر و ضریب خطا را افزایش می‌دهد. در این زمینه، امام راحل در بیانات خود بر اطلاع‌رسانی به مردم تأکید می‌کرد تا با افزایش آگاهی آنان، تبلیغات سوء دشمنان، خنثی شود و دشمن نتواند با سوءاستفاده از بی‌اطلاعی مردم، وقایع را جعل کرده و اذهان

مردم را مشوش سازد؛ زیرا ذهن، عاطفه و در نهایت، رفتار از ناحیه اطلاعات تغذیه می‌شود. ایشان خطاب به کارگزاران و مسئولان می‌فرماید:

و عمده نظر به این است که در این سال به این آوارگان، زیاد رسیدگی بشود. و به این مستمندان، به این روستاها زیاد رسیدگی شود. رسیدگی‌ها هم به ملت گفته بشود. مثل اینکه گاهی آقایان، مقدس‌مآبی می‌کنند و خیال می‌کنند که این «ریا»ست. مثلاً، و حال آنکه گاهی لازم است این... لازم است هر چیزی که برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی لازم است، ما بگوییم به مردم که ما چه کرده‌ایم (همان، ج 17، ص 386).

ر- عایت اولویت: تعیین و اولویت‌بندی موضوعات و مسایل مهم و کلیدی در قانون‌گذاری، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و اداره امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظام، باید مورد توجه مسئولان، مدیران و کارگزاران قرار گیرد. چنان‌که امام خمینی با بصیرت‌بخشی، نمایندگان مجلس را به رعایت اولویت در طرح قوانین و لوایح فرامی‌خواند تا موجب حل مشکلات اساسی و تدوین سیاست‌های بنیانی در جهت محرومیت‌زدایی از جامعه اسلامی شود:

نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و مواد غیرضروری، به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام غریزه در کمیسیون‌ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی کشور در امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید (همان، ج 21، ص 50).

- اکتفا نکردن به وضع موجود: فطرت نامحدود و کمال‌جویی آدمی همیشه انسان را از خشنود بودن و بسنده کردن به وضع کنونی خویش باز می‌دارد و او را در مسیر رشد و رویش به حرکت در می‌آورد:

در فطرت انسان این است که هیچ وقت بس ندارد. فطرت این‌طوری است. شما اگر فرض بکنید که تمام علوم مادی و معنوی را بدانید و بشنوید، یک وقتی در یک جایی... یک علم دیگر هم هست، فطرت شما آن را هم می‌خواهد. غیرمتناهی است فطرت در همه امور (همان، ج 16، ص 497).

2. ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان

یکی از ویژگی‌های مهم سبک رابطه‌مداری مدیر از دیدگاه حضرت امام، ایجاد تحول روحی و معنوی در نیروها و کارکنان اداری است. ایشان از ویژگی مذکور در حد عالی برخوردار بود. به‌حق می‌توان ادعا کرد پس از پیام‌آوران الهی و امامان معصوم (ع)، هیچ شخصیت دیگری در طول تاریخ همانند امام راحل نتوانسته تغییر و تحول روحی و معنوی در افراد به‌وجود آورد. ایشان میلیون‌ها انسان ضعیف، ستم‌پذیر را

به انسان‌های شجاع، فداکار، مقاوم، قهرمان و خدایی تبدیل کرد و شیوة اسلام را راه زندگی آنان قرار داد. از این‌رو، همه مدیران باید با الگوپذیری از حضرت امام، ایجاد تحول روحی و معنوی را در کارکنان سازمان‌ها، سرلوحه کارهای خود قرار دهند. بدین‌ترتیب، عشق، علاقه و محبت خویش را به حضرت امام در ایجاد روحیه‌ی مزبور و حفظ و تداوم ارزش‌های الهی به منصف ظهور برسانند. چنان‌که ایشان در مورد تحول روحی ملت ایران می‌فرماید:

و يك جنبه مثبت [این] که تحولي در ايران پيدا شد که نمی‌توانید شما در تاريخ نظري این تحول را پيدا بکنید؛ تحولي که تمام قشرها را از وضعي که داشتند، از آن گرفتاري‌هایی که داشتند، چه گرفتاري‌های مادي و چه گرفتاري‌های معنوي، متحول کرد به يك انسان‌هایی که براي خدا، براي اسلام، براي استقلال و آزادي، همه با هم کوشش می‌کنند... (همان، ج 17، ص 118).

-تعهد: تعهد به معنای پایبندی به اصول و مقررات سازمان و جامعه است. فرد متعهد، فرد وظیفه‌شناسی است که پی‌گیری بی‌وقفه‌ای در نیل به هدف‌ها دارد. از رهیافت‌های تعهد سازمانی افراد، می‌توان تمایل قوی آنان به ماندن در سازمان، وجدان‌کاری، تلاش فوق‌العاده برای سازمان، نظم و انضباط اجتماعی، خودکنترلی و همواره خود را در محضر خدا و مأموران الهی دیدن برشمرد. منشأ این همه آثار را باید در اعتقاد افراد به غیب و ایمان به آخرت جست‌وجو کرد؛ از این‌رو، زمینه گسترده‌ای برای ایجاد تعهد سازمانی وجود دارد. البته همان‌گونه که حضرت امام نیز بدان تصریح دارد، تحول در سازمان و نظام بدون ایجاد تحول در افراد فایده‌ای نخواهد داشت:

کشور مترقي این است که افرادش مترقي باشند. فرد مترقي آن است که وظیفه‌شناس باشد، وظایف اداری‌اش، وظایف الهی‌اش. اگر انسان وظیفه‌شناس شد، يك انسان مترقي است. يك انسان عادل است. يك مملکتی اگر ان‌شاءالله موفق بشویم، موفق بشوید، به اینکه [در] این مملکت همه وظیفه‌شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود، جمهوری اسلامی این است که اداره مالیه‌اش هم اسلامی باشد. اداره عدلیه‌اش هم اسلامی باشد. تحول باید پيدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند، به مجرد اینکه تحول در نظام باشد و تحول در افراد نباشد. فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم يك کسی يك تحولي در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. همین افراد نظام را موعج می‌کنند، برخلاف می‌کنند (همان، ج 9، ص 17).

-فداکاری و شجاعت: تحول روحی و معنوی در افراد، بستر مناسبی برای ایجاد فداکاری، ایثار، جهاد و شجاعت است که در جهت پیشرفت، توسعه و تحقق هدف‌های سازمانی و اجتماعی نقش بسزایی دارند. اگر مدیران بتوانند با الگوگیری از حضرت امام، در کارکنان و پیروان خویش تحول روحی و معنوی را ایجاد نمایند، در حقیقت موفق شده‌اند آنان را از بحران‌های اخلاقی و اجتماعی نجات دهند و به ارزش‌ها و

فضایل اخلاقی همچون فداکاری و شجاعت آراسته نموده و سازمان خود را به پیشرفت‌های همه‌جانبه مادی و معنوی برسانند. حضرت امام در این باره می‌فرماید:

یکی از برکات این نهضت قضیه «تحول روحی» در جامعه ما هست... این تحولات روحی به این زودی برای یک شخص هم حاصل نمی‌شود تا برسد به گروه‌ها؛ تا برسد به سرتاسر یک کشور.

شما هم ملاحظه می‌کنید که چند جور تحول، تحول‌های روحی پیدا شد در این جمعیت‌ها؛ یکی که من کراراً گفتم و با هم تکرار می‌کنم، این تحولی [است] که از خوف و ترس به شجاعت متحول شدند (همان، ج 8، ص 424)

-شهادت‌طلبی: پیدایش تحول درونی و معنوی در افراد موجب می‌شود که انسان سخت‌ترین و سنگین‌ترین اعمال را با عشق و علاقه و آفری انجام دهد و حتی جان خود را به خطر اندازد؛ زیرا می‌داند شهادت و نیل به لقای الهی بالاترین مرتبه تعالی و تکامل انسان است. چنین روحیه‌ای می‌تواند پشتوانه نیرومندی برای برانگیختن افراد جهت انجام وظیفه الهی، سازمانی و اجتماعی باشد. هنر حضرت امام این بود که توانست در آحاد ملت چنین تحول عظیم و شگرفی را به وجود آورد:

من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد. با این روحیه که سربازهای ما دارند و پاسدارهای ما دارند و آنهایی که حفاظت این کشور را می‌کنند، این روحیه بسیار ارزشمندی است. شهادت‌طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور، خداوند این روحیه را به همه عنایت کند. مادامی که این روحیه هست... مطمئن باشید که این کشور بیمه است، هرگز نخواهد آسیب دید (همان، ج 16، ص 25).

3. خدمت‌گزاری

سومین ویژگی برای رهبر رابطه‌گرا، «خدمت‌گزاری» است. چنین رهبری به قدرت و مقام نمی‌اندیشد. این مسئولیت را «امانتی» از سوی مردم و پیروان خویش می‌داند که جهت رشد و تعالی جامعه و پاسداری از باورها و ارزش‌های دینی بر عهده وی گذاشته شده است. از این‌رو، منصب بالاتر، مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند. حضرت امام با الهام از تعالیم دینی با برقراری ارتباط مناسب با پیروان، خود را خدمت‌گزار این ملت می‌دانست «من خدمت‌گزار ملت ایران هستم» (همان، ج 6، ص 364).

-توجه به محرومان: امام خمینی(ره) تأکید فراوان در خدمت به محرومان، کوخ‌نشینان و شهیددادگان و به‌طور کلی، «مستضعفان» داشته است و آن را خدمتی بزرگ و عبادتی والا به‌شمار می‌آورد.

گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرنه‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تاسر حد قربانی نمودن، چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند - و ان شاء الله خواهند بود - و سر جان را در راه خدا می‌دهند؛ چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم!» (همان، ج 20، ص 342).

- ایجاد رفاه و امنیت برای همه اقشار: یکی از فعالیت‌هایی که رهبران خدمتگزار درصدد تحقق آن در جامعه هستند، برقراری «امنیت، آرامش» و «رفاه» است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی از این مهم به‌عنوان بزرگ‌ترین رحمت و تکلیف یاد می‌کند: «بزرگ‌ترین رحمت برای ما و تکلیف برای ما ایجاد آرامش است و ایجاد رفاه است» (همان، ج 14، ص 149).

- حمایت از پیروان: مردم ایران در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با خون خود، نهال نوس انقلاب اسلامی را آبیاری نموده و خدمات شایانی را ارائه کردند. همچنین دانشوران و اندیشمندان کشور، که به واسطه توانایی‌های علمی و تخصصی خود زمینه رشد و شکوفایی جامعه را فراهم آوردند، همواره مورد حمایت حضرت امام قرار می‌گرفتند و ایشان در این باره به دولت وقت می‌فرماید:

همه ما باید برای خدمت به توده‌هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده‌اند، کوشش کنیم و دولت باید آنها را مقدم بدارد و مغزهایی را که مشغول به کارند تشویق بکند. دولت باید این فرصت را، که در این کشور افرادی پیدا می‌شوند که خودشان می‌توانند کارها را انجام بدهند، غنیمت به‌شمارد و به‌تدریج، ان شاء الله، به آنجایی برسند که ما دیگر به خارج احتیاجی نداشته باشیم و مسلماً اینها تشویق می‌خواهند» (همان، ج 16، ص 493).

- احترام و تجلیل از پیروان: احترام به دیدگاه‌ها و آرای پیروان و تجلیل و قدردانی از تلاش کارآفرینی نیروی انسانی در مدیریت و رهبری، در سایه اظهار تواضع به پیروان و تحمل انتقادات و به جان پذیرفتن نصایح و رهنمودهای راهگشای آنان میسر می‌شود. اینها هر یک، نماد خدمت‌گزاری برای کارگزاران و مدیران به‌شمار می‌رود. بر تفاهم و همدلی بین رهبر و پیرو می‌افزاید. از جمله حقوقی که اسلام در چارچوب موازین شرعی و احکام مقدس اسلامی برای انسان قایل شده، «حق انتخاب» است. امام خمینی (ره) با الهام از این مبانی و احترام به آرای ملت شریف ایران، تعیین سرنوشت جامعه را بر عهده خودشان قرار داده است: «مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است» (همان، ج 18، ص 367).

- ایجاد تفاهم و همدلی: اندیشه رهبر خدمتگزار، جهت‌دهی حرکت کلی جامعه به‌سوی همدلی و تفاهم است. در این عرصه، زمینه انجام فعالیت‌های مهم و اساسی به سهولت فراهم گردیده و گام‌های بلند در مدت کوتاهی برداشته می‌شود. امروزه، پویایی و بالندگی مدیریت و رهبری در نظام‌های بشری در گرو تفاهم،

همدلی و هماهنگی با مردم میسر می‌شود. چنان‌که در جوامع غربی از این اهرم، در جهت دستیابی به سودآوری اقتصادی، استفاده بهینه می‌شود. همدلی و همکاری در جوامع اسلامی، بر اساس رهنمودهای الهی با رویکرد ارزشی به انسان و ارج نهادن به کرامت نفسانی او، صبغة خدایی به خود می‌گیرد. از این رو، امام خمینی (ره) همدلی و هماهنگی میان دولت و ملت را موجب حفظ و پایداری نظام جمهوری اسلامی می‌داند: «همه ملت از دولت‌اند و دولت هم از ملت است. دولت و هرچه متعلق به دولت است خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبان دولت، و تا این هماهنگی میان همه قشرها هست، آسیب نخواهد دید این جمهوری اسلامی» (همان، ج 16، ص 388).

4. مشارکت‌جو

مدیران و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، باید کارکنان و افرادی که در تأمین و تحقق هدف‌های سازمانی نقش دارند، در تعیین هدف‌ها، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌هایشان مشارکت دهند. در این رابطه، حضرت امام با تکیه بر آموزه‌های دینی، به ترویج و توسعه فرهنگ مشارکت همت گمارد و قیام‌های پراکنده مردم را به انقلابی خروشان مبدل ساخت و پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، این مشارکت را به سمت تحقق خودکفایی، استقلال همه‌جانبه و مبارزه و مقابله با قدرت‌های استکباری سوق داد. امروزه نیز همه مشارکت جدي و تمام‌عیار در آن دارند:

مردم را در همه امور شرکت بدهیم. دولت به‌تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی که الان به دوش این ملت هست بردارد. همان‌طوری که ملاحظه می‌کنید، چنانچه این شور و شغف ملت و جوان‌های عزیز نبود، هیچ دولتی نمی‌توانست مقابله کند با این قدرت‌هایی که همه قدرتشان را، قوه‌شان را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند. بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم (همان، ج 20، ص 55).

ویژگی «مشارکت‌جو» دارای شاخص‌های «باور کردن پیروان»، «مشورت‌پذیری»، «تعمیم مسؤلیت‌پذیری»، «حفظ پیروان در صحنه»، «توصیه به همکاری و تعاون در بین پیروان»، «قدرت‌بخشی» و «تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا» به شرح زیر است:

- باور کردن پیروان: از دیدگاه حضرت امام، هر حرکت سازنده و موفق بدون باور کردن توان و قدرت پیروان و بدن ایجاد اعتماد به نفس در آنان ممکن نیست. ایشان با تکیه بر ظرفیت و توان پیروان خویش، توانست نظام مقدس جمهوری اسلامی را در ایران بنیان نهد و از مشارکت فراگیر و همه‌جانبه مردم در حل بحران‌های گوناگون و دفع تهدیدهای محیطی و استکباری استفاده کند. چنان‌که می‌فرماید:

ما از اول هم امیدمان به ملت و جوان‌های برومند ملت بود. ما همیشه توجه‌مان به خود ملت، به نیروی انسانی – الهی ملت بوده است و با استعداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیل‌کرده جوان، بازاری‌ها از

همین طبقات به قول آنها «طبقات پایین»، و به قول طبقات بالا، استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند و اینها هستند که می‌توانند به پیش ببرند (همان، ج 10، ص 398).

- مشورت‌پذیری: مشارکت با شور و رایزنی تحقق می‌یابد. اصل شورا در واقع از عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین اصل عقلانی است که در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مورد تأیید و تأکید دین مقدس اسلام نیز قرار گرفته است. مدیران باید همواره در جهت رفع مشکلات، مصون ماندن از لغزش‌ها و خطرات و بیرون رفتن از بن‌بست‌ها، از اندیشمندان، صاحب‌نظران و افراد مجرب، نظرخواهی و مشورت نمایند. از این‌رو، حضرت امام به وکلای مردم در مجلس می‌فرماید:

مجلسیان در تصویب لوایحی که از ارگان‌ها به آنها می‌رسد با تحقیق و تدقیق و مراعات موازین اسلامی تسریع نمایند و مواردی که احتیاج به تشخیص متخصصین دارد از آنان دعوت و مشورت و نظرخواهی نمایند (همان، ج 15، ص 387).

-تعمیم مسئولیت‌پذیری: یکی از راهکارهای مشارکت‌جویی در سیره مدیریتی امام، که مُلهم از سیره نبوی و علوی است، تعمیم و مسئولیت‌پذیری در میان پیروان است. ایشان با توجه به معرفت و رویکرد عاشقانه پیروان خویش به مکتب ناب محمدی، آنان را مسئول حفظ و بقای اسلام می‌دانست و از پیروان خویش می‌خواست با آینده‌نگری و از خودگذشتگی به کشور اسلامی خدمت کنند:

باید ما خودمان این کشور خودمان را نگه داریم. همه ملت، همه افراد مسئول هستند، خصوصاً دانشگاه مسئولیت دارد در این امور، باید دانشگاه خودش را مجهز کند برای اینکه جوان‌ها را بسازد. آتیه این کشور را باید از حالا شما پیریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آینده کشور باشیم، برای اینکه اسلام است. آینده اسلام باید محفوظ بماند. آینده کشور باید محفوظ بماند. نسل‌های آینده باید این معنا را بفهمند که از اینجا شروع شده است. برای حفظ این کیان اسلام و کیان کشور (همان، ج 15، ص 434).

-حفظ پیروان در صحنه: موفقیت، کارآیی و اثربخشی مدیران وابسته به حضور گسترده پیروان در صحنه است. از آنجاکه حضرت امام اعتقاد راسخ به نقش کلیدی مردم در پیروزی انقلاب و حفظ آن داشت، خطاب به دولت‌مردان بر لزوم و اهمیت حفظ مردم در صحنه تأکید می‌نمود: «... همه اطلاع دارید که آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم» (همان، ج 19، ص 407)

-توصیه به همکاری و تعاون در بین پیروان: حضرت امام در دیدار عده‌ای از کارکنان، ضمن تقدیر از روحیه همکاری و تعاون ملت می‌فرماید:

من باید تشکر کنم از این ملت که همچو حس امانت درشان پیدا شده است، حس تعاون پیدا شده است، که خودشان باید انتظار از اینکه قوه‌های دیگری به آنها کمک کند، خودشان قیام کردند، و در همه مسائل با قدرت پیش رفتند (همان، ج12، ص84).

-قدرت‌بخشی: مدیران و رهبران با ایجاد خودباوری و القای توانمندی انجام امور در پیروان، موجب می‌شوند تا آنان به قدرتی فزاینده دست یافته و در انجام فعالیت‌ها به‌صورت کارا و اثربخش مشارکت نمایند. چنان‌که حضرت امام این‌گونه عمل می‌کرد:

امروز احساس این است که می‌توانیم، این احساس، توانایی می‌آورد. این احساس افکار را متوجه و متمرکز می‌کند که هر کسی در هر جایی هست کار بکند. در هر جایی هست خدمت بکند تا با این احساس مادامی که هست، شما به پیش می‌روید. من امیدوارم که این احساس همیشه باشد و همیشه کشور شما به پیش برود، و یک روزی باشد که هر چیزی که هر جا درست می‌کردند، خود شما هم درست بکنید (همان، ج18، ص161).

-تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا: یکی از امور لازم در کشور برای مدیران و رهبران، ایجاد گروه‌های کاری توانمند است تا بتوانند پدیده هم‌افزایی و بهبود عملکرد را محقق گردانند. اصولاً گروه‌های کاری توانا، راهکاری مؤثر هستند که افراد را گردهم می‌آورند تا با همفکری و تبادل اطلاعات، مسایل و مشکلات را حل نمایند. از این‌رو، حضرت امام خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌فرماید:

چنین مجلسی در کمیسیون‌های مختلفش، کارشناسان و متخصصان متعدد و زبردست لازم دارد. هرچند برای مشورت در هر رشته خصوصاً در سیاست خارجی و نیز سیاست اقتصادی که امروز از اهم امور است، از اشخاص کاردان دعوت کنند و چون مقصد همه ان‌شاءالله پیشرفت احکام اسلام و خدمت به بندگان خدای متعال است، باید از اینکه از خارج مجلس استمداد می‌کنند خوشوقت باشند (همان، ج18، ص463)

5. وحدت‌بخشی

حضرت امام در دوران معاصر یکی از منادیان بزرگ وحدت اسلامی به‌شمار می‌آمد که در طول انقلاب به وحدت می‌اندیشید و در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، به‌ویژه در مدیریت و رهبری نظام به آن تأکید بسزایی می‌کرد. یکی از ویژگی‌های رابطه‌گرایی مدیران با توجه به سیره مدیریتی امام «وحدت‌بخشی» است. این مفهوم دارای سه شاخص «وحدت در هدف»، «وحدت در نیروها» و «وحدت در روش» به شرح زیر است:

- **وحدت در هدف:** اساسی‌ترین هدف مقدس و ارزشی امام خمینی(ره) در دوران انقلاب اسلامی، معرفی تعالیم و رهنمودهای حیات‌بخش اسلام، احیاء، اجرا و پیشرفت جهانی آن بود. از آنجایی‌که این مهم بدون برپایی حکومت اسلامی میسر نمی‌شود، ایشان پیش از پیروزی انقلاب، پیروان خود را جهت برپایی چنین حکومتی به وحدت فرامی‌خواند. از این رو، امام در ضمن تحلیل عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، به عامل وحدت در هدف و اتکای به قرآن مجید به‌عنوان رمز پیروزی یاد می‌کند: «باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکا به قرآن مجید است حفظ کنیم و همه با هم پیش برویم و حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم» (همان، ج 6، ص 406).

- **وحدت در نیروها:** وحدت پیروان در جامعه اسلامی، مسیر دستیابی به هدف‌های یادشده را هموار کرده، نیروهای اسلامی را از تفرقه، جناح‌بازی و گروه‌اندیشی حفظ می‌کند. از این رو، امام با همسو کردن هدف‌ها، هم به وحدت داخلی (درون‌مرزی) و هم به وحدت خارجی (برون‌مرزی) بین مسلمانان می‌اندیشید. آنان را به وحدت فرامی‌خواند. ایشان دعوت خویش را گاهی به آیات قرآن و کلام نورانی اهل‌بیت(ع) نیز نسبت می‌داد:

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: «و اعتصموا بحبل الله اجتماع» لکن اجتماعی با تثبیت به حبل‌الله هر اجتماعی مطلوب نیست. «و اعتصموا بحبل‌الله» مطلوب است. همان است که «اقرا باسم ربك» «اسم رب» همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند (همان، ج 8، ص 334).

- **وحدت در روش:** ثبات نظام اسلامی و دستیابی به هدف‌های بلند اسلامی، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و ... علاوه بر وحدت در هدف و وحدت در نیروها، به «وحدت در روش» نیز نیازمند است؛ یعنی مدیران و کارگزاران جامعه اسلامی باید با روش برگرفته از مبانی و اصول اسلامی، مجموعه‌های اداری خود را مدیریت کنند. امام در این باره می‌فرماید:

قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است. همگی باید سعی کنیم هر حرکتی، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، که انجام می‌دهیم به آن کلیت صدمه نزنند. ترسیم کلیت متخذ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را برعهده دارد (همان، ج 21، ص 64، 1367/3/22).

6. اعتماد به نفس بخشیدن

آدمی با شناخت استعدادها و سرمایه‌های وجودی خویش، شخصیت حقیقی خود را باور و احساس می‌کند و در عرصه‌های گوناگون زندگی، با خوداتکایی و اعتماد به نفس، بدون وابستگی به سایر قدرت‌ها فعالیت

می‌کند. از این رو، امام همواره به پیروان خویش بر خودشناسی، خودباوری و احساس شخصیت، به‌عنوان یکی از عوامل مهم رویکرد به استقلال، تأکید می‌کرد: «تا ما خودمان را پیدا نکنیم... نمی‌توانیم مستقل بشویم» (همان، ج 11، ص 227).

اعتماد به نفس، یکی از ویژگی‌های رابطه‌گرایانه مدیران است که دارای پنج شاخص «استقلال فکری»، «پرهیز از غربزدگی»، «عزت‌طلبی»، «استقامت و تحمل مشکلات» و «نهراسیدن از دشمن» به شرح زیر است:

- **استقلال فکری**: آزاداندیشی و استقلال فکری پیروان بدون تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، مبنای بنیادینی برای خوداتکایی و استقلال نظام اسلامی است: «تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید» (همان، ج 10، ص 392).

- **پرهیز از غربزدگی**: منطق خوداتکایی با الهام از رهنمودهای الهی، در حوزه سیاست خارجی و برقراری روابط با سایر کشورها «سلطه‌ناپذیری از بیگانه» است: «ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد» (همان، ج 4، ص 91).

- **عزت‌طلبی**: مفهوم «عزت» و «سرافرازی» در سیره نظری امام، در برابر ذلت و زبونی، نمادی از خوداتکایی است. ایشان با الهام از رهنمودهای وحیانی و ارزش‌های اسلامی، معتقد است که عزت و سرافرازی مدیران و پیروان در انجام تکالیف الهی و پیروی از یگانه آفریدگار جهان و خدمت‌گزاری به انسان‌هاست، نه در اطاعت از قدرتهای شیطانی و تن دادن به اوامر و نواهی آنان؛ چنان‌که می‌فرماید:

اکنون وظیفه همه مسلمین، خصوصاً جناح روحانی و سیاسی و بزرگان قوم، خطیر است. ملت ما بر سر دوراهی است: پیروزی و توفیق دست یافتن به بیرون کردن شاه، و یا تا آخر در زیر چکمه دژخیمان خرد شدن؛ با عزت و سرافرازی در مقابل خالق و خلق، و یا خدای ناخواسته ذلت و زبونی همیشگی. و هرگز ملت مسلمان ایران تن به ذلت نخواهد داد» (همان، ج 3، ص 454).

- **استقامت و تحمل مشکلات**: امام خمینی(ره) با توجه به آیات الهی (هود: 12؛ شوری: 15)، استقامت و پایداری پیروان را برای دستیابی به استقرار اسلام، اجرای عدالت و کوتاه کردن دست ستمکاران، تکلیف الهی به‌شمار آورده، بر این باور است از آنجایی‌که انقلاب اسلامی، به خلاف سایر انقلاب‌های وابسته به شرق و غرب، متکی به مردم است، مردم علاوه بر اینکه نباید از پیامدهای انقلاب گلایه‌مند باشند، بلکه باید خود را پذیرای مشکلات، توطئه‌ها و کاستی‌های آن نمایند. در این راستا، با اشاره به زندگی پرفرازونشیب صدر اسلام و محاصره اقتصادی مسلمانان در آن زمان، بر الگو قرار دادن پیام‌آور گرامی اسلام در پایداری و تحمل مشکلات تأکید می‌کند:

مهم... انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده‌اند و مردم باید آن را به آخر برسانند... پس مردم باید از پیامدهای انقلابشان گله نداشته باشند. امروز کشور ایران روی پای خودش ایستاده است... ما هم تا آخر، زحمت‌ها و رنج‌های توطئه ابرقدرت‌ها را باید تحمل کنیم. ما موظف هستیم تا امر الهی را انجام دهیم. پس، از سختی‌ها نباید هراس داشته باشیم (همان، ج19، ص54).

- نهراسیدن از دشمن: هراس از دشمن برای هر کس و یا ملتی، يك ضعف بزرگ به‌شمار می‌رود، به‌ویژه اگر آن فرد دارای جایگاه و مسئولیت تأثیرگذاری در جامعه باشد. این هراس، می‌تواند شخص مدیر یا رهبر را در انجام امور مدیریتی خود ناتوان و ناموفق سازد. از آنجاکه به‌طور طبیعی، نزدیکی به مرکز قدرت، نقش مؤثری در هراس‌زدایی دارد. اما پیروان خود را به اتصال به قدرت حقیقی، که همان قدرت الهی است، دعوت می‌نماید تا با چنین پشتوانه‌ای هرگونه هراس از دشمن را از دل‌ها بزدايد و در این ارتباط می‌فرماید: «این همه دعوت شده است که به کس دیگری غیر از خدا متشبث نشوید، برای اینکه به شما تزیق کنند قوت را، که شما يك پشتوانه عظیم دارید و او خداست. کسی که خدا را دارد، از چه باید بترسد» (همان، ج18، ص426).

7. سخنگوی پیروان

از آنجاکه، رهبر رابطه‌گر خود را خدمتگزار پیروان می‌داند، درصدد است تا به آگاهی از خواسته‌ها و گرایش‌های نیروی انسانی، زبان‌گویی آنان در بین مدیران و کارگزاران نظام بوده، همه امکانات و مقدرات را برای تأمین هدف‌های نیروی انسانی بسیج کند. حضرت امام درباره این مطلب و در پاسخ به پرسش خبرنگار رادیو - تلویزیون فرانسه، [چگونه است که به دنبال فراخوان شما، مردم ایران چنان انبوه به کوچه‌ها می‌ریزند؟]، چنین اظهار می‌دارد: «چون ملت، ما را خدمتگزار به اسلام و کشور می‌داند و ما مسائلی را طرح می‌کنیم که سال‌هاست در نهاد ملت است. بدین جهت است که ما بیان‌کننده خواسته‌های ملت هستیم» (همان، ج3، ص468). (از آنجایی که خواسته‌های مردم در چارچوب موازین اسلامی، از گستردگی زیادی برخوردار است، به برخی از آنها از زبان امام اشاره می‌شود:

- اسلام‌گرایی: اولین شاخص برای ویژگی سخنگوی پیروان، «اسلام‌گرایی» است. در دوران ستم‌شاهی، مردم ایران از ظلم‌هایی که به آنها روا می‌شد، به ستوه آمده بودند و زمینه تزلزل پایه‌های دینی و اسلامی نیز در خانواده‌های ایرانی رو به رشد بود. تا اینکه به رهبری حضرت امام، انقلاب به پیروزی رسید و یکی از هدف‌ها و خواسته‌های مردم یعنی «اسلام» تحقق یافت:

ملت اسلام را می‌خواهد، ملت کشور خودش را هم که می‌خواهد برای اسلام است. از بچه‌های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می‌زدند. این نهضت برای همین صبغة اسلامی‌اش و برای همین که مقصد

اسلام بود و قیام برضد طاغوت، قیام برضد کسانی که اسلام را می‌خواستند به فراموشی بسپارند، یک قیامی بود که خدای تبارک و تعالی مدد فرمود (همان، ج8، ص76).

- تأمین استقلال: وابستگی رژیم پهلوی در نیازهای فرهنگی، اقتصادی و صنعتی مردم به بیگانگان شرق و غرب تا حدی بود که استقلال کشور از آنان دور از ذهن بود، اما هدایت و رهبری روحانیت و در رأس آن رهبر کبیر انقلاب اسلامی، این باور را در مردم زنده کرد که «ما می‌توانیم» و این امر سبب شد تا به یاری حق تعالی و فداکاری مردم ایران دست بیگانگان از مملکت کوتاه شود و با بهره‌گیری از توانایی‌های علمی - تخصصی، مبنکران و متخصصان ایرانی «استقلال» را، که از آرزوهای دیرین مردم این مرز و بوم به‌شمار می‌آمد، برای جامعه اسلامی ایران به ارمغان آورد. از این رو، حضرت امام به استقلال و خودکفایی به‌عنوان یکی از خواسته‌های مردم اشاره می‌کند: «ما می‌خواهیم مملکتمان از خودمان باشد مستقل باشد و تحت رهبری دیگران نباشد. ما می‌خواهیم مخازن مملکت ما از خودش باشد. ما می‌خواهیم در این مملکت خودمان کار بکنیم و خودمان نتیجه کار را ببریم» (همان، ج13، ص58).

- تأمین آزادی: سرنوشت کشور و ملت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به دست شاه و ایادی خارجی او بود؛ به این معنا که هرگونه تغییر یا اصلاح در امور جامعه، بدون خواست آنان ممکن نبود. از این رو، بی‌بندوباری و فساد در جامعه، به اسم آزادی رشد فزاینده‌ای یافته، به‌گونه‌ای که به کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و معنوی و از بین رفتن باورهای مردم و انحراف آنان از مسیر رشد و رویش منجر گردید. حضرت امام در انتقاد و اعتراض به این وضعیت و اعطای آزادی چنین می‌فرماید:

این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به توجه که اعطا بکنی؟ تو چه‌کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم»! آزادی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی - حقیقاً - نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند (همان، ج3، ص406).

- استقرار حکومت اسلامی: ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ از رژیم منحن شاهنشاهی رنج برده و در پنجاه و چند سال سلطنت غیرقانونی سلسله پهلوی همه منبع و ثروت کشور از بین رفته است، به خواست خداوند متعال به پاخاسته و در سراسر کشور با اراده‌ای مصمم، خواستار نابودی رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی شدند. خواست آنان، آزادی، استقلال و برقراری حکومت عدل است که سرلوحه حقوق بشر، مورد تأیید جوامع انسانی و بالاتر از آن، مورد رضای خدای بزرگ است (همان، ج5، ص73). از جمله وظایف اساسی جمهوری اسلامی، تأمین استقلال، آزادی ملت، مبارزه با فساد و فحشا و

تنظیم و تدوین قوانینی است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی اصلاحات لازم را به عمل آورد (همان، ج 5، ص 155). از این رو، معمار انقلاب اسلامی ایران همراه و هماهنگ با پیروان خود، به جز استقرار حکومت اسلامی به هدف دیگری نمی‌اندیشید:

من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می‌روم ایران و اول قدمی که برمی‌دارم تأسیس می‌کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلامی، مبتنی بر رأی مردم، پیشنهاد می‌کنیم به مردم و رأی از آنها می‌گیریم و یک حکومت اسلامی تأسیس می‌کنیم (همان، ج 5، ص 548).

- **اجرای عدالت:** عدم اجرای عدالت در جامعه، از جمله مواردی بود که ملت ایران در زمان طاغوت از آن رنج می‌بردند. تبعیض و بی‌عدالتی گسترده شده بود. به دست توانای حضرت امام و پشتیبانی خیل عظیم مردم ایران این رژیم برچیده شد. در این برهه، مردم خواستار رفع نابرابری‌ها و اجرای عدالت بودند: «آنکه دست ظلم را از شما کوتاه کرده است و عدالت را می‌خواهد اجرا کند همین ملت است. همین جوان‌هایی هستند که الان در راه اسلام فداکاری می‌کنند» (همان، ج 20، ص 251).

- **حق نظارت و ارزیابی برای پیروان:** از آنجایی که در حکومت اسلامی سرنوشت مردم در دست خودشان است (همان، ج 18، ص 367)، نظارت و ارزیابی امور جاری در جامعه «حق» قانونی آنان است. امام خمینی (ره) در پاسخ به پرسش خبرگزاری رویتر انگلیسی، این حق را برای ملت شریف ایران قایل شده است: «این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» (همان، ج 4، ص 160).

8. امیدبخشی

یکی از ویژگی‌های رابطه‌گرایی مدیران در ایجاد انگیزش، حفظ قدرت روحی، کارآیی و اثربخشی نیروی انسانی در اداره امور، «امیدبخشی» است. چنان‌که امام خمینی (ره)، این‌گونه پیروان خود را نسبت به آینده امیدوار می‌کرد: «برادران عزیز، مأیوس نباشید: «لا تأسوا من روح الله» از آن چیزهایی که خدا عنایت به شما می‌کند و از آن عنایات الهی مأیوس نباشید...» (همان، ج 17، ص 60).

-نوید پیروزی و عظمت: با ژرف‌نگری در سیرة نظری و عملی امام معلوم می‌شود که مدیران و رهبران اسلامی، با الهام از رهنمودهای الهی بر این باورند که در حیات فردی و اجتماعی بشر چیزی به نام «شکست» وجود ندارد. آنچه به دست می‌آید، فقط نتیجه است و بس. اگرچه نتیجه به دست آمده، مطلوب آنان نباشد، ولی نتیجه‌ای به بار آمده است. زیرا آنان به تکلیف قایل‌اند نه نتیجه. روشن است تکالیف، نتایجی را در پی خواهد داشت. نتایج مثبت از صحت تکالیف انجام‌یافته حکایت دارند. نتایج منفی نیز ما را

به آزمودن شیوه‌های معقول و درست فرامی‌خوانند، نه به افسوس و دریغ خوردن بر گذشته و نتایج از دست‌رفته. آدمی تا زنده است شکست نخورده است و این باور افراد موفق است. افراد همواره موفق می‌شوند نوعی نتیجه به دست آورند، خواه مثبت و یا منفی؛ آنان نتیجه را تجربه به‌شمار می‌آورند که بر میزان شناخت آنها افزوده است (رضاییان، 1387 الف، ص 350-351)، چنان‌که امام خمینی (ره) می‌فرمود: «کسی که رابطه با خدا دارد شکست ندارد» (خمینی، 1386، ج 1، ص 119).

- **نوید رفاه:** امام خمینی (ره) به پیروان خود اطمینان می‌دهد که در سایه پیروی از اسلام به تندرستی، آرامش و سعادت در زندگی دست می‌یابند: «من به شما اطمینان می‌دهم که شما در جوار اسلام با طمأنینه، با سلامت، با سعادت زندگی خواهید کرد» (همان، ج 6، ص 527). ایشان ضمن بشارت به پیروزی و عظمت، به رفاه و معنویت (ناشی از روح پاک و مهذب) پیروان، در پرتو وحدت نیروها و وحدت در هدف (اسلام و نظام اسلامی) نوید می‌دهد:

من امیدم به شما جوان‌های برومند عزیز و سایر طبقات ملت است. من نوید پیروزی به شما می‌دهم: من نوید استقلال، من نوید عظمت، من نوید رفاه، من نوید معنویت، من یک روح پاک، یک روح آزادمنش، یک روح مهذب به شما می‌دهم به شرط آنکه همه با هم به سوی جمهوری اسلامی و به سوی اسلام. از خداوند تعالی عظمت، سلامت، عزت همه ملت اسلامی را می‌خواهم (همان، ج 6، ص 354).

نتیجه‌گیری

سبک رابطه‌گرایی با فراوانی 1586 فیش استخراج‌شده، دارای هشت ویژگی می‌باشد که ویژگی «خدمت‌گزاری» با فراوانی 468 و ویژگی «بصیرت‌بخشی» با فراوانی 409 بالاترین مرتبه قرار گرفته‌اند. ولی ویژگی‌های دیگر با 6 پراکندگی عبارتند از: «وحدت‌بخشی» با فراوانی 189 و «اعتماد به نفس» با فراوانی 144 و «ایجاد تحول روحی معنوی در پیروان» با فراوانی 133 و «مشارکت‌جو» با فراوانی 119 و «سخن‌گویی پیروان» با فراوانی 94 و «امیدبخشی» با فراوانی 30 به ترتیب در الویت سوم تا هفتم قرار گرفته‌اند. چنانکه در جدول زیر نمایان است:

جدول ۱. توزیع فراوانی، درصد و درصد تراکمی ویژگی‌های رهبری رابطه‌گرا

رفی	ویژگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱	خدمت‌گزاری	۴۶۸	۲۹/۵	۲۹/۵
۲	بصیرت‌بخشی	۴۰۹	۲۵/۸	۵۵/۳
۳	وحدت‌بخشی	۱۸۹	۱۱/۹	۶۷/۲
۴	اعتماد به نفس	۱۴۴	۹/۱	۷۶/۳
۵	ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان	۱۳۳	۸/۴	۸۴/۷
۶	مشارکت‌جو	۱۱۹	۷/۵	۹۲/۲
۷	سخنگوی پیروان	۹۴	۵/۹	۹۸/۱
۸	امیدبخشی	۳۰	۱/۹	۱۰۰
	جمع	۱۵۸۶	۱۰۰	‡

۱. ویژگی خدمت‌گزاری: دارای پنج شاخص احترام و تجلیل از پیروان، ایجاد تفاهم و همدلی، توجه به محرومان، حمایت از پیروان و ایجاد رفاه امنیت برای همه اقشار، به ترتیب با فراوانی 224 و 109 و 70 و 42 و 23 است.

- شاخص احترام و تجلیل از پیروان: دارای پنج شاخص فرعی تجلیل از پیروان، و قدردانی از پیروان، احترام به آرای پیروان، تواضع و نصیحت‌پذیری و تحمل انتقادها به ترتیب با فراوانی 102 و 64 و 22 و 21 و 8 است.

- شاخص ایجاد تفاهم و همدلی: دارای سه شاخص فرعی ارتباط روحی و عاطفی با پیروان و جلب رضایت پیروان و ارتباط چهره به چهره، به ترتیب با فراوانی 67 و 27 و 12 است.

۲. ویژگی بصیرت‌بخشی: دارای شش شاخص توجه دادن به ارزش‌ها و باورهای دینی، تبدیل تهدید به فرصت، اطلاع‌رسانی، رعایت اولویت، اکتفا نکردن به وضع موجود، ارتقای سطح دانش عمومی، پیروان به ترتیب با فراوانی 214 و 107 و 41 و 24 و 18 و 5 است.

- شاخص توجه دادن به ارزش و باورهای دینی: دارای هفت شاخص فرعی تقوا و اخلاص در عمل، اتکال به خدا، ظلم‌ستیزی، ساده‌زیستی، پاسدار ارزش‌های ملی و مردمی، صداقت و امانت، تمسک به قرآن، به ترتیب با فراوانی 64 و 63 و 31 و 26 و 20 و 7 و 2 است.

- شاخص تبدیل تهدید به فرصت: دارای دو شاخص فرعی دشمن‌شناسی و هشدار نسبت به توطئه‌ها، و عبرت‌پذیری از تجارب و تاریخ، به ترتیب با فراوانی 98 و 9 است.

3. ویژگی وحدت‌بخشی: دارای سه شاخص وحدت در نیروها، وحدت در هدف، و وحدت در روش، به ترتیب با فراوانی 153 و 33 و 3 است.
4. ویژگی اعتماد به نفس: دارای پنج شاخص استقامت و تحمل مشکلات، نهراسیدن از دشمن، استقلال فکری، پرهیز از غربزدگی و عزت‌طلبی، با فراوانی 51 و 34 و 25 و 20 و 14 است.
5. ویژگی ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان: دارای سه شاخص شهادت‌طلبی، فداکاری و شجاعت، و تعهد به ترتیب با فراوانی 54 و 50 و 29 است.
6. ویژگی مشارکت‌جو: دارای هفت شاخص حفظ پیروان در صحنه، توجه به همکاری و تعاون در بین پیروان، تعمیم مسئولیت‌پذیری، تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا، مشورت‌پذیری، و قدرت‌بخشی، به ترتیب با فراوانی 36 و 35 و 14 و 13 و 8 و 7 و 6 است.
7. ویژگی سخنگوی پیروان: دارای شش شاخص تأمین استقلال، تأمین آزادی، اسقرار حکومت اسلامی، اسلام‌گرایی، اجرای عدالت، و حق نظارت و ارزیابی برای پیروان، به ترتیب با فراوانی 25 و 22 و 20 و 11 و 10 و 6 است.
8. ویژگی امیدبخشی: دارای دو شاخص نوید پیروزی و عظمت و نوید رفاه، به ترتیب با فراوانی 28 و 2 است.
*است.

منابع

- أزگلی، محمد (1374)، معرفي نظريه رهبري بصير از دیدگاه چند تن از صاحب نظران رهبري نوین، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتي، دانشگاه امام حسین.
- توفیق آگاه، فیروزان (1360)، مجموعه مقالات، تهران، بعثت.
- خاکی، غلامرضا (1388)، روش تحقیق در مدیریت، چ چهارم، تهران، بازتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1416ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- رضاییان، علی (1387الف)، مبانی رفتار سازمانی، چ نهم، تهران، سمت.
- (1387ب)، اصول مدیریت، چ بیستم، تهران، سمت.

— (1388)، مبانی سازمان و مدیریت، چ سیزدهم، تهران، سمت.

مطهری، مرتضی (1374)، مجموعه آثار، چ چهارم، تهران، صدرا ج2،

موسوی خمینی، سید روح الله (1386)، صحیفه امام، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

تعیین و تعمیم دادن فاکتور های شایستگی رهبری در جامعه

جامعه باید رنگ رهبری و اخلاق و شرافت انسانی در حکمرانی اسلامی بخود بگیرد (تعلیم 10 از مولف)

این فاکتور ها و عوامل کلیدی در تحقیقات و مطالعات این مولف به مدل (UKRM-useful knowledge rules management) تعریف گردید که یکی از سه پلتفرم جهانی در آینده خواهد بود (انشالله تعالی) و در این تدبیر و خلاقیت، مدیریت بر مبنای دانش مفید به مدیریت بر مبنای "مدیریت بر دانش مفید" طراحی شد (تعلیم 20)، شایستگی امری قابل تعمیم است، اگر تعمیم نیابد و همه گیر و فرهنگ نشود، اشکال در حکمرانی است و یا از دست دادن اعتبار حکمران و مخدوش شدن سرمایه و فرهنگ اجتماعی است، در این آسیب شناسی های لازم، بررسی چالش ها و بحران ها به اندازه کافی انجام شده و جامعه علمی کشور منتظر خلق آن رویکرد ها و عوامل کلیدی موفقیت هائی هستند که در رفع این آسیب ها و بحران ها کمک کند، چنانچه طلیعه این طرح و برنامه عملیاتی نظام در این امر انقلابی هستند، مطمئن باشید که روحیه ایرانی و آفاق عرفنی و معرفتی ایرانیان، مهمترین یاری کنندگان در پرتوی یکتا پرستی و فطری جماعت ایرانی است (به کتاب پنجم ای مولف مراجعه شود)

4. Determine the key leadership competencies

Identifying key **leadership** competencies needed for the organization's current and future success is essential to carrying out a successful leadership development plan. These competencies become the foundation of the developmental plan. Developing them means ensuring the next generation of leaders are ready for current challenges and unknown crises yet to be encountered.

HR

2025

Competency Assessment

Do you have the competencies needed to remain relevant? Take the 5 minute assessment to find out!

51 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی، رهبری و مدیریت، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com, www.elmemofid.com, mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

According to [Gartner survey findings](#), “currently, only 21% of HR leaders say peers share accountability or partner with HR to determine future skill needs.” To be ready for another year like 2020, there needs to greater partnership and shared accountability with HR Leaders.

SHRM categorizes leadership competencies into [three groups](#):

Competencies for leading the organization

Competencies for leading others

Competencies for leading the self

These are 15 key [leadership competencies](#) every HR professional should know:

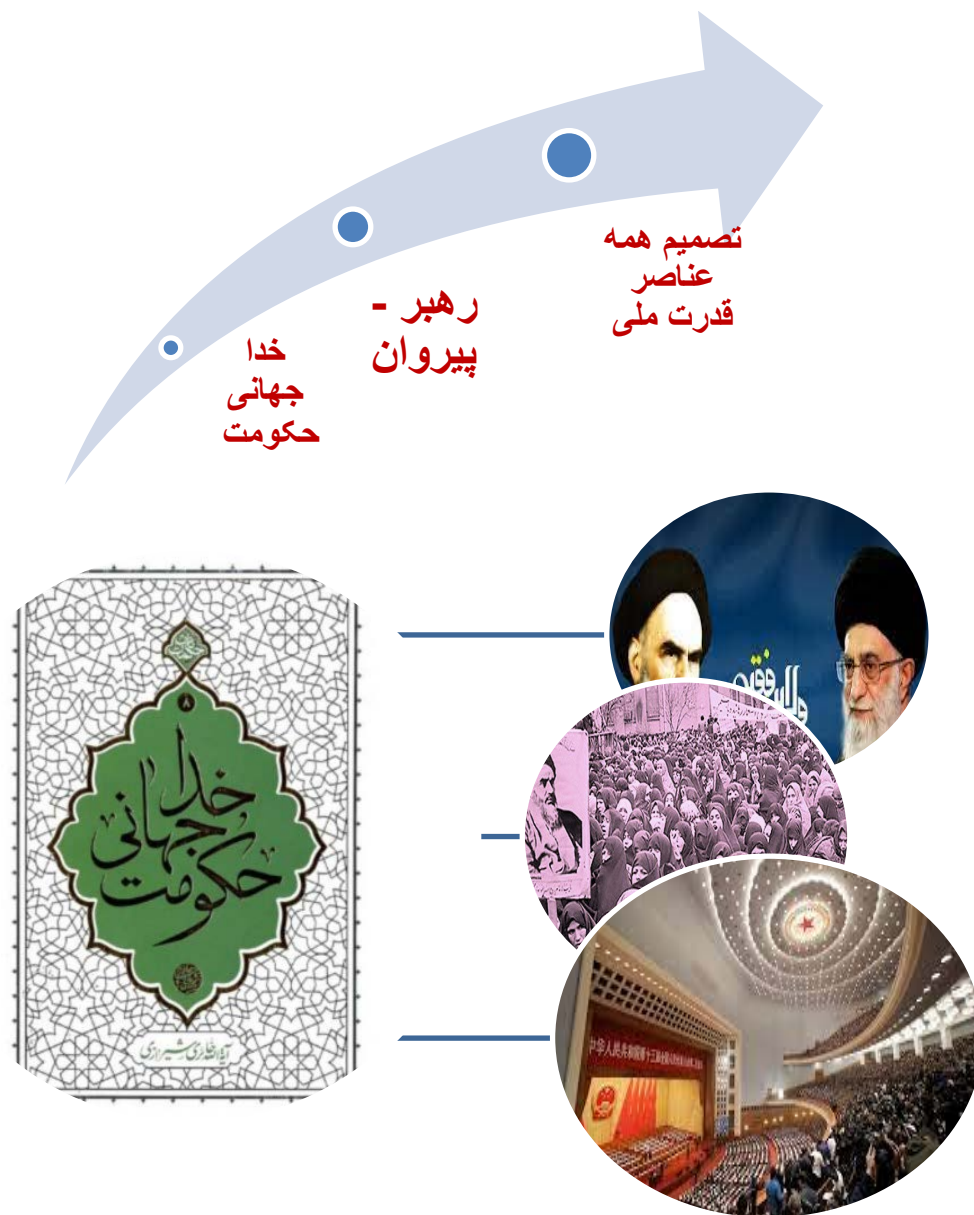
حکمرانی در راس امور است

آیامجلس در راس امور است ، نتیجه چنین نبوده است مگر در بعد از این ، مجلس در حکمرانی که در راس امور است ، موثر باشد ، این موضوع در ساختار حکمرانی ولایت فقیه در تعالیم 9، 22، 30 و 38 به تفصیل بحث شده است و هنوز هم از ابهامات و مسائل بغرنج است که در تعلیم 53 پیرامون مسائل بغرنج گفتگو شده است و با توجه به امپراطوری های موفق هخامنشی و صفویه که از تفکیک قوا خبری نبود ، و امور کشوری با عدل گستری و صلابت حیرت آوری در وسعتی چندین برابر ایران امروز اداره میشود ، بحث جدیدی را در این مورد میگذشاید ، از نظر امام امت (ره) بالاتر و مهم از حکمرانی ، امری دیگری نیست ، و مولف با سه ترابایت مطالعه از اسناد ملی و فراملی به صحت این نظریه رای مثبت میدهد ، نوع حکمرانی اسلامی و بخصوص اسلام ناب محمدی (ص) ، یک شبیه سازی از حکومت خدا است که در چنین رهیافتی ، مجلسی به سبک امروز است و با تکیه به تفکیک و رویه غیر توحیدی ، نمی تواند در راس امور قراگیرد ، موضوعات بودجه بندی و تخصص منابع ، تنظیم گری نظام ، امور حکمرانی بموجب وضع قوانین ، درک الزامات منافع عمومی و رفع تعارضات منافع و اقتدار و غیره ، چیزهایی نیست که در با این سبک شورائی حل و فصل شود و از نظر این مولف موضوع به کنگره ای از خبرگان اقوام ، دانشگاه ، حوزه و برجستگان مورد وثوق ملت نیاز است که در برنامه ادواری و زمامند ، نظیر کشور چین در کنگره جمع شده و با رهبر کشور به توافق رسیده و بطور آزاد و هیچ گونه ترس و اهمه ، به تنظیم امور کشور بپردازند و برگی از برگهای مصوب کنگره در بایگانی های قوای منفک بدست غفلت و فراموشی قرار نگیرد.

کنگره ملی خلق (national china congress) نهاد ملی قانونگذاری جمهوری خلق چین است. این کنگره با ۲۹۸۷ عضو در سال ۲۰۱۳ بزرگترین بدنه پارلمانی در جهان است. بر اساس قانون اساسی فعلی چین، کنگره نهادی تک مجلسی و دارای قدرت قانونگذاری، نظارت بر عملکرد حکومت و قدرت انتخاب مسئولین اصلی دولت است. کنگره ملی خلق که نزدیک به سه هزار عضو دارد نقش پارلمان را جمهوری خلق چین ایفا می‌کند. این نهاد که اعضای آن عضو یا مورد تأیید حزب کمونیست چین هستند سالی یک بار برای چند روز تشکیل جلسه می‌دهد و پس از شنیدن گزارش‌های اصلی مقامات ارشد دولتی و تصویب لوایح عمده ای که دولت خواستار تصویب آنهاست، کار آن پایان می‌یابد. در بقیه طول سال نهادی موسوم به کمیته دائمی کنگره ملی خلق متشکل از حدود ۱۸۰ تن از اعضای کنگره ملی وظیفه قوه مقننه در مشورت و عموماً تأیید لوایح دولت را در دست دارد. از آنجا که طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده توسط دولت به کنگره ملی خلق پیشتر به تأیید رهبری این کشور رسیده، اعضای کنگره همیشه به این لوایح و برنامه‌ها رای مثبت می‌دهند این حکومت به رویه توحیدی نزدیک تر و برای تحقق آرمان‌ها و اهداف ملی راه نزدیک تری را طی می‌کند و از انشاء نویسی کاسته و به کارکرد ها و عملیات پرداخته و در مراحل عمل و آمایش، ورزش و پویش های میدانی، راه و رسم زندگی را فهم کرده است.

راهی کوتاه از حکومت خدا به مردم از طریق خبرگان مردم

A short way from the rule of Allah to the people through people's experts



Governance is at the top affairs

مثال های دیگر

این مثال IH بمعنی قبول تمامی متن و محتوای مندرج در آنها نیست

[12 Principles of Good Governance - Council of Europe](#)

54 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management
GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran
USTM=Unificational Subscribes of Three Models

[https://www.coe.int > web > 12-princip...](https://www.coe.int/web/12-princip...)

Good **Governance** – the responsible conduct of public **affairs** and ... on what is in the **best** interest of the whole community and on how this can be achieved...

What is the concept of governance?

Which best defines governance?

What is governance in simple words?

What are the 5 principles of good governance?

12 Principles of Good Governance

Good Governance – the responsible conduct of public affairs and management of public resources – is encapsulated in the Council of Europe 12 Principles of Good Governance.

The **12 Principles** are enshrined in the Strategy on Innovation and Good Governance at local level, endorsed by a [decision of the Committee of Ministers](#) of the Council of Europe in 2008. They cover issues such as ethical conduct, rule of law, efficiency and effectiveness, transparency, sound financial management and accountability.

The Centre of Expertise has developed **toolkits to assist local authorities**, and in some cases central authorities, in living up to these principles and thus delivering better services to citizens.

The [European Label of Governance' Excellence \(ELoGE\)](#) is awarded to local authorities having achieved a high overall level of good governance measured against the relevant benchmark.

The 12 Principles and related tools

Principle 1

55 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

Fair Conduct of Elections, Representation and Participation

Principle 2

Responsiveness

Principle 3

Efficiency and Effectiveness

Principle 4

Openness and Transparency

Principle 5

Rule of Law

Principle 6

Ethical conduct

Principle 7

Competence and Capacity

Principle 8

Innovation and Openness to Change

Principle 9

Sustainability and Long-term Orientation

Principle 10

Sound Financial Management

Principle 11

56 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

Human rights, Cultural Diversity and Social Cohesion

Principle 12

Accountability

Visibility



12
PRINCIPLES OF GOOD DEMOCRATIC GOVERNANCE

1. Participation, Representation, Fair Conduct of Elections
2. Responsiveness
3. Efficiency and Effectiveness
4. Openness and Transparency
5. Rule of Law
6. Ethical Conduct
7. Competence and Capacity
8. Innovation and Openness to Change
9. Sustainability and Long-term Orientation
10. Sound Financial Management
11. Human Rights, Cultural Diversity and Social Cohesion
12. Accountability

© Centre of Expertise 2018

■ The 12 Principles of Good Governance encapsulate fundamental values defining a common vision of European democratic governance.

■ Enshrined in the Strategy for Innovation and Good Governance at local level, the 12 Principles assist public authorities in improving governance and enhancing service delivery to citizens.

■ Toolkits, training materials and benchmarks, developed by the Centre of Expertise, are available to governments at local, regional and central level alike.

■ Local authorities that apply the 12 Principles may be awarded the European Label of Governance 'Excellence (ELoG)'. 

www.coe.int/good-governance/

 CENTRE OF EXPERTISE FOR LOCAL GOVERNMENT REFORM

 COUNCIL OF EUROPE
CONSEIL DE L'EUROPE

COUNCIL OF EUROPE PORTAL

What is your understanding of the concept of governance?

What is the concept of good governance?

What is the concept of government?

What is governance in simple words?

Concept of Governance

Governance has been defined to refer to structures and processes that are designed to ensure accountability, transparency, responsiveness, rule of law, stability, equity and inclusiveness, empowerment, and broad-based participation. Governance also represents the norms, values and rules of the game through which public affairs are managed in a manner that is transparent, participatory, inclusive and responsive. Governance therefore can be subtle and may not be easily observable. In a broad sense, governance is about the culture and institutional environment in which citizens and stakeholders interact among themselves and participate in public affairs. It is more than the organs of the government.

International agencies such as UNDP, the World Bank, the OECD Development Assistance Committee (DAC) and others define governance as the exercise of authority or power in order to manage a country's economic, political and administrative affairs. The 2009 Global Monitoring Report sees governance as 'power relationships,' 'formal and informal processes of formulating policies and allocating resources,' 'processes of decision-making' and 'mechanisms for holding governments accountable.'

Often there is a tendency to equate governance with management, the latter primarily referring to the planning, implementation and monitoring functions in order to achieve pre-defined results. Management encompasses processes, structures and arrangements that are designed to mobilize and transform the

58 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

available physical, human and financial resources to achieve concrete outcomes. Management refers to individuals or groups of people who are given the authority to achieve the desired results. Governance systems set the parameters under which management and administrative systems will operate. Governance is about how power is distributed and shared, how policies are formulated, priorities set and stakeholders made accountable. Table below summarizes the difference between governance and management:

Governance Management

- | | |
|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - Set and norms, strategic vision and direction and formulate high-level goals and policies | <ul style="list-style-type: none"> - Run the organization in line with the broad goals and direction set by the governing body |
| <ul style="list-style-type: none"> - Oversee management and organizational performance to ensure that the organization is working in the best interests of the public, and more specifically the stakeholders who are served by the organization's mission | <ul style="list-style-type: none"> - Implement the decisions within the context of the mission and strategic vision |
| <ul style="list-style-type: none"> - Direct and oversee the management to ensure that the organization is achieving the desired outcomes and to ensure that the organization is acting prudently, ethically and legally | <ul style="list-style-type: none"> - Make operational decisions and policies, keep the governance bodies informed and educated - Be responsive to requests for additional information |

In the development literature, the term 'good governance' is frequently used. In particular, the donors promote the notion of 'good governance' as a necessary pre-

condition for creating an enabling environment for poverty reduction and sustainable human development. Good governance has also been accepted as one of the targets of the Millennium Development Goals (MDGs). The good governance agenda stems from the donor concern with the effectiveness of the development efforts. Good governance is expected to be participatory, transparent, accountable, effective and equitable and promotes rule of law. Governance has been defined as **the rules of the political system to solve conflicts between actors and adopt decision (legality)**. It has also been used to describe the "proper functioning of institutions and their acceptance by the public" (legitimacy).

Who defines good governance?

What is considered governance?

Which of the following best defines corporate governance?

What is governance in simple words?

the act or process of governing or overseeing the control and direction of something (such as a country or an organization) : **government** a centralized system of governance the challenges of national governance ...

Governance Understanding the Concept of

The concept of "governance" is not new. However, it means different things to different people, therefore we have to get our focus right. The actual meaning of the concept depends on the level of governance we are talking about, the goals to be achieved and the approach being followed. The concept has been around in both political and academic discourse for a long time, referring in a generic sense to the task of running a government, or any other appropriate entity for that matter. In this regard the general definition provided by Webster's Third New International Dictionary (1986:982) is of some assistance, indicating only that governance is a synonym for government, or "the act or process of governing, specifically authoritative direction and control". This interpretation specifically focuses on the

60 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

effectiveness of the executive branch of government. The working definition used by the British Council, however, emphasizes that "governance" is a broader notion than government (and for that matter also related concepts like the state, good government and regime), and goes on to state: "Governance involves interaction between the formal institutions and those in civil society. Governance refers to a process whereby elements in society wield power, authority and influence and enact policies and decisions concerning public life and social upliftment." Governance", therefore, not only encompasses but transcends the collective meaning of related concepts like the state, government, regime and good government. Many of the elements and principles underlying "good government" have become an integral part of the meaning of "governance". John Healey and Mark Robinson¹ define "good government" as follows: "It implies a high level of organizational effectiveness in relation to policy-formulation and the policies actually pursued, especially in the conduct of economic policy and its contribution to growth, stability and popular welfare. Good government also implies accountability, transparency, participation, openness and the rule of law. It does not necessarily presuppose a value judgement, for example, a healthy respect for civil and political liberties, although good government tends to be a prerequisite for political legitimacy". We can apply our minds to the definition of governance provided by the World Bank in Governance: The World Banks Experience, as it has special relevance for the developing world:" Good governance is epitomized by predictable, open and enlightened policy-making, a bureaucracy imbued with a professional ethos acting in furtherance of the public good, the rule of law, transparent processes, and a strong civil society participating in public affairs. Poor governance (on the other hand) is characterized by arbitrary policy making, unaccountable bureaucracies, unenforced or unjust legal systems, the abuse of executive power, a civil society unengaged in public life, and widespread corruption. "The World Bank's focus on governance reflects the worldwide thrust toward political and economic liberalisation. Such a governance approach highlights issues of greater state responsiveness and accountability, and the impact of these factors on political stability and economic development. In its 1989 report,

61 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

From Crisis to Sustainable Growth, the World Bank expressed this notion as follows:

"Efforts to create an enabling environment and to build capacities will be wasted if the political context is not favourable. Ultimately, better governance requires political renewal. This means a concerted attack on corruption from the highest to lowest level. This can be done by setting a good example, by strengthening accountability, by encouraging public debate, and by nurturing a free press. It also means ... fostering grassroots and non-governmental organisations such as farmers' associations, co-operatives, and women's groups". Apart from the World Bank's emphasis on governance, it is also necessary to refer to academic literature on governance, which mostly originates from scholars working with international development and donor agencies. The majority of these scholars has concentrated almost exclusively on the issue of political legitimacy, which is the dependent variable produced by effective governance. Governance, as defined here, is "the conscious management of regime structures, with a view to enhancing the public realm". The contribution of Goran Hyden to bring greater clarity to the concept of governance needs special attention. He elevates governance to an "umbrella concept to define an approach to comparative politics", an approach that fills analytical gaps left by others. Using a governance approach, he emphasises "the creative potential of politics, especially with the ability of leaders to rise above the existing structure of the ordinary, to change the rules of the game and to inspire others to partake in efforts to move society forward in new and productive directions". His views boil down to the following: Governance is a conceptual approaches that, when fully elaborated, can frame a comparative analysis of macro-politics. Governance concerns "big" questions of a "constitutional" nature that establish the rules of political conduct. Governance involves creative intervention by political actors to change structures that inhibit the expression of human potential. Governance is a rational concept, emphasizing the nature of interactions between state and social actors, and among social actors themselves. Governance refers to particular types of relationships among political actors: that

is, those which are socially sanctioned rather than arbitrary. To conclude, it is clear that the concept of governance has over the years gained momentum and a wider meaning. Apart from being an instrument of public affairs management, or a gauge of political development, governance has become a useful mechanism to enhance the legitimacy of the public realm. It has also become an analytical framework or approach to comparative politics.

Source

Governance Barometer: Policy guidelines for good governance" Website of South " Africa's National Party

[Definition of "Governance" - Merriam-Webster](#)

<https://www.merriam-webster.com > dictionary > governa...>

What is governance in simple terms?

What is good governance in simple words?

What is governance and why is it important?

Governance

From Simple English Wikipedia, the free encyclopedia

[Jump to search](#)[Jump to navigation](#)

Governance is the term for the way a group of people such as a [country](#) do things.

Many groups create a [government](#) to decide how things are to be done.

Governance is different from [politics](#). Politics deals with people with

different [ideas](#) working together to create an [agreement](#) about what to do, and

governance is doing what politics decided needed to be don**What is governance?**

63 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ،
رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

There is not one conclusive definition of corporate governance. Governance Institute, for example, defines it in these terms:

Governance encompasses the system by which an organisation is controlled and operates, and the mechanisms by which it, and its people, are held to account. Ethics, risk management, compliance and administration are all elements of governance.

Other useful definitions of governance are provided below.

Corporate governance involves a set of relationships between a company's management, its board, its shareholders and other stakeholders. Corporate governance also provides the structure through which the objectives of the company are set, and the means of attaining those objectives and monitoring performance are determined.

[Organisation for Economic Co-operation and Development \(OECD\)](#)

Corporate governance is 'the framework of rules, relationships, systems and processes within and by which authority is exercised and controlled in corporations'. It encompasses the mechanisms by which companies, and those in control, are held to account.

[ASX Corporate Governance Council](#)

[VIEW OUR RESOURCE CENTRE](#)

Like what you're reading?

Governance Institute members receive access to all of our content and more.

Unlock a wealth of resources!

Governance Institute's resources offer me new ways to embed effective risk management into the organisation. Francesca Dickson AGIA ACISGroup Risk Manager, The BPAY Group

64 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

Governance Institute defines **governance** as the system by which an organisation is ... and the mechanisms by which it, and its people, **are** held to **account**.

[Good governance - Georg Fischer – Sustainability Report ...](#)

<https://sustainability-report.georgfischer.com> > ...

GF is an international industrial corporation and thus at **home in** a variety of ... GF firmly believes that good corporate **governance** and ethical conduct **are** ...

[ICA International Diploma in Governance Risk and ...](#)

<https://www.int-comp.org> > programme

The next **course** commences 20 September 2021. **New** technologies **are** changing the role of a compliance professional. Fintech and Regtech **are** now embedded **in** ...

[Principles of corporate governance useful links - ICAEW](#)

<https://www.icaew.com> > technical > pr...

Global Corporate **Governance** hub with key **governance** issue insights and audit committee **resources**, includes a publication library. PWC UK **does** also have a ...

A community of solvers combining human ingenuity, experience, technology and products to help organizations build trust and deliver sustained outcomes.

[Pages - Governance, Risk and Control - The Institute of ...](#)

<https://na.theiia.org> > topics > governa...

The IIA provides a repository of **information** for internal auditors dealing with issues involving **governance, risk management**, and control.

<https://www.educause.edu > toolkits > i...>

Governance specifies the accountability framework and provides oversight to ensure that **risks are** adequately mitigated, while **management** ensures that controls ...

[Risk Management and Corporate Governance - OECD](#)

<https://www.oecd.org > daf > risk-management-co...>

Existing **risk governance** standards for listed **companies** still focus largely on internal **control** and audit functions, and primarily financial **risk**, rather than ...

اسلام کنونی با حکمرانی علمی و فناوریانه آشنا نیست ؟

حکمرانی امروز جهان با حفظ تمامی ارزش های اسلام ناب و محمدی (ص) از طریق تبدیل سیستم های کلان و جزئی سازی این دیدگاه سیستمی و برش دادن کل نظام به پازل های جزئی و با قابلیت در هم ترکیب شده که نگاه گشتالتی نظام رهبری از کل و اجزاء در یک شجره فراکتالی از ریشه تا سرشاخه ها ، گل ها و میوه ها یک جا متصور شود ، به شاخص ها ، معیارها ، مناط فنی و رویکرد ها و میدانی نمودن حکمرانی خداوند و متعال را در شباهت یقینی و حقیقی خود ، دارا نیست ، و اگر کسی گفت ، نه هست ، از نظر من مولف ، متعصب ، جدا از جهانی شدن حکومت جهانی اسلام در عصر ظهور و بیک تعبیر ، دارای دانش مرتبط با موضوع نیست ، این یکی از بزرگترین معضل ، چالش و بحران های نظام فعلی ما است و تا این موضوع فهم نشده و سامانه های رگولاتوری ، و ساختار کلی اجزاء آن در کشور ایجاد نشود ، کشور در تمامیت ماهوی و ارزش ها و وقوا و نگهداری جامع آن در اختیار ما نیست ، این طرح بزرگ حکومتی با سلطه حل نمی شود و با جبر و قسر ، قادر به باز آفرینی اعتماد و مشارکت های اجتماعی و تشکیل سرمایه اجتماعی نخواهد شد ، امری است شدنی ، ولی سخت و دشوار نما .

Isn't modern Islam familiar with scientific and technological rule?

Contemporary Islam is not known for its engagement in the modern scientific ... of scientific activity is the rule, not the exception, of civilizations


صدای فوق صدای مولف نیست ، صدای جهانی است ، جهانی که مزه اسلام را چشیده و حظ آنرا درک کرده و بیداری اسلامی بهمین معنا بوده و می خواهد الگو را به رای العین مشاهده کند و در راس آن عدالت مندرج در عدل علی (ع) را بع از 1400 سال در جمهوری اسلامی ایران لمس نماید ، من میگویم میشود و 2 هزار صفحه ، مضمون ، متون و محتوا در مدت 32 سال تحقیق شبانه روزی در این مورد نگاشته است ، نقد است اگر عصبانی نشوی ، برنده هستی ، آسیب شناسی هست ، اگر قبول کردی به موضوع نزدیک شده ای ، راه حل هست اگر خود بسندگی درکار نباشد ، در دنیای انقدر که مفید است ، خیر است ، راه حل است که غیر مفید ، شرّ وین بست نیست !!! ، و... باید جان و تن را در اختیار علوم و فنون حکمرانی قرارداد و الگوپذیر بود ، آنهائیکه از ما عقب بودند و امروز جلو افتادند ، عقل آنان از ما کمتر نبوده است ، آنهائیکه رفاه و زندگی شایسته را برای مردمشان به ارمغان آوردند نیز خدا و فطرت خدائی را در جوهر وجود خود ، نهادینه کردند ، و....

Why is the science of Islam declined?

چرا به قول دشمنان دانا و گاهی دوستان خوب ما ، چرا از اسلام علمی با فقه پویا ، دور شده و راه زوال را در حکمرانی طی کردیم ، بزرگترین شخصیت بنیانگذار تاریخ داشته و با مردمی و تباری یکتا پرست ، بزرگترین انقلاب حیرت آور جهان ، اتفاق افتاده در ژئوپلیتیکی بی بدیل با محتوی و ساختاری طبیعی و بنیادی بی بدیل ، که مرکز جهان است بادینی که مدرن ترین ، انسان ساز و حکومت صالحان است (به تعالیم 114 گانه مولف مراجعه شود) ، اگر برای هر امری که منجر به حفظ ذکر و فرمان و قران خود میشود ، کسانی را مقرر کرده است ، آن اراده که از خود بسندگی نشئت میگیرد ، سدی سدید و مانعی رفیع برای جریان انحار واجب الوجودی است باید بر حسب عبر تاریخی تجدید نظر شود ، که دیده شود که دوستان زیاد هستند و بسیار دور از منظر شما و چه بسا دوست نمایانی که ، این الوقت هستند و مدعا.

آنقدر که باید دنبال نقادان بگردید ، دنبال نازک گویان و لطف سخنان نگردید ، ناقد می بیند و شهادت گفتار دارد ، و آنچه شهادت ندارد حق را نگه دارد و در حق خواهی به سرتان داد نمی کشد ، عاقبت طلب است و بدرد شما نمی خورد ، این مولف در 32 سال بدبختی های فراوان کشیده ولی از کسی طلبی ندارد و به هم بدھکار نیست ، اگر حق مرا خوردند ، و اگذار خدا کردم و ثمره اش را دیدیم ، یک دولتی نیامد ، بگوید حالت چگونه است ولی خدا چنان زمینه را فراهم کرد و از هر کس که مدعی است که بامردم است ، و تنها نیست ، تنها نیستم و دوست پیدا کردم ، همه چیز از خدا و تلاش برای حکمرانی خدا . مواردیکه که در این رساله آمده اسن من ترجمه نکردم بلکه از اصول متونی برگردان شده که می توان گفت ، دوستان نا آشنای مادر

گرد جهان هستند ، اطلاعات آنها از ما بیشتر و قلبشان برای اسلام ناب محمدی (ص) طپنده تر و همان طیفی که در سوره نصر آمده ومی خواهد الگورا به جهان نشان دهد :
سوره ۱۱۰: النصر - جزء ۳۰ - ترجمه خرمشاهی

-
 تغییر سوره و ترجمه

-
 تلاوت

-
 جستجو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

-
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

آنگاه که نصرت الهی و پیروزی فراز آید (۱)

-
وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

و مردم را بینی که گروه گروه به دین الهی در آیند (۲)

-
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

پس سیاستگزارانه پروردگارت را نیایش کن و از او آمرزش بخواه که او بس توبه‌پذیر است (۳)

SURA 110. Nasr, or Help

68 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

[.1 When comes the Help of Allah, and Victory .1](#)

[.2 And thou dost see the people enter Allah's Religion in crowds .2](#)

[.3 Celebrate the praises of thy Lord, and pray for His Forgiveness: For He is .3](#)

[\[Of-Returning \[in Grace and Mercy](#)

بیان حکومتی اسلام از دیار دیگر :

Does Islam have rules?

حکومت اسلامی چه چیزی در بر دارد؟

What scientific advancements did Islam bring?

اسلام چه پیشرفت علمی سودمندی را به ارمغان آورده است

[On the Intersection of Science and Religion – Religion ...](#)

<https://www.pewforum.org> > essay > o...

— The Muslims interviewed also said that **Islam** and **science** are often trying ... many ancient insights that have been upheld by **modern science**.

مسلمانان چه کاربردی های دیگری را علاوه بر مطالب علمی اسلام از طریق بصائر سنتی ره آورد داشته و موجب تقویت و رونق علم مدرن شده است

[How and Why Muhammad Made a Difference - Religion ...](#)

<https://www.pewforum.org> > 2006/05/22

69 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

— Muhammad thinks that the guy is playing by **Muslim rules**, and he makes arrangements for ... Muhammad was **aware of Christianity and Judaism**.

حضرت رسول محمد (ص) عقیده دارد که این مردم هستند که با نقش و تلاش خود و مشارکت های اجتماعی (نظیر آنچه مادر 8 سال دفاع مقدس مشاهده کردیم-مولف) و خدمت صادقانه به تنظیم حکمرانی اسلامی مبادرت کرده و موجب استقرار حکومت شدند و از آگاهی و بیدار باش حضرت محمد(ص) به ماهیت مسیحیت و یهودیسم آشنائی یافتند (به کتب ویلیام مونتگمری وات) به انگلیسی William : (Montgomery Watt) ۱۴ مارس ۱۹۰۹ - ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶ (استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند بود.مراجعه شود -مولف)

توضیحاً عرض میکنم : مونتگمری وات برجسته‌ترین مفسر غیرمسلمان اسلام در غرب به حساب می‌آمد، و تأثیر عظیمی در رشته مطالعات اسلامی بر جای نهاد. حوزه تخصصی مطالعات وی اندیشه‌های امام محمد غزالی بود. او علمی به رهیافت های آورده های خاتم انبیاء داشته و در همین راستا ، سال‌ها تحقیقات خود در دانشگاه ادینبورو تدریس می‌کرد و شاگردان زیادی در حوزه اسلام‌شناسی تربیت کرد. نام او توسط خیلی از مسلمانان در سرتاسر دنیا با احترام برده می‌شود. وات زندگی‌نامه‌ای از محمد(ص) تألیف کرده بنام (محمد در مکه) ۱۹۵۳، (و محمد در مدینه) ۱۹۵۶ ((که در این رشته کلاسیک بحساب می‌آیند. به گفته محقق اسلام‌شناس مارتین فروارد در مورد وات توجه کنید:

" **کتب او تأکید زیادی بر تعهد محمد به عدالت اجتماعی دارد؛** وات محمد را مانند پیامبران عهد عتیق می‌دید که آمده بود تا معاملات عادلانه و اعتقاد به وحدانیت خدا را در بین اعرابی، که این موضوعات برای آن‌ها مفاهیمشان را از دست داده بود، احیا کند. از دید بسیاری از مسلمانان این قدر و منزلت کافی برای محمد نیست، ولی این یک شروع است. رک بگویم برای یک مسیحی گفتن هرچیز مثبتی درباره دینی مانند اسلام که پس از دین او آمده کار سختی است زیرا آن‌ها این‌گونه بزرگ شده‌اند که باور داشته باشند دین آن‌ها تمامی چیزهایی که برای رستگاری نیاز است را داراست، و مشابهاً برای مسلمانان سخت است که با این حقیقت مواجه شوند که مسیحیان با این دیدگاه که مسیحیت تنها ایستگاهی در مسیر اسلام، دین آخر، است ترغیب نمی‌شوند."

از نظر مولف که در سیر مطالعات و تحقیقات حکمرانی ، رهبری و مدیریت اسلامی به مقیاس سه ترابایت مطالعه دارد ، خدمت یک دانشمند مسیحی با ذخیره ذهنی که نظیر منتسکیو از دین اسلام دارد(اسلام با شمشیر بر مردم استیلاء یافته و من مولف تعجب می‌کنم که در هویت ولایت فقیه ، هنوز طرح تفکیک قوای منتسکیوئی از چنین آدم ضد اسلامی در حکمرانی ما دخالت کرده و شالوده حکومت اسلامی

را با اندیشه های غیر اسلامی در هم آمیخته است ، وجود دانشمندانی نظیر وات که در تمام عمرش در اسلام ورهیاقت و حیانی حضرت محمد(ص) کار جدی نموده و در دانشگاه تدریس نموده و **مسلمان علمی** ساخته است و مقرر بوده است که دین اسلام برای دنیا علم ، آورده های فراوان داشته است ، کم جلوه دهیم-
(مؤلف)

امروز ما دینی داریم که تمام مضامین ، متون و محتویات عدالت گستری را در جهان دارا است ولی یک مجموعه شاخص ، بصائر ، داده ها و... برای سیستم جامع عدلت گستری در ایران نداریم و می خواهیم با شیوه اندرز گونه و در میان مردم راه رفتن و از زندان با زندانیان بحث کردن و... به باز آفرینی اعتماد ملی و بازسازی عدالت اجتماعی بپردازیم ، این ها راههای علمی نیست و با بیش از ۱۱۰ میلیارد فایل اطلاعاتی مربوط به تحقیقات و حوادث مختلف که در حافظه جهانی گرد آمده است و هزار تریلیون گیگ اطاعتی نر اختیار است ، و قط مجلس برای اینترنت ملی گرفته شده است ، جای تعجب فراوان دارد!!!!!! جهان منتظر الگوی ایران است که هنوز در خم کوچه تضارب افکار گیر کرده است .!!!!



مونتگمری وات در حال مصاحبه با خبرنگار ایرانی علی اکبر عبدالرشیدی در سال ۲۰۰۴ در منزلش در اسکاتلند

[How Islam Won, and Lost, the Lead in Science - The New ...](#)

<https://www.nytimes.com> > 2001/10/30

— Al-Tusi's deftness and ideological flexibility in pursuit of the ۱۳۸۰ آبان ۸
resources to do **science** paid off. The road to **modern** astronomy, scholars say, ...

71 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی ،
رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and
longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

شما یک ی لایحه دولتی یا طرح مجلسی بمن نشان دهید که نشان دهد یک موضوع مسلم اسلامی را بطور علمی تحلیل کرده و به شاخص ها و مناط های تبدیل کرده و از این استاندارد های معنوی و اسلامی در اداره کشور تهیه کرده باشد (این مولف در بیش از مهارت فنی دارای کارشناسی استاندارد بوده و در این مورد چندین اقدام شایسته انجام داده است -مولف) در راس ، قانون استاندارد ایران ، تدوین استاندارد های رفتاری از دستورات اسلامی آمده است که بموجب این بند مقرراتی ، و اینکه استاندارد های معنوی در غرب شروع شده است ، نامه ای به سازمان ملی استاندارد ایران نوشتم ملاحظه کنید :

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی استاندارد ایران

سرکار خانم مهندس نیره پیروز بخت

با سلام و تحیات فراوان به شما و همکاران گرامیتان

موضوع : آغاز تدوین استاندارد های معنوی در جهان

همانطور که اشراف دارید فلسفه استاندارد جهانی و پیدایش آن منوط به رفع نیازهای انسانی برای زیستی مطلوب در ابعاد معنوی و مادی میباشد و از آنجا که طبیعت و ماهیت زندگی انسانی در ابعاد وسیع معنوی او قرار دارد که دایره مدار جسم ، راهنمای بدن ، تشکیل دهنده عواملی از ماوراء ساختمان فیزیکی انسان بوده و مدیریت بهینه و سالم را تکلیف میکند و در این راستا ، عوامل مادی ضروری در این شاکله بندی به عنوان تسهیلات زیستی انسان فراهم میشود و در چنین جریان مستمری است که این آمیخته که انسانیت می نامیم متشکل از روح و جسم و مرکب از عقل و غریزه و گرایش های انسان تشکیل ماهیت می دهد و به تبع آن جامعه بوجود آمده و حرکت جامعه و جریان تکاملی آن با چنین سیالیتی متشکل از این عناصر بسوی آرمان ، مقصود اهداف و ایده پردازی رهسپار میگردد و همانطور که در فلسفه تاریخ آمده است ، تاریخ حاصل انگیزش و محرک منتج از این مجموعه بزرگ و بطور موجز حاصل دو عنصر روح و عقل است که عقل با ادبیات معنادار خود برخاسته از ماورای طبیعت ، ایدئولوژیک زیست و تحصلی از متافیزیک دارد تا اینکه این جوهره شگفت را صرف ماده دانسته و به جریان ارتعاشات ، اعصاب ، امواج و نظایر اینها خلاصه کنیم و از روحانیت خالی ببینیم .

حال میخواهیم بسنجیم که کدام عوامل اساسی نقش ایجاد و کدام یک نقش تبعی یا تکمیلی در تدوین استاندارد دارد و تا موقعی که عوامل موجهه که در انسان جوهر اصلی تحرکات و انگیزش ها را بازی می کند شناخته نشود ، و معیار آن مشخص نگردد ، شاخص نداشته باشد ، و استاندارد نشود ، عناصر تبعی ، ضمنی و یا تکمیلی که مکمل درمان اجتماعی است ، چه تأثیر بنیادی دارد ، و چون غرب از این اولویت

غافل بوده و از میانه راه و از این ضمائ شروع کرده و با پرتونگاری و گردش جریان های عصبی که آنهم از فقدان روح سالم رنج میبرده و نتایج رنجوری خود را اشکار ساخته است ، عناصر بدون روح را ویا همان تکمیل کننده را به عنوان ماهیت استاندارد کرده پذیرفته است! **چه اشتباه بزرگی رخ داده و چگونه کالبد استاندارد و جوامع بشری فاقد روح شده است .**

در اینجا به نقل قولی از فرانسیس فوکویاما که یک متفکر دوستار غرب است ، اشاره می کنم که انقلاب اسلامی ایران را یک روح برای جهان بی روح تلقی کرده و در این راستا عوامل مبنائی این روح را به عنوان یک "نمونه خاص" در ایجاد تغییرات اساسی جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است ، این نمونه در مقایسه با تمام جنبش های معاصر وجهی خاص داشته و تفاوت های بنیادین دارد ، معنویت ، جهاد ، امید مقوم به انتظار و بروز عوامل کاربردی عدالت در جهان ، ولایت مداری مردم ، تکلیف مداری ، حق و حقیقت ، عرفان خاص شیعی ، و عوامل کلیدی دیگری که میشل فوکو نیز موید آن است ، بیک باره نظام مدرنیسم ، لیبرال دمکراسی و ارزشهای سیاسی غربی را باطل شمرده و در پی تاسیس بنیان های نوین از همان عوامل مبنائی روحی میباشد (منبع : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، شماره ۱۳۳۰۰۹۲۲۰۰۰۱۳۳ ، تاریخ : ۲۳/۰۹/۹۰) و این گونه بیانات از دوستان غرب و دشمنان اسلام را ما عیناً در مصاف جهاد گران جان بر کف بر علیه استکبار جهانی دیده و نمونه بارزی از دفاع مقدس را جهان تجربه کرده است و هر جا که چنین فعالیت هائی و با چنین روحیاتی در ایران واقع شده است (در دانش و فناوری ، در کشت و زرع ، در آبادانی و توسعه و امثال اینها) تکالیف محوله با اعتقاد و عزمی راسخ انجام گرفته و ثمره آن باعث قوام و دوام کشور شده است .

جریان انقلاب اسلامی که اکنون 38 سال از آن میگذرد و سرچشمه جوشان آن همچنان آب زلال معنویت را نثار علاقمندان و عاشقان خود می نماید ، در جهان اثر معنوی گذاشته است و بیشترین مفاهیم مرتبط باین اثر معنوی معطوف به زندگی معنوی (spiritual Living) و نحوه **استاندارد کردن** آنست ، و غرب برای پر کردن خلاء معنوی خود ، به تدریج به تاسیس مراکز یا دانشگاه ها در این مورد پرداخته و مفاهیم و معانی زندگی MLC (Meaningful Life Center University) را در راستای ادبیات معنویت شناسی نوع خود ، کشف و تدوین می کند و خیال میکند با این گونه طرفنها از این تهی گاهی (Hypochondrium) و فقر معنوی نجات می یابد و حداقل گزینه ها و جانشین های برای پوچی و بی معنائی خود (the method on NULL SELF argument) جستجو کرده ، در دیدگاه غربی که عمدتاً مدل ها و روش های خود را از پوزیتیویسم منطقی وحسی- ابطالی (sense- falsehood) و ارتعاشات عصبی اتخاذ میکند ، استانداردهای عوامل بنیادین و کارکردی آنها را در راستای ورزش های معنوی (**Spiritual Exercises**) مورد آزمایش قرار داده است و در این مدل سازی ها ، **استانداردسازی** را از مبانی مدیتیشن (Standardization of Meditation)- انتزاع کرده که بیان

میدارد گذشته، گذشته است و آینده هنوز نیامده و کاملاً ناشناخته است، و زمان حال، یعنی لحظه ای که در آن قرار دارد، تنها لحظه ای است که در اختیار شماست- کتاب اصول و مبانی مایندفولنس مدیتیشن قرن 21- [آیدا رشیدی شیراز](#)- نشر ساوالان) یعنی پوچی اندر پوچی که کتب ترجمانی آن در ایران چاپ و نشر میشود و روانشناسان این گونه درمان ها را تجویز می کنند ، که رجوعی به تفکرات و حرکات جسمانی خلسه گونه و یا معنی شناسی و ازگانی است که از جریان های اعتقادی نوظهور درک و کسب میکنند (Standardization of meaning) و غرب کلکسیونی از این واژگان گرد آورده و به اصطلاح انضباط های (disciplines) اخلاق علمی رایج شده و مشغول **استاندارد سازی** آنها شده است و جای بسی تاسف است که کارگروه های فرقه ضاله بهائیت و مذهب یهودیت با کارکردهای تلمودی دراستاندارد سازی معنویت مورد نظر آنها مشغول این گونه فعالیت **استاندارد سازی** شده اند و از این فرصت نظیر "حلال و یا صکوک" که از ایران سرقت شده است به سوء استفاده پرداخته و بازار مکاره راه انداخته اند.

علاوه بر فعالیت های موهومی فوق به نمونه هایی برخورد میکنیم که ظاهراً جنبه مثبت داشته و منبعث از بررسی های قلب سلیم از طریق مذاهب الهی و غیر الهی و اهمیت معنویت در درمان و علم طب (Spirituality in medicine) سایر فعالیت های نظیر اینها از مراکز و موسسات آموزشی و غیره می باشد و خوف اینست که هویت و ماهیت معنویت شناسی غرب و استفاده از نتایج تحقیقاتی آن ، انحرافات زیادی از معیار حقیقی باشد و ناگفته پیداست که وقتی اصول و فروع **استاندارد های معنوی** غرب تدوین شده و وارد مراکز اکادمیک شود ، بعنوان جواهر گرانبها و اصول منحصر به فرد وارد کشورهای اسلامی شده و مورد تقلید قرار میگیرد چنان که بارها امام خمینی قدس سره غرب زدگی را منشأ بسیاری از بدبختی های ملت های مسلمان و ملت ایران می داند تا جایی که آن را تشبیه به زلزله می نمایند (صحیفه نور، ج 11، ص 183) و فرمود " آقا، امروز مملکت ما غرب زده است که از زلزله زده بدتر است. امروز بعضی از اشخاص در این مملکت می خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا نکند... الآن ما زلزله زده هستیم، غرب زده هستیم، همه باید دست به هم بدهیم و این راه را تا اینجا که آمدیم، باقیش هم برویم " (همان مدرک بالا، ج 7، ص 120).

جهان ما جهان انسانی است با معیارهای زیست انسانی که مشحون از مداخل معنوی ، رفتاری و ننگاشت های ذهنی و اندام و ارهای روحی ، که هیچ هم ارزی با قوانین و احکام پوزیتیویسم منطقی و حسی- ابطالی (sense- falsehood) و ارتعاشات عصبی ، منطق کوانتومی ، مدارات فیزیکی و نظایر اینها نداشته و از علیت تراکمی روحی و عقلی سرچشمه میگیرد و عوامل علیت معنوی پایه و مبنای زندگی انسانی است و براساس این مبنا از علم فیزیک و هم ارزی علیت تام ، ابزار توسعه ای طلب می کند و نه اینکه ابزارهای فیزیکی می تواند جایگزین رفتار های معنوی و نیازهای روحی و عاطفی او شده ، و حتی اگر ابزار ی هوشمند گردیده و بصورت رباتیک جایگزین انسان و تعاملات او شود ، این موضوع میرهن گشته

که **استاندارد حسابداری** که عمدتاً با ریاضی سروکار دارد، در کشف دادها و آماره وصحت ارقام برمبنای حق و باطل، بازار ورقابت های مالکیت معنوی، عدالت توزیعی، ارزش گذاری منصفانه، تراضی طرفین، ولزوم سلامت روحی و جسمی برای کارگزاران، منوط به اعتقادات و دیدگاه ایدئولوژیک آنان، اعتقاد به میثاق الهی (سوگند های رایج در هنگام فارغ التحصیلی)، نقش دین و بسیار نکات مهم و غیر قابل انکار در این فعالیت ها است، و اگر **استاندارد ملهم از احکام الهی و دین ناب محمدی (ص) نباشد**، زمینه و عرصه این گونه تنظیم ها در معیار شناسی، شاخص سازی و تدوین استاندارد ها، صاحبان دیگری پیدا کرده و احکام و نرم افزار فروشی می کنند، چنانچه جای تاسف است که فرقه ضاله بهائیت، احکام فقهی خود را به استاندارد نزدیک کرده و داعیه ابداع زندگی با معنویت، کنترل و نظارت بر شئونات پیروان خود، معنویت در رفتارهای انسان، اخلاق، زندگی بهتر، موضوع قلب، حقیقت قلب، **استاندارد خیریه** را پی گرفته و با کمک اربابان غربی خود، کمپین جهانی راه بیانازد.

بنابراین مفهوم حیات به مفهوم عوامل حیات است که این اجزاء، در کلیت و تمامیت حیات از ماهیت هم ارزی بر خوردارند، مثل منیر و نور یعنی کلی و نه یک قسمت از بدن و یک جزء از کل و برش های مقطعی ندارد و زود گذر نیست که گاهی یک درخت دیده شود و گاهی کل جنگل، لذا حیات یک پارچه است و این رابطه کشف و شهود است و در چنین رابطه ای مفیدیت دارد، و این قدرت متعالی انقلاب اسلامی است که مسیر تکامل را نشان می دهد و از این نظر در تاریخ معاصر نمونه آن نیست، جوهری خاص است، جنگ و جدال، گل گذاشتن بر سر لوله سرباز متخاصم، و اگر دفاعی است، دفاع مقدس است، دانشگاه علم، تفکر، خلاقیت و نوآوری است، جریان جوهری هستی است که انقلاب از آن زایش کرده است نه از مادیات، و تکامل درونی است و **باید استاندارد عناصرش الزامی میشود**، زندگی در این جهان هستی (دوزندگی یکی روی زمین و دیگری در کل جهان) با عوامل معنوی است و این دوزندگی از هم جدا نیست و راه از ابتدا تا انتها راه تکامل است و ابتدائی در کار نیست و نه انتهائی در کار، و این مهارت باید نصیب انسان انقلابی شود که بتواند دنیا را از بی روحی نجات دهد.

به عبارتی دیگر این عشق است که جریان دارد و شکوه 2500 سال طومار شاهنشائی رادر هم می پیچد به زباله دادن تاریخ می افکند، عشق حیات ورزی است، مایه جذب و دفع خوبی ها و بدیها است، یک تکان تاریخی برای شاه زدائی در سراسر زمین، ریزش کهنه و رویش تازه ها و استاندارد سازی آنها و این منشاء یک زندگی نوین است این اندیشیدن زیبا است این شادی حقیقی است، این روح جاویدان است و رفع بیماری های اجتماعی ناشی از وجود این روح و عشق آوری آن میسور است و چگونه است که اقبال کنیم، اشخاص با روح بیمار و با بهانه داشتن تخصص، کارخانه اداره کنند قطعه هواپیما بسازند و توسعه تکنولوژی بدهند، **نظام درمانی در مسیر معنویت استاندارد نشده است**، برای اینکه از نوزادی تا کهولت، جریان قطعه قطعه نیست، مستمر است و این جریان مستلزم فهمیدن درست است،

چنانکه برای شهید مرگ نیست گذر های بقا را در این سیر می بینیم بعضاً به مقاطع برش هانگام می کنند و فکر می کنند که این مقطع همان زندگی آنهاست ، از هم اکنون سعادت با ماست و نباید منتظر برش نگاشت خودباشیم چرا که او میآید به دنبال هم و پی در پی و از ازل تا ابد و هیچ کدام تاریخ ندارد ، میقات دارد ، معیار دارد ، نشانه دارد ، ظرف دارد ولی مظلوف آن را مقدری می سازد که نقش خودمان در این نقاش آفرینی موثر است و اگر این نگاشت خارج از مسیر باشد از هم اکنون در عذاب و نگرانی هستیم این روحیه این چنین درست میشود ، دستگاه حسی به تنهایی قادر به درک این مهمات نیست و بی روح است و از سلم و تسلیم چیزی نمی فهمد، **قصه انقلاب اسلامی این چنین است و نیاز مند استاندارد است** ، که **وظیفه ذاتی سازمان استاندارد ملی کشور است** و جای بسی افتخار ، اگر این جریان حقیقی به نظم و لباس استاندارد آراسته شود، **اقتصاد مقاومتی ظهور یافته** و کارکرد های موثر خود را نشان میدهد، دیگر نخواهی دید که یکسال هندوانه ، یک سال سیب زمینی ، یکسال پیاز و یک سال از یک صنعتی تولیدات یک صنعت انبار های کشور مملو و بقیه از خارج کشور وارد شود ، فهم زنجیره ای حاکم میشود استمرار جریان با زنجیره تعریف میشود با منافعی از ابتدا تا مصرف ، با تنظیم سیال در جریان ، ، بهینه و صدها نکته باریک تر از مو ، و انقلاب دارای جریان تکاملی خودش را نشان میدهد با فلوی هم نواختی ، با سیالیت متناسب با تکامل انقلاب و فراخور انقلاب ، **با معیار ، شاخص و استاندارد** و این بمعنی شدن پی در پی است که در تئوری های غرب ملاحظه نمیشود و این است شکوه زندگی جوامع بشریت، **و استاندارد بدون انحراف از معیار .**

اینجانب که مدت 30 سال در این مباحث تحقیق و تفحص نموده ، با مقالات ، سخنرانی ها ، کتاب نویسی و نقد و نظر که خلاصه آن در (www.elmemofid.com) آمده است و اخیراً با خواندن چند جزوه ، مدعیانی از دانشگاه و حوزه از علم مفید سخنان کلی می گویند ، در حالی که علم مفید یک دانش میان رشته با ابعاد نسبتاً وسیع است و در واقع پیوند دانشگاه و حوزه است که از فرامین قاعد اعظم امام خمینی(ره) در زمان قید حیات بوده و در این حیات جاویدان چشم انتظار این پیوند مبارک است ، مفید یت علم هزاران حکم و قاعده دارد که به **موجب رعایت و استاندارد آنها** ، محصول مفید و عاری از هرگونه ضرر و زیان و ، رعایت حقوق ، موازنه تکلیف با مسئولیت و بوده و فقط جنبه انذار و بشارت ندارد ، اگر نگاهی به یکصد مشکل آمریکا (با تنظیم اینجانب) بیاندازید و تجاوزات اردوگاه استکبار را از طریق تجاوزات ، تضییع حقوق ملل ، و غیره تعمق نمائید ، **آنگاه اهمیت استاندارد کردن آنچه در علم مفید بیان کردیم آشکار میشود** و جریان تکامل انقلاب ظاهر میشود و بر حسب آیات شریفه 1 تا 3 از سوره النصر " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳) " نظیر بسیاری از وقایع دوران انقلاب اسلامی ، آشکار می شود و اینست **خیر جاودان از طریق مکتب معنوی استاندارد ایران** ، تبلور روح میثاق و قراردادهای اجتماعی (کتب سوم

راقم این سطور)، جهانی شدن علم مفید که رسالات آن آماده است ، ایجاد فضای معنوی جهانی ، ظهور تقوی و گسترش روح جهانی آینده انقلاب اسلامی ایران. موید باشید

محمود صانعی پور

95/10/9

ضمائم این نامه :

کتاب روح میثاق و قراردادهای اجتماعی

40 قوام دهی شرکت ها

رزومه نویسنده

مهارت های نویسنده

چه کسی باعث فقر جهانی شده است

100 مشکل آمریکا

درمان انسان از طریق معنویت

خانم فیروز بخت با استقبال دستور اجراء را داد که تحت نظر من کار شروع شود ولی با کارشکنی در داخل سازمان ، طرح شکست خورد

[Islam's anti-racist message from the 7th century still ...](#)

<https://theconversation.com> > [islams-an...](#)

— The **Quran** recognizes ‘no superiority of a white person over a ۱۳۹۹ تیر ۱۶ black person.’ That notion, radical in 7th-century Arab society of slavery and ...

قران اصلاح و بهبود بین رواست گویان و دروغ پردازان مشخص کرد (لابد ما باید شاخص کمی و کیفی این شاخص ها برای ایجاد سیستم های کنترل و نظارت نیروی انسانی مکلف باید از خارج وارد کنیم ، تا حالا کالاهای ساخته شده وارد کردیم و بعد از این شاخص انسان مسئول وارد کرده و آنها را در مراحل داده پردازی به سیستم های نظارتی و داشبورد های لازم تبدیل کنیم ، یعنی **ایجاد قدرت نرم خود را از الگوهای خارجی بگیریم** ، در این بیانیه که ترجمه اش کردم می خوانید که قصد و مقصد اساسی و ریشه ای در قرن هفتم برای انسان از بردگی چی بوده است ، انسان سازی بوده است ، یا خرید آدم از دست برده

77 | Page

محمود صانعی پور خبره میان رشته ای و یاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی در موضوع حکمرانی ، رهبری و مدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید **UKRM**

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

کشان ، به زندان کشاندن برده کشان ویا آموزش و تعلیم دادن آنها بروش رسول الله د رمیدان عمل که امپراطوری میجی در ژاپن بنا نهاد ، نظریه صریح امام خمینی "زندان ها به دانشگاه تبدیل کنید " یک اندرز یا موعظه نیست ، یک فرمان است ، یک لایحه است ، (رسائل امام مملو از هزاران لایحه است) ، یک حرف درست و حسابی کاتلد مارشال) به انگلیسی **George Catlett Marshall, Jr** در طرح خود زده است : عنوان موفقیت‌آمیزترین پروژه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است، این طرح به بسیاری از کشورهای اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند. ایالات متحده و تیم سیاست خارجی جرج مارشال در مسیر خلق جهان پس از جنگ درصدد حذف عوامل بروز دو جنگ جهانی و معضلات اقتصادی ناشی از آن بودند، "به عبارت دیگر آن‌ها معتقد بودند در همه جای دنیا، انسان مرفه، یا دست کم امیدوار به زندگی در رفاه، به سوی تمامیت‌خواهی جذب نمی‌شود". غرب این حرف طلائی را با تمام شاخص ها و سیستم منبعث از اجرا کرده است و به جنگ فقرا و با اغنیاء (از کلمات طلائی دیگر امام امت (ره) مولف) ، خاتمه داد ، ما ده دهک درآمدی مردم کشورمان به کی نشان دهیم که نگوید ، بی عدالت ترین کشور جهان ، ایران است ، نه علمی رفتار کردیم ، نه سیستم داشتیم و.. فاقد قدرت نرم شدیم ، امیدوارم که بقول قیصر امین پور (زود دیر نشده باشد)

حسرت همیشگی (با هفت رای)

حرف های ما هنوز ناتمام
تا نگاه می کنی وقت رفتن است
و باز هم همان حکایت همیشگی
پیش از آن که با خبر شوی
لحظه ی عزیمت تو ناگزیر می شود
آی

ای دریغ و حسرت همیشگی

ناگهان چه قدر زود دیر می شود

لوايح ما خالی از اسلام علمی وگاهی خالی از دین و فطرت بوده است

[The rise of Islamic empires and states \(article\) | Khan ...](#)

<https://www.khanacademy.org > the-ris...>

c

Non-Muslim subjects under Arab Muslim rule were not especially opposed to ... of this; they were **familiar** with Byzantine and Sasanian military tactics, ...

تمدن ایران ، بمثابة تمدن عرب جاهلیت نیست ، که همان مشی تعالیم 1400 پیش را به عنوان آموزه های حکمرانی در نظام حکومت قرار دهد ، قرآن درس تغییر داده است :

پیامبر اسلام (ص) و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی

نویسندگان : **حاجی احمدی محمود***

چکیده :

تغییر و تحول جامعه و گذر دادن آن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، همواره دغدغه انسانهای دردمند بوده است. هر کدام از صاحبان اندیشه با تکیه بر یکی از عوامل، تحول جامعه ها را تبیین نموده اند. مقاله حاضر با بررسی شیوه تحول جامعه جاهلی به جامعه توحیدی، توسط رسول بزرگوار اسلام (ص)، درصدد طرح این نظریه است که پیامبر اسلام (ص) با تحول فرهنگی تمدنی جدید را بنا نهادند که قرن‌ها پرچمدار تمدن بشری بود. این مقاله با بررسی شرایط حضور اسلام در جزیره العرب و بررسی ابعاد مختلف جامعه جاهلی مشکل اساسی آن جامعه را مسایل فرهنگی میدانند. سپس به بیان تحولات ایجاد شده توسط پیامبر اسلام (ص) در جهت تغییر این فرهنگ می پردازد. در خلل مباحث، مبانی نظری نظریه تحول باطنی برای تغییرات اجتماعی بررسی می شود.

سرنوشت و بداء

از جمله معارف دینی مسأله «سرنوشت» و «بداء» می باشد. «سرنوشت» یعنی مقدراتی که قبلاً پیش بینی شده و در لوح محفوظ ثبت است. «بداء» یعنی تجدید نظر در مقدرات لوح محفوظ که نانوشته ای نوشته شود و یا نوشته ای پاک و زوده گردد. «لوح محفوظ» را «دفتر سرنوشت» هم می خوانند. «دفتر سرنوشت» تا حدی مورد قبول همگان است، اما عقیده ی «بداء» از ویژگی های مکتب تشیع است. چنان که در متن این

79 | Page

محمود صناعی پور خبره میان رشته ای ویاد گیرنده مادام العمر با بیش از 40 رشته تخصصی درموضوع حکمرانی ، رهبری ومدیریت ، بر اساس مدیریت بر مبنای دانش مفید UKRM

mahmoudsaneipour@gmail.com , www.elmemofid.com , mahmoud saneipour expert and longlife learning (LLL) learned man

UKRM=Useful Knowledge Rules Management

GLII= Governmental Leadership of Islamic Iran

USTM=Unificational Subscribes of Three Models

رساله خواهیم خواند، قرآن مجید درباره «بدا» صراحت کامل دارد. از آن صریح تر روایات اهل بیت پیامبر است که موضوع بدا را تأیید کرده اند و در انتشار آن کوشیده اند. شیعیان صدر اول به پیروی از اهل بیت پیامبر، در انتشار عقیده «بدا» سهم فراوانی دارند. در اثر همین تأیید و حمایت بود که مسأله «بدا» در شمار مسلم های مذهب شیعه قرار گرفت.

تغییر سرنوشت از نظر اهل سنت

موقعی که دانشمندان اهل سنت از موضوع «بدا» باخبر شدند، در مقام اعتراض و اشکال برآمدند. آنان گفتند:

«اگر عقیده بدا را بپذیریم، باید معتقد شویم که خداوند در اتخاذ تصمیم اول دچار لغزش و اشتباه شده است که اینک با حک و اصلاح، تصمیم خود را تغییر می دهد»

این اشکال در نظر برخی از دانشمندان اهل تشیع نیز تقویت شد و در نتیجه با اهل سنت همگام شدند. اما به خاطر شهرت و قاطعیت «بدا»، ناچار شدند که لفظ آن را باقی بگذارند؛ اما معنی آن را تحریف کردند. اشتباه اصلی در این است که حقایق قرآنی را دقیقاً برآورد نکرده اند و در نتیجه ناچار شده اند که حقایق را تحریف کنند. به این صورت که لفظ را بپذیرند، اما معنی اصیل آن لفظ را با معنی دیگری تبدیل و تعویض کنند. این عمل همان خیانتی است که به عنوان «تفسیر به رأی» مشهور شده است. (این نوشتار به موضوع سرنوشت و تغییر سرنوشت در قرآن کریم می پردازد و بر گرفته از مقاله ای است که تحت عنوان بداء و سرنوشت، همراه با مقاله ای دیگر در باب جبر و اختیار از استاد بهبودی در سال ۱۳۵۳ به چاپ رسیده است. این مقاله با اصلاحاتی سپس در کتاب معارف قرآنی منتشر گردید. تغییر سرنوشت در قرآن کریم ۲۲ آذر ۱۳۹۹ | مقالات | ۲ دیدگاه ها) (اشکالات دیگری از آئین تسنن مطرح شده است که وقعی به آنها گذاشته نشده است - مولف)

اختیار در تغییر سرنوشت (قرآن)

دایره و مرز های اختیار از صدر تا ذیل انسان براساس " تکلیف ، حقوق ، ایفای حق " تعیین شده است

اختیار انسان در تغییر سرنوشت خویش از مسائل مهمی است که قرآن بر آن صحه نهاده و انسان را مختار در تغییر سرنوشت خود می داند؛ همچنین قرآن علت بدفرجامی انسان ها را، ناشی از سوء اختیار انسان می داند.

تغییر سرنوشت با اراده علمی و مکانیسم های فناوری

برخی آیات قرآن تاکید بر اختیار و توانایی انسان برای تغییر سرنوشت خود دارند: ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم... «این کیفر (بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست)». «امام باقر علیه‌السلام درباره آیه» ان الله لا یغیر ما بقوم...» فرموده است: خداوند نعمتی را که به بنده اش می‌دهد، از او نمی‌گیرد تا این بنده مرتکب گناه، و سبب سلب نعمت شود [12] [13]، له معقبت من بین یدیه ومن خلفه یحفظونه من امر الله ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم و اذا اراد الله بقوم سوءا فلا مرد له وما لهم من دونه من وال. «برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود [14] ولو شاء الله لجعلهم امة وحدة ولكن یدخل من یشاء فی رحمته...» «و اگر خدا می‌خواست قطعا آنان را امته یگانه می‌گردانید لیکن هر که را بخواهد به رحمت خویش در می‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یآوری». (از این که خداوند نخواستهمگان به اجبار آیین واحدی داشته باشند، می‌توان استفاده کرد که انتخاب آیین و سرنوشت به اختیار انسان واگذار شده است). [15]

علت بدفرجامی انسان با دلایل قرآنی

بدفرجامی انسان‌ها، ناشی از سوء اختیار خود آنان می‌باشد و به این مهم در برخی از آیات، اشاره شده است:

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوة الدنیا کمثل ریح فیها صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلکته وما ظلمهم الله ولكن انفسهم یظلمون. «مثل آنچه (آنان) در زندگی این دنیا (در راه دشمنی با پیامبر) خرج می‌کنند همانند بادی است که در آن سرمای سختی است که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده بلکه آنان خود بر خویش ستم کرده‌اند [6] اولما اصبتکم مصیبة قد اصبتم مثلها قلتم انی هذا قل هو من عند انفسکم ان الله علی کل شیء قذیر، «آیا چون به شما (در نبرد احد) (مصیبتی رسید) (با آنکه در نبرد بدر) (دو برابرش را) (به دشمنان خود) رساندید گفتید این (مصیبت) (از کجا) (به ما رسید) بگو آن از خود شما (و ناشی از بی انضباطی خودتان) است آری خدا به هر چیزی تواناست [7] ذلک بما قدمت ایدیکم وان الله لیس بظلام للعبید. «این عقوبت (به خاطر کار و کردار پیشین شماست) (و گر نه) (خداوند هرگز نسبت به بندگان (خود) بیدادگر نیست)». «شان نزول آیه مربوط به غزوه احد است» [8]

[9] ولی آن مورد خصوصیتی ندارد و «من عند انفسکم» می‌تواند بیانگر یک امر کلی باشد [10] اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین • ولو شاء الله ما اشركوا وما جعلنک علیهم

حفیظا و ما انت علیهم بوکیل. «از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن هیچ معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان؛ و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم و تو وکیل آنان نیستی». [۱۱] [۱۲] و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون، «و این گونه برخی از ستمکاران را به (کیفر آنچه به دست می‌آوردند سرپرست برخی دیگر می‌گردانیم». [۱۳] ذلک ان لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و اهلها غفلون، «این (اتمام حجت) بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شهرها را به ستم نابوده نکرده در حالی که مردم آن غافل باشند». [۱۴] و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم شرکاؤهم لیردوهم ولیلبسوا علیهم دینهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما یفترون. «و این گونه برای بسیاری از مشرکان بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند پس ایشان را با آنچه به دروغ می‌سازند رها کن. [۱۵] با توجه به آیات مزبور و مشابه آن‌ها، از تاکید به تاثیر عملکرد انسان‌ها و ستم آنان به خویش از یک طرف، و نفی ظلم از خدا، از سوی دیگر، مطلب فوق قابل استفاده است. (الم یاتهم نبا الذین من قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابرهیم و اصحاب مدین و المؤمنة اتهم رسلم بالبینة فما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون. «آیا گزارش (حال) کسانی که پیش از آنان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده به ایشان نرسیده است پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می‌داشتند». [۱۶] ان الله لایظلم الناس شیئا ولکن الناس انفسهم یظلمون. «خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند لیکن مردم خود بر خویش ستم می‌کنند». [۱۷] هل ینظرون الا ان تاتیهم الملائكة او یاتی امر ربک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله ولکن کانوا انفسهم یظلمون. فاصابهم سیات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون. «آیا کافران (جز این که فرشتگان) جان ستان) به سویشان آیند یا فرمان پروردگارت (دایر بر عذابشان) در رسد انتظاری می‌برند کسانی که پیش از آنان بودند (نیز) این گونه رفتار کردند و خدا به ایشان ستم نکرد بلکه آنان به خود ستم می‌کردند؛ پس (کیفر) بدی‌هایی که کردند به آنان رسید و آنچه مسخره اش می‌کردند آنان را فرا گرفت». [۱۸] [۱۹] ان المجرمین فی عذاب جهنم خلدون. و ما ظلمنهم ولکن کانوا هم الظلمین. «بی گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند؛) عذاب (از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند». [۲۰] [۲۱] تمام ای فرامین به حکمرانی اسلامی با قدرت نرم و سخت و اگذار شده است، و نباید، مردم را مقصر دانست، در منظومه مقصرات حکومت اندارج شده و حکم آنها داده شده ولی در لوایح و طرح های نیامده است.

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۶ ↑
۲. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۶۲ ↑
۳. انفال/سوره ۸، آیه ۵۳ ↑
۴. رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۱ ↑

۵. [شوری/سوره ۴۲، آیه ۸](#) ↑
۶. [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۱۷](#) ↑
۷. [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۵](#) ↑
۸. [عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۰](#) ↑
۹. [نور الثقلین، ذیل آیه](#) ↑
۱۰. [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸۲](#) ↑
۱۱. [انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۶](#) ↑
۱۲. [انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۷](#) ↑
۱۳. [انعام/سوره ۶، آیه ۱۲۹](#) ↑
۱۴. [انعام/سوره ۶، آیه ۱۳۱](#) ↑
۱۵. [انعام/سوره ۶، آیه ۱۳۷](#) ↑
۱۶. [توبه/سوره ۹، آیه ۷۰](#) ↑
۱۷. [یونس/سوره ۱۰، آیه ۴۴](#) ↑
۱۸. [نحل/سوره ۱۶، آیه ۳۳](#) ↑
۱۹. [نحل/سوره ۱۶، آیه ۳۴](#) ↑
۲۰. [زخرف/سوره ۴۳، آیه ۷۴](#) ↑
۲۱. [زخرف/سوره ۴۳، آیه ۷۶](#) ↑

فقه پویا و اسلام مدرن چگونه بوجود می آید ؟

پویایی و بالندگی فقه

در حوزه‌های علمیه موجود، دانش فقه و اصول، محور و اساس آموزش‌ها را تشکیل می‌دهند و در مجموعه علوم و معارفی که از دیرباز در حوزه‌های علوم دینی رایج بوده است، از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردارند، به گونه‌ای که بیشترین وقت و بزرگترین سرمایه‌های مادی و معنوی صرف تحصیل و تحقیق آنها می‌شود. فقه و اصول نیز از نظر اهمیت در یک رتبه مساوی نیستند. علم اصول، با همه بزرگی و جایگاهی که دارد، خود به منزله وسیله و ابزاری است در خدمت فقه. بنابراین، در علوم حوزوی، اصالت از آن فقه است و دیگر علوم، یاجنبه مقدمی و آلی را برای تحصیل فقه دارند و یا در حاشیه کار اصلی، که تحصیل فقه است، به آنها پرداخته می‌شود. در اصطلاح (فضل) اندک در حقیقت، فراگیری و آموختن آنها افزون بر هدف اصلی است و بر دانش و اطلاعات انسان می‌افزاید. البته در شمار آن دسته از علوم، که به عنوان مقدمه فقه باید فراگرفت و نیز در میزان مهارت و تسلط بر هر یک از آنها، نظر واحدی وجود ندارد²، ولی این نکته روشن است که تحصیل آنها در حوزه، هدف نیست؛ بلکه تنها در جهت تحقق هدف اصلی و فراهم آوردن زمینه لازم برای تحصیل فقه، مورد توجه قرار می‌گیرند.

با این حال، به نظر می‌رسد که دست کم، در سده اخیر، فقه رشد و تکامل شایسته‌ای نداشته است): همه رشته‌ها در فقهت هضم شده و خود رشته فقه هم در مجرای افتاده که از صد سال پیش به این طرف از تکامل باز ایستاده است. 3) رهبر معظم انقلاب اسلامی، در سفر پر برکت اخیرشان به قم و در دیدار با علمای حوزه، نگرانی خویش را از سستی و رکودی که بر علوم حوزوی، بویژه فقه حاکم است، ابراز داشتند و حوزویان را به تلاش بیشتر برای بالنده ساختن فقه و فقهت به گونه‌ای که در حقیقت بتواند (تئوری اداره واقعی و کامل انسان و اجتماع از گهواره تا گور باشد) و نیازهای گونه‌گون اجتماعی و حکومتی و مسائل و موضوع‌های نو پیدا را پاسخ‌گو باشد، فراخواندند. 5. در این نوشتار، سعی شده است با مروری گذرا بر نقاط قوت و ضعف، انگیزه‌ها و بازدارنده‌های بالندگی فقه و فقهت در سده اخیر نموده شود و راه‌های درمان این درد مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. در همین راستا ناگزیر به سیر رشد و تکامل فقه در سده‌های گذشته، به گونه‌ای گذرا اشاره شده است.

نگاهی به پیشینه علم فقه

پیشینه علم فقه، به پیشینه اسلام بر می‌گردد. در زمان پیامبر (ص)، مأمورانی که برای تعلیم تازه مسلمانان، به مناطق دور دست، همچون حبشه و یمن و حضرموت رخ می‌کشیدند و یا از جانب آن حضرت که به مأموریت‌های نظامی و سیاسی گسیل می‌شدند، وظیفه داشتند در حوزه مأموریت خویش، احکام اسلام را برای مردم بیان کنند و مسائل و مشکلات آنان را با تکیه بر درک و فهم خویش از آیات قرآن و سخنانی که از پیامبر (ص) فرا گرفته بودند و با آنچه از اعمال و رفتار پیامبر دیده بودند، حل کنند. روشن است که عمل این اصحاب، به گونه‌ای، اجتهاد و استنباط احکام دین به شمار می‌آمد، هر چند اجتهاد و تفقه آنان بسیار ساده و ابتدایی بود. بعدها در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) فهم و تبیین احکام دین و پاسخ‌گویی به مسائل دینی مردم، از جمله وظایف استانداران و کارگزارانی قرار گرفت که آن حضرت به مناطق گوناگون کشور اسلامی اعزام می‌کرد. 7. در دوره‌های بعدی و در عصر امام باقر و امام صادق (ع) و... فقه و فقهت در میان اصحاب، رشد چشم‌گیری یافت و برخی قواعد فقهی و اصول اجتهادی نیز، به کار گرفته شد. البته به گونه ساده که از فهم نصوص فراتر نمی‌رفت. بسیاری از این فرع‌های فقهی که اکنون در کتاب‌های فقهی شاخ و برگ گسترده‌اند، در آن زمان نبودند. در آغاز عصر غیبت، که نخستین کتاب‌های فقهی استدلالی شیعه، توسط ابن ابی عقیل عمانی (م: 350 ه.ق.)، ابن جنید اسکافی (م: 381 ه.ق.)، شیخ مفید (413 - 336 ه.ق.) و... نگاشته شدند، بسیار مختصر و کم حجم بودند. حتی در سده‌های بعد و تا زمان شیخ طوسی، کتاب‌های فقهی ما با این که یک دوره کامل فقه را در بردارند، شمار صفحه‌های آنها از چند صد صفحه معمولی، فراتر نمی‌رود. کم کم در سده‌های بعدی، دانش فقه نیز، پا به پای علوم دیگر،

رشد یافت و فرع‌های بسیاری توسط فقهای بزرگ، چون: محقق، علامه، شهیدین و... بر آن افزوده شدند و مسائل جدیدی که برای مردم و جامعه در زوایای گوناگون زندگی پیش می‌آمد و مورد بحث و بررسی فقیهان قرار می‌گرفت، کم‌کم، وارد فقه شدند و تا حدود زیادی بر حجم و گسترده فقه افزوده شد. خوشبختانه سیر حرکت تکاملی فقه در روزگاران گذشته، از شتاب مناسبی برخوردار بوده و دانش فقه را غنای فراوان بخشیده است. بررسی کتاب‌های فقهی در دوره‌های پیشین، نشان می‌دهد که به مرور زمان و برابر نیازهای مردم، مسائل جدیدی وارد فقه شده است و کم‌کم بر حجم و غنای فقه افزوده شده است. فقها در مقام پاسخ‌گویی به مسائل نوپیدا، که برای مسلمانان پیش می‌آمده و نیز پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که مطرح می‌شده است، دامنه استخراج فرع‌ها و مسأله‌ها را از اصل، تا حدود زیادی گسترش داده‌اند، به گونه‌ای که صاحب جواهر به زحمت توانست یک دوره فقه را با صرف تقریباً یک عمر طولانی در کتاب (جواهر) گرد آورد. افزون شدن و گسترش یافتن فروع فقهی، باز هم در سال‌های بعد و پس از فوت صاحب جواهر، ادامه یافت و شیخ انصاری و پس از ایشان دیگران، تا به امروز، هر یک به سهم خود بر حجم و دامنه فقه افزوده‌اند. بنابراین، علم فقه همراه و بلکه پیشاپیش دیگر علوم اسلامی مسیر رشد و کمال را پیموده است و اکنون به صورت گنجینه‌ای ارزشمند و پایان‌ناپذیر و دربردارنده انبوه پرشماری از مسائل و فروع فقهی، در دست حوزویان است.

رشد کیفی فقه

رشد و گسترش فقه، تنها به زیاد شدن حجم کتاب‌های فقهی و چندین برابر شدن باب‌ها و فرع‌های فقهی نبوده است، بلکه در برابر و همپای رشد کمی و زیاد شدن مسأله‌ها و فرع‌های آن، رشد کیفی نیز داشته است و شیوه‌های استدلال و اجتهاد و استخراج احکام از منابع در طول این مدت تکامل یافته‌اند. هر چند در همه ادوار گذشته، رشد کیفی، سیر یکسانی نداشته است و در برخی برهه‌های تاریخی، دستخوش سستی نیز می‌شده است. در مجموع می‌توان گفت: رشد کیفی فقه پا به پای رشد کمی و بلکه پیش‌تر از آن پیش آمده و هیچ‌گاه از حرکت باز نایستاده است؛ زیرا فقهای شیعه همپای با زمان حرکت کرده‌اند و به موضوع‌های بسیار و پرسش‌هایی که برای امت اسلامی پیش می‌آمده است، پاسخ می‌داده‌اند و راه حل‌های فقهی مناسب و راه‌گشایی ارائه می‌داده‌اند و هیچ مسأله‌ای را بی پاسخ نمی‌گذاشته‌اند. افزون بر این، بسیاری از موضوع‌ها و مسائلی که ذهن پویای آنان، پدید آمدن آنها را تصور می‌کرده‌اند نیز به بوته بحث و بررسی قرار می‌داده‌اند و حکم آنها را روشن می‌کرده‌اند و شیوه‌ها و راه‌های جدیدی در باب استنباط احکام می‌گشوده‌اند. نوآوری شماری از فقیهان پیشین، تا آن پایه از اهمیت بوده که گاه، انقلابی در پاره‌ای از باب‌های فقه پدید می‌آورده است. مثل، وقتی که علامه حلی، پس از چندین قرن که فقیهان شیعه، فتوا به

نجس شدن آب چاه به صرف ملاقات با نجس می‌دادند، با مطالعه درباره موضوع، فتوا به نجس نبودن آن می‌دهد، یک تحول عظیمی در باب طهارت، پدید می‌آورد. این دیدگاه، چنان استوار عرضه می‌شود که فقیهان پس از وی، نسل پس از نسل آن را تأیید می‌کنند. 8. فقیهان نوآوری چون: ابن ادریس، شهید اول و دوم، محقق کرکی، محقق اردبیلی، میرزای قمی، شیخ انصاری و... هر یک در عصر خویش شیوه‌های خاص خود را داشته‌اند و با ارائه روش‌های جدید، آثار ارزشمندی را پدید آورده‌اند و فقه را بالنده ساخته‌اند. برخی از اینان، که به گونه‌ای با حکومت‌های روزگار خویش، در ارتباط بوده‌اند و به طور طبیعی با موضوع‌های نوپیدا در عرصه حکومت و اجتماع رو به رو بوده‌اند، مسائل اجتماعی و حکومتی را نیز به بهترین گونه پاسخ داده‌اند.

فقه در روزگار ما

اکنون فقه، موقعیت بالایی در حوزه‌ها دارد. بسیاری عالمانی که در کار تدریس، تالیف و روشنگری مسائل فقهی، روزان و شبان تلاش می‌ورزند. باین همه، به نظر می‌رسد رشد کیفی فقه و فقاقت، به عبارت دیگر، بالندگی و پویایی فقه در حوزه‌های علمیه، در حد انتظار نیست و به گفته شهید مطهری (رشته فقه هم، در مجرای افتاده که از صد سال پیش به این طرف، از تکامل باز ایستاده است. 9). بله، فقیهان زمان ما، روی همان مسائل می‌اندیشند و کار می‌کنند که پیشینیان اندیشیده‌اند و کار کرده‌اند و در حقیقت، در چهارچوب مسائل گذشته محصور و محدود مانده‌اند. از مدتها پیش، بلکه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، فقیهان آگاه به این مشکل پی برده بودند و در صدد تحرک بخشیدن به سیر تکاملی فقه و فقاقت بر آمده‌اند. امام خمینی، بارها کوشید تا این ایستایی را در حوزه فقه و فقاقت، به پویش و تپش وادارد و فقیهان را به ارائه دیدگاه‌های فقهی خویش، در مسائل نوپیدای حکومتی - اجتماعی و حوادث و پدیده‌هایی که بیشتر معلول رشد پرشتاب علم و تکنولوژی در جهان امروز است، فراخواند و آنان را از پیامدهای ناگواری که امکان دارد در اثر بر کنار ماندن از مسائل سیاسی و اجتماعی و نادیده گرفتن واقعیت‌های زندگی امروز و نپرداختن به گشودن سریع و جدی مشکلات مردم پدیداید، برحذر داشت.

معنای بالندگی فقه

اکنون که به بالنده نبودن فقه در عصر حاضر اشاره شد، بهتر است ببینیم (بالندگی) به چه معناست؟ منظور از بالندگی و یا نابلندگی فقه چیست؟ واژه (بالندگی) به معنای رشد و نمو است. حرکت و رشدی

که رو به سوی رشد و کمال داشته باشد، بالندگی نام می‌گیرد. بر این اساس، هر حرکت و رشدی، (بالندگی) نیست. بالندگی در فقه، یعنی دانش فقه از چنان حیات و رشدی برخوردار باشد که بتواند همپا و بلکه پیشاپیش کاروان علم حرکت کند و آن به آن، افق‌های جدیدی را فرا روی مشتاقان بگشاید و به مسائل و مشکلات جهان اسلام و حوادث واقعه و نیازهای فقهی در عرصه حکومت، سیاست، اقتصاد، هنر، فرهنگ، اجتماع و... به گونه شایسته پاسخ گوید و تکلیف همگان را روشن کند. پس، بالندگی فقه، به این نیست که رشد و نمو داشته باشد و مثلاً بر حجم و یا فرع‌ها و مسائل آن افزوده شود. بالندگی فقه به آن است که این رشد در جهت کمال فقه و فقاقت باشد و بر توانایی آن در بر طرف کردن دشواری‌ها بیفزاید. افزون بر فقه، روش‌های استنباط احکام و متدهای اجتهادی نیز، همواره، نیاز به حرکت تکاملی دارند و نباید هیچ گاه از حرکت بازایستند. نباید فکر کرد که دیگر همه شیوه‌های اجتهادی بیان شده است و راه‌ها و روش‌های بهتر از این نمی‌شود پدید آورد. فقهای اسلام، تنها در سایه پیشرفت فقاقت و به کارگیری طرح‌های آسان‌تر، دقیق‌تر و جامع‌تر برای استخراج احکام است که می‌توانند به دستاوردهای عالی‌تر و جدیدتری دست یابند، چنانکه در گذشته نیز، همراه با تکامل فقه، شیوه‌های استنباط هم تکامل یافته‌اند.

امروز، در شرایطی که بشر در عرصه‌های گوناگون به پیش رفته و گام‌های جدی در عرصه زندگی برداشته است و روز به روز بر دامنه دانش و آگاهی‌های خویش افزوده، فقه، توانایی خویش را در پاسخ‌گویی به نیازها و پیشتازی در عرصه‌های گوناگون زندگی نشان نداده است. رهبر انقلاب، ضمن بر شمردن نارسایی‌های حوزه‌های علمیه در عصر حاضر، به شدت از وضعیت موجود فقه و فقاقت ابراز نگرانی می‌کند: (علت اول این است که فقه، که کار اصلی ماست، به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف‌اینها را معلوم کند، ولی معلوم نکرده است. فقه توانایی دارد، لکن روال کار طوری بوده که فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است. 10(بله، فقه، بر خلاف توانایی و پرمایگی که دارد، به بسیاری از نیازهای روز، پاسخ نگفته است. اکنون، هزارها موضوع جدید فردی، اجتماعی، حکومتی و... وجود دارد که هنوز در بوته نقد و بررسی فقه، قرار نگرفته‌اند. شگفت‌این که باین همه نیازها و پی بردن به این که نیازهایی از این دست، باید توسط حوزه‌ها و فقیهان برآورده بشود و هشدارهای پیاپی امام و مقام معظم رهبری و دیگر اهل نظر، تاکنون نه از سوی حوزه‌ها و نه از سوی فقیهان، حرکتی جدی و اساسی انجام پذیرفته و کسی به این فکر نیفتاده که باید برای گشودن این گره‌ها فکری کرد. هنوز، بسیاری از مجتهدان و استادان، ترجیح می‌دهند که به تدریس کتاب‌های صلات، طهارت، نکاح، طلاق و... بپردازند. متأسفانه آن گونه که انتظار می‌رفت، صاحب نظران حوزه به تدریس و تحقیق درباره مسائل مورد نیاز و ابتلای جامعه و حکومت و حلّ دشواری‌های فقهی، روی نیاوردند.

فراگیری و گستردگی فقه

بر کنار بودن حوزه از حکومت و سیاست در سده‌های گذشته، سبب شده که فقه در دایره بسته‌ای قرار گیرد و قلمرو کار فقیه، تنها به روشنگری مسائل عبادی و تنظیم رابطه فرد با خدا محدود شود و جزاین، بیرون از حوزه و قلمرو کاری فقیه به شماراید. رگه‌هایی از این محدودنگری در فقه، اکنون نیز در حوزه‌های علمیه به چشم می‌خورد و در گوشه و کنار هستند فقیهانی که در همان راه (جدایی دین از سیاست) و به طور طبیعی، محدود دانستن فقه به امور عبادی و فردی، حرکت می‌کنند، حال آن که فقه علم به احکام دین است و احکام دین، گستره‌ای بس فراگیر دارد و همه زوایای زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی انسان را در بر می‌گیرد. اسلام، دین زندگی است و عالی‌ترین و کامل‌ترین برنامه تعالی و تکامل انسان را عرضه کرده است و می‌خواهد با حاکم ساختن دین خدا بر زوایای گوناگون زندگی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، این برنامه را تحقق بخشد. روشن است که برقراری حکومت، چیزی جز عینیت بخشیدن به همه زوایای فقه نیست و حاکمیت بخشیدن دین الهی در جهان و رساندن انسان به کمال شایسته، در اساس، با محدود بودن فقه و منحصر ساختن آن، تنها به امور عبادی و فردی جور در نمی‌آید. فقه، باید از چنان گستردگی برخوردار باشد که بتواند تمامی زوایای زندگی فردی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حکومتی انسان را دربرگیرد. در حقیقت، تلاش استکبار جهانی برای جا انداختن تفکر (جدایی دین از سیاست) در کشورهای اسلامی و حوزه‌های علوم دینی، برای جلوگیری از تحقق حاکمیت اسلام و عملی شدن برنامه‌های بلند آن است. افزون بر این، فقه، موضوع علم فقه را افعال مکلفان می‌داند. فعل مکلف، محدود به افعال خاصی نیست، بلکه همه افعال و همه شؤون فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد و این نیز، ایجاب می‌کند که فقه، چنان گسترده باشد که هر حادثه و پدیده‌ای در عرصه زندگی انسان رخ دهد، تکلیف آن را روشن کند.

بازدارنده‌های بالندگی فقه

اکنون که به گونه‌ای گذرا به وضعیت موجود فقه اشاره گردید و روشن شد که فقه و فقاقت دچار سستی و رخوت شده، لازم است به پاره‌ای از عواملی که سبب این سستی شده‌اند، اشاره کنیم:

1. **گریز از رو در رویی با مسائل روز:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آماده شدن زمینه‌ها. انتظار

می‌رفت حوزه به مقتضای رسالتی که بر دوش دارد، به استقبال مسائل نوپیدا بشتابد و به محض پدید آمدن هر موضوع و مسأله‌ای، بابتی جدید در مباحث فقهی برای آن بگشاید و به صورت جدی به دنبال حل و فصل و یافتن پاسخ مناسب و درست برای آن برود و در عمل، توانمندی فقه شیعیه را به اثبات برساند، ولی به نظر می‌رسد که نوعی بی میلی در میان فقها نسبت به طرح این گونه مباحث احساس می‌شود و به جای آن که به استقبال موضوع‌های نوپیدا بشتابند، از رو در رویی با آن سرباز می‌زنند. این بی گرايشی و خودداری از وارد شدن به مباحث نو و میدان‌هایی که هنوز فتح نشده‌اند، به هر دلیلی که باشد، پذیرفته نیست و به سهم خود در گُند کردن حرکت تکاملی فقه و سست کردن قدرت و بالندگی آن مؤثر است.

2. **نارسایی کتاب‌های درسی:** متون آموزشی هر علمی، در رکود و یا بالندگی آن تأثیر فراوانی دارند؛ زیرا همین شیوه‌های آموزشی و گونه ورود و خروج از مطلب و تفهیم قواعد و نکته‌های آموزشی هستند که ساختار فکری و اسلوب نگرش طالبان علم را به مسائل تعیین می‌کنند. آموزش فقه نیز از این قاعده جدا نیست. دو کتاب فقهی که در حوزه‌ها تدریس می‌شوند: شرح لمعه و مکاسب، با همه غنایی که دارند، نمی‌توانند متن آموزشی باشند. شهید و شیخ، چنین منظوری از نگاشتن آن کتاب‌ها نداشته‌اند.

3. فقدان دانش خبرگی میان رشته و فرارشته ای در حوزه (به تعالیم 114 گانه مراجعه شود)

شهید ثانی، در حدود پنج قرن پیش در شرایط نامساعد حاکمیت استبداد، شرح لمعه را در شرح کتاب لمعه شهید اول، نگاشته است، از این روی، عبارات آن پیچیده و دشوار یاب است که نمی‌تواند به کار آموزشی بیاید. مکاسب نیز، که محصول افکار بلند شیخ مرتضی انصاری است، در حقیقت یادداشت‌های درس خارج ایشان بوده و بسان شرح لمعه، ویژگی‌های متن آموزشی را ندارد. شاید گفته شود، متن‌های آموزشی فقه و کتاب‌هایی مانند شرح لمعه و مکاسب، در سطوح ابتدایی و متوسطه آموزش فقه، مورد استفاده قرار می‌گیرند و حال آن که بخش اعظم آموزش فقه، در مقطع خارج است که متن مشخص ندارد، از این روی متن‌های آموزشی فقه، تأثیر چندانی در نابالندگی فقه ندارند. باید توجه داشت که آموزش‌های سال‌های نخست، حکم خشت اول را دارند و درس‌های خارج، در هر صورت، همان پایه‌ها و آموخته‌های متون درسی استوار می‌گردند. اهمیت کتاب‌های شرح لمعه و مکاسب در ساختار فکری طالبان و آشنایی آنان با روش‌ها و با استفاده درست از منابع و به کارگیری قواعد فقهی و اصولی، قابل انکار نیست. هر چند درس خارج نیز، باید دارای معیارها و ملاک‌های آموزشی باشد

4. **پرداختن بیش از اندازه به اصول:** علم اصول، ابزار استنباط احکام است. شکی نیست که مهارت در

فهم قواعد اصولی، دسترسی و بهره‌گیری از منابع احکام را آسان می‌کند و قدرت اجتهادی فقیه را بالا می‌برد. توجه و اهتمام حوزه‌های علمیه به بحث‌های عمیق اصولی در سده‌های گذشته نیز، روشن‌گر همین نکته است. ولی از آن جا که دانستن علم اصول هدف نیست، بلکه ابزاری است که فقیه را در دستیابی به احکام به کار می‌آید، باید مراقب بود که پرداختن بیش از اندازه لازم و وارد شدن در بحث‌های حاشیه‌ای اصول، که هیچ کاربردی هم در فقه ندارند و یا کاربرد بسیار کمی دارند، ما را از رسیدن به هدف، که تفقه در دین باشد، باز ندارند. پرداختن به مسائل علم اصول در سال‌های اخیر، به قدری در حوزه‌های علمیه زیاد شده است که ده‌ها و صدها مسأله صرفاً (فرضی) که زائیده ذهن پویای اصولیان است و هیچ کاربردی ندارند، جا را بر هر اندیشه نو و ابتکاری تنگ کرده‌اند و حوزه‌ها را از پرداختن به مسائل اصلی و واقعی و حوزویان را از واقع بینی بازداشته‌اند¹¹. آقای بروجردی، که از فقهای بزرگ صاحب سبک و نوآور در سده اخیر است، به خاطر پرهیز از همین نکته، با این که تبحر فوق العاده‌ای در اصول داشت، کمتر مسائل فقهی را بر مسائل اصولی مبتنی می‌کرد و هرگز، به مسائل فرضی نمی‌پرداخت. 12 متأسفانه در روزگار ما، بی حد و حصر، در حوزه‌ها، به بررسی مسائل فرضی در مباحث علم اصول، آن هم در بحث‌هایی چون: علم اجمالی، استصحاب کلی قسم ثالث و رابع و... که هیچ ثمره عملی و فقهی ندارند، پرداخته می‌شود که این، عاملی است مهم در رکود فقه و بازداشتن فقیهان و اصولیان از نگاه جدی به مسائل جدید. 4. مباحث غیر لازم فقه: توان‌ها و دقت‌ها و ریزبینی‌ها و نکته‌سنجی‌ها در سده اخیر، بیشتر به فرع‌ها و بخش‌هایی از فقه متوجه شده که به طور کلی، بیگانه از مسائل روزمره زندگی و موضوع‌های با اهمیت و کارساز در جامعه است و این کلاف، چنان پیچیده شده که فقیهان ما را از تفکر در باب مسائل نوپید، بازداشته است. در روزگار ما، فقیهان در کتاب‌های فقهی خود و در درس‌های خارج، به شرح موضوع‌هایی می‌پردازند و حاشیه بر حاشیه‌هایی می‌زنند و بر شمار اشکال‌هایی می‌افزایند و جواب از اشکال‌هایی می‌دهند و اشکال بر اشکال‌هایی می‌کنند که نه فقه را به کار می‌آید و نه جامعه را. جز وقت‌گذرانی و اظهار فضل هیچ چیز دربر ندارد. وقتی از اینان، از این کار بیهوده پرسش می‌شود، پاسخ می‌دهند درست است که این گونه بحث‌ها فایده عملی ندارند، ولی فایده‌های علمی بسیار دارند. این گونه بحثه، باید بسان گذشته و بلکه قوی‌تر خوانده شوند، تا ذهن و فکر طلاب، دانشوران و طالبان علم، باز شده و اهل نقد و بحث شوند. روشن است که می‌شود با مباحث جدید و مورد نیاز، فکر و ذهن طالبان علم را پرورش داد. بویژه که با طرح مسائل نوپیدا، مجتهد باید در پی دلایلی بگردد و از راه‌هایی به نیازهای فقهی روز پاسخ بدهد که در گذشته سابقه نداشته و این، بهتر می‌تواند ذهن و فکر افراد را پرورش دهد و راه‌های جدید را برای کشف مسائل بنمایاند.

عوامل بالندگی فقه

در بخش‌های نخست، وضعیت موجود حوزه را از نظر گذرانیدیم و به پاره‌ای از عوامل رکود فقه در عصر حاضر، اشاره کردیم و با اشاره به موضوع‌ها و مسائل بر جای مانده و نقاط ضعف و نارسایی‌ها، نابالندگی فقه را در حل دشواری‌های اجتماعی و حکومتی و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید مردم، یادآور شدیم. اکنون ببینیم برای پایان دادن به این وضع چه باید کرد؟ چه ابزار و روش‌هایی را حوزه باید به کار گیرد، تا بار دیگر فقه و فقاہت و دیگر دانش‌های حوزوی، کمال و پویایی مورد انتظار را به دست آورند. به عبارت دیگر، برای این که فقه و فقاہت، بتوانند همراه با زمان، بلکه پیش‌تر از زمان حرکت کنند و در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها، راه حل‌های مناسب ارائه دهند چه باید کرد؟ پاسخ این پرسش بخش‌های فراوانی دارد که بخشی از آن به وضعیت ساختار اداری و سازمان و تشکیلات حوزه و بخشی از آن به برقراری نظم و برنامه در حوزه‌ها، ساماندهی کارهای تحقیقاتی، اصلاح نظام آموزشی، تدوین کتابهای درسی، بالا بردن دانش اجتماعی حوزویان و... بر می‌گردد که بحث در همه این زمینه‌ها از موضوع و نیز حوصله این نوشتار بیرون است. در این جا، تنها به برخی از این بخشها که به بالندگی دانش فقه، ربط پیدا می‌کنند، به گونه‌ای گذرا اشاره می‌کنیم و عواملی را که اگر به کار گرفته شوند، سبب رشد و بالندگی فقه و فقاہت فراهم خواهد آمد، به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

1. استفاده از روشهای جدید علمی و فناوری

پیش از این گفتیم که در روزگار گذشته، همراه رشد و گسترش فقه، شیوه‌ها و روشهای اجتهاد و استنباط نیز رشد داشته‌اند. در حقیقت، همواره، پدید آمدن روشهای نو، در استفاده از منابع و صدور فتوا، در رشد و بالندگی، تأثیرگذار بوده‌اند از این روی هر گاه پنداشته شده که شیوه‌های موجود، کامل و بی‌کم و کاستند و دیگر راه‌هایی بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، نمی‌توان برای استنباط احکام پیدا کرد، فقه دچار رکود شده است. روشهای استفاده از منابع فقهی، یا همان فقاہت نیز، همچون خود فقه همواره باید رو به کمال باشند و نباید هیچ‌گاه به پندار این که کامل هستند و بی‌کم و کاست از حرکت تکاملی بازایستند. بر همین اساس، در هر برهه‌ای که فقهی دست به ابتکار و نوآوری زده و با به کار گرفتن شیوه‌های جدید بر رشد فقاہت و شمار روشهای استنباط افزوده است، به میزان درخوری در فقه بالندگی و تحرک ایجاد شده و گاه آغاز یک تحول مهم در مسیر تکامل فقه گردیده است. بر همین اساس، اگر مثلاً سیر تکاملی فقه را به چند دوره تقسیم کنیم، می‌بینیم در رأس هر دوره‌ای فقهی نوآور مانند ابن ابی عقیل، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن ادریس حلی، علامه حلی، شهیدین، محقق کرکی، وحید بهبهانی، شیخ انصاری، آقای بروجردی و... قرار دارند که هر کدام با پدید آوردن روشهای جدید و یا کامل ساختن شیوه‌های پیشین اجتهاد، به رشد و

بالندگی فقه کمک شایانی کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب، با اشاره به ضرورت تکامل فقاقت و کامل ساختن شیوه‌های استنباط می‌گوید: (... فقاقت، یعنی شیوه استنباط. خود این هم به پیشرفت احتیاج دارد. این که چیز کاملی نیست، بلکه متکامل است. نمی‌شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قله فقاقت رسیده‌ایم و این شیوه دیگر بهتر از این نخواهد شد. نه، از کجا معلوم است؟ شیخ طوسی ملای به آن عظمت، فقاقت داشت. فتاوی‌ایشان را در یک مسأله فقهی ببینید. امروز کدام مجتهد حاضر است آن گونه بحث کند؟ آن فتاوا ساده و سطحی است. مجتهد امروز، هرگز راضی نمی‌شود آن طور کار کند و استنباط نماید. فقاقت در دورهای متعدد تکامل پیدا کرده است... چه دلیلی دارد که فضلا و بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه، بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بس، خیلی از مسائل، مسائل دیگر را در بر بگیرد و خیلی از نتایج عوض گردد و خیلی از روش‌ها دگرگون شود. روش‌ها که عوض شد، جوابهای مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه طور دیگری می‌شود. این، از جمله کارهایی است که باید بشود. 13) عظمت و توانمندی فقه‌های گذشته، هیچ گاه نباید این تصور را در حوزه‌های علمیه ایجاد کند که آن بزرگواران در همه زمینه‌های فقهی حرف آخر را زده‌اند و بهتر و کامل‌تر از شیوه‌های اجتهادی و فقاقتی آنان وجود ندارد. اگر بزرگی شیخ انصاری و صاحب جواهر و... موجب گردد که فقها جرأت و جسارت این را پیدا نکنند که در برابر نظر آنان نظر بدهند و شیوه‌ها و راه‌های غیر از شیوه‌های استنباطی آن بزرگواران را به کار گیرند و امتحان کنند، مسلم رکود و ایستایی فقه و فقاقت امری اجتناب ناپذیر است. نتیجه چنین نگرش و تصویری آن می‌شود که فقیهان موجود، همه توان خویش را به کار گیرند که رأی پیشینیان را بفهمند و همان را اوج فقاقت به شمار آورند و کم‌تر به فکر نوآوری و کشف راه‌های جدید و کامل ساختن شیوه‌های فقاقت باشند.

شهید مطهری می‌نویسد:

(... چاره‌ای نیست، اگر مدعی هستیم که فقه ما نیز یکی از علوم واقعی دنیا است، باید از اسلوبهایی که در سایر علوم پیروی می‌شود پیروی کنیم، اگر پیروی نکنیم معنایش این است که از ردیف علوم خارج است 14). واقعیت این است که در وضعیت موجود حوزه‌های علمیه، فقیهان و محققان بیشتر به تعمیق و تحقق همان مسائلی می‌پردازند که فقه‌های پیشین به آن ژرفا بخشیده‌اند. در اجتهاد و استنباط همان روش‌ها و راه‌هایی را می‌پیمایند که بارها پیموده شده است. روشن است که چنین وضعی نمی‌تواند به رشد و بالندگی فقه و تکامل شیوه‌های فقاقت بینجامد. فقه‌های امروز با فکر بازتر و نگرشی ژرف‌تر و گسترده‌تر باید آفاق دیگری را کشف کنند، از ابزار و راه‌های دیگری کمک بگیرند و از همه مهم‌تر، این همه را در پرتو روح کلی فقه و اصول کلی و مسلمی همچون: (اهمیت و مصلحت نظام)، (جامعیت فقه) و آرمان بلند

(تئوری اداره انسانها از گهواره تا گور) مورد بررسی و ارزیابی دوباره قرار دهند، تا رشد و بالندگی در عرصه فقه و فقهت پدید آید. ممکن است برخی تصور کنند که به کارگیری چنین روش‌هایی با (فقه سنتی) و (شیوه پیشینیان) و (اجتهاد جواهری) که بارها از سوی امام راحل، مورد توصیه و تاکید قرار گرفته است، ناسازگاری دارد، ولی با توجه به توضیحی که دادیم، جای چنین تصویری باقی نمی‌ماند؛ زیرا (اجتهاد جواهری) خود در راستای همین هدف و با استفاده از شیوه‌های فقهت جدید در عصر خویش، درخشیده است. شیوه پیشینیان، در طول تاریخ فقهت، همواره بر پیدا کردن و گشودن آفاق جدید و بالنده ساختن فقه استوار بوده است. البته این حرکت در بعضی برهه‌ها، مثل عصر علامه و شیخ انصاری شتاب بیشتری داشته و در برخی برهه‌ها مانند روزگار ما، شتاب لازم و مورد انتظار را نداشته است. افزون بر این، باید توجه داشت که امام خمینی، از یک طرف بر فقه سنتی و اجتهاد جواهری و لزوم ادامه راه پیشینیان تأکید ورزید و از سوی دیگر، اجتهاد مصطلح در حوزه‌های علمیه را کافی ندانست و نقش زمان و مکان را در احکام مورد توجه قرار داد و بر ضرورت استفاده از روش‌های جدید فقهت تأکید کرد؛ در عین این که از اجتهاد جواهری به صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روش‌های جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی، استفاده گردد. 15 (بنابراین، استفاده از روش‌های جدید در حوزه فقه و فقهت، یکی از عواملی است که به رشد و بالندگی فقه کمک می‌کند و این وظیفه حوزه است که با بررسیها و پیگیریهای کارشناسانه، روش‌های جدید را شناسایی کند و از محاسن آن در مسیر رشد و تعالی فقه بهره گیرد.

2. همفکری و تبادل آراء با خبرگان میان رشته ای

اختلاف آرای دانشمندان و صاحب نظران، اگر آلوده به غرضهای شیطنانی نباشد، یکی از مهم ترین عوامل پیشرفت علوم است. این که در حدیث معروف نبوی (اختلاف امتی رحمة 16) از اختلاف میان امت، به عنوان (رحمت) یاد شده است، گویا بیانگر همین مطلب باشد. اختلاف آراء بین دانشمندان در علوم مختلف اسلامی، بویژه علم شریف فقه، که شایسته‌ترین علم است و همین طور سنت حسنه مباحثه‌ها و مناظره‌های گرم علمی بین طلاب، صاحب نظران و محققان علوم حوزوی، معمول بوده و هست. در میان اصحاب ائمه (ع)، بسیار اتفاق می‌افتاد که افرادی همچون زراره، محمدبن مسلم، ابابصیر و... بر سر مسائل فقهی با امامان معصوم (ع) به مباحثه می‌پرداختند و اشکالاتی که به نظرشان می‌رسید مطرح می‌کردند. امامان (ع) با میدان دادن به اصحاب برای بازگویی دیدگاههای خویش، در حقیقت شیوه تبادل آراء و اهمیت آن را در رشد و بالندگی علوم به آنان آموزش داده‌اند. افزون بر این، اصحاب خود را به گفت و گوهای علمی سفارش می‌کردند. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب. (17)

دیدگاهها را کنار هم نهید و برخی را بر برخی دیگر عرضه کنید، تا رأی و نظر صحیح پدید آید. یا می‌فرماید: (امخضوا الرأی مخض السقاء ينتج سدید الأراء. 18) رأی‌ها را همچون ماستی که برای به دست آوردن کره در میان مشک می‌ریزند و می‌زنند، به یکدیگر بزیند تا در اثر برخورد اندیشه‌ها، نظر درست و متقن به دست آید. از این روی، اصل برخورد آراء و اندیشه‌ها، به عنوان عاملی مهم در رسیدن به آرای متقن و رشد و تعالی دانشهای اسلامی، بویژه فقه، همواره مورد توجه امامان (ع) و اصحاب آن بزرگواران بوده است. بی گمان، گفت و گوهای علمی و ردّ و ابرام آرای پیشینیان و پسینیان و برخورد آراء در حوزه‌های شیعه، به رشد و بالندگی فقه و دیگر علوم کمک شایانی کرده است. البته سنت حسنه (مباحثه) بیشتر میان طلاب و فاضلان جوان حوزه رایج است و متأسفانه در سطوح عالی و در میان فقیهان و مجتهدان رواج ندارد. معمول نیست که فقهای برجسته، بویژه اصحاب فتوا، در یک جا گرد آیند و آرای خویش را در فرعهای مختلف فقهی و مسائل و موضوعهایی که نویدند، مطرح کنند و از فکر و نظر یکدیگر کمک بگیرند. حال آن که تبادل آراء در سطوح بالای علمی، سبب بالندگی علوم و افزایش بازدهی کارها می‌شود. در جهان امروز، دیگر فکر و نظر یک فرد به تنهایی ارزش و اهمیت چندانی ندارد و از تک روی و فکر یک فرد، کاری ساخته نیست. امروزه، علمای هر رشته، تبادل رأی می‌کنند و سعی دارند از دیدگاههای یکدیگر، بهره ببرند. از این روی، شهید مطهری می‌نویسد: (اگر شورای علمی در فقاقت پیدا شود و اصل تبادل نظر بطور کامل جامه عمل بپوشد، گذشته از ترقی و تکاملی که در فقه پیدا می‌شود، بسیاری از اختلاف فتواها از بین می‌رود. 19) تدریس خارج فقه و اصول، به گونه‌ای که اکنون در حوزه‌های علمیه رواج دارد، تا زمان وحید بهبهانی، گویا معمول نبوده و برای نخستین بار، تدریس مباحث فقهی و اجتهادی را به این روش، وحید بهبهانی پدید آورد و پس از وی، شریف‌العلمای مازندرانی و سپس شیخ انصاری و... این شیوه را تکمیل و تدریس خارج فقه و اصول را به شکل کنونی تثبیت کردند. 20 کلاسهای درس خارج فقه، در آن زمان، بیشتر این گونه بود: استاد، که از فقها و مراجع بزرگ بود، با آمادگی کامل و پس از مطالعه و تحقیقات فردی در زمینه یک فرع فقهی، آن را در یک جمع بزرگ مطرح می‌ساخت و از دیدگاههای خویش در آن خصوص دفاع می‌کرد و شرکت کنندگان در جلسه هم که افراد سطح بالای حوزه و مجتهد بودند، آزادانه دیدگاههای استاد را مورد نقد قرار می‌دادند و اشکالهای خویش را مطرح می‌ساختند؛ از این روی، بسیار پیش آمد که یک فرع فقهی، روزها در جلسه مطرح بود و جوانب مختلف آن به بحث گذاشته می‌شد و در پایان، استاد با استفاده از اشکالهای مطرح شده از سوی شرکت کنندگان به یک جمع بندی و نتیجه گیری دست می‌یافت و آن گاه، موضوع و مسأله دیگری را طرح می‌کرد. تشکیل چنین جلسه‌هایی در آن روزگار، گرچه عنوان کلاس درس داشت، ولی در حقیقت، یک انجمن و لجنه علمی و مشاوره‌ای بود که گروهی از اهل نظر و دانشوران سطح بالای حوزه با ارائه دیدگاههای خود، به مبادله فکری می‌پرداختند. درسهای خارج فقه، در آن روزگار، تقریباً چیزی شبیه کنفرانسهای علمی بوده که امروزه در محافل علمی جهان، رایج است. با این تفاوت که تشریفات اینها را نداشته و نیز کاری مقطعی نبوده، بلکه در همه روزهای تحصیلی، چنین کنفرانسهایی

برگزار می‌شده است. اوج برگزاری این گونه درسها، در سامراء، توسط میرزای شیرازی بوده است. وی، سبک ویژه‌ای در ارائه مطلب داشته و جلسه درس وی، عبارت بوده از گفت و گو بین استاد و شاگردان، از این روی، این روش بی سابقه، به مکتب سامراء نامبردار شده است. 21 اکنون در حوزه‌های علمیه، درسهای خارج فقه و اصول، رونق بسیار دارند. استادان، مجتهدان و مراجع بزرگ، در ساعت‌های معینی از روز، دیدگاههای فقهی، اصولی، فلسفی و... خود را برای انبوه شاگردان مطرح می‌سازند، ولی متأسفانه این درسها، حالت نخستین خود را از دست داده‌اند و در آنها از تبادل و برخورد آراء خبری نیست. به اصطلاح به گونه کنفرانسهای علمی نیستند. نه استاد، ابتکار و نوآوری دارد و موضوعهای جدید و بحث نشده و بحث انگیز را مطرح می‌کند و نه شاگردان چنان صلاحیت و شایستگی بالایی را دارند که دیدگاههای استاد را به نقد بکشند و نه حال و هوای جلسه، چنین اقتضایی را دارد. در زمان ما، تبادل آراء بین مجتهدان و فقیهان و شاگردان، به فراموشی سپرده شده و جلسه‌های درس خارج، کاملاً حالت کلاسهای بی روح آموزشی را به خود گرفته‌اند. هر چند معیار و ضوابط لازم در آنها مراعات نمی‌گردد. در نتیجه اگر حوزه‌ها در پی دگرگونی و خانه تکانی هستند، باید در بالاترین سطح، مسائل علمی را به بحث بگذارند و سمینارهای فقهی، اصولی، فلسفی، کلامی و... برای نقد و بررسی اندیشه‌ها و طرح سخنان نو و نقد آنها برگزار کنند و حوزه را از یک نواختی و رکود به در آورند. به گفته مقام معظم رهبری: (برای هر مسأله‌ای که می‌خواهید حل کنید، یک سمینار (به معنای واقعی کلمه) درست کنید، نه سمیناری که سه نفر بیابند سخنرانی کنند و بروند، این که سمینار نیست، جلسه سخنرانی است. سمینار، یعنی یک موضوع محتاج به تأمل عقلی، انتخاب بشود و افراد صاحب‌نظری بروند فکر کنند و مطالعه و آمارگیری بکنند و بیابند این جا بحث کنند و نظراتشان را بگویند. بعد آن جمعی که اداره کننده سمینارند، این نظرات را جمع بندی کنند، تا یک دستاورد معتابھی به دست آید. 22)

3. آزاداندیشی و محققانه تحلیل کردن

یکی از امتیازهای مهم حوزه‌های علمیه شیعه، وجود فضای مناسب برای اظهار آزادانه آرا و حاکم بودن روحیه آزاداندیشی بر محیطهای علمی بوده، به گونه‌ای که از فقهای بزرگ گرفته تا یک طلبه و از طرفداران دیدگاهها و آرای مشهور گرفته تا صاحبان فتوایهای شاذ و نادر، همه در محیط باز و علمی و به دور از تعصب و تنگ نظری، آزادانه نظرات خویش را ابراز می‌داشته‌اند. این ویژگی حوزه‌های شیعه، کمک شایانی به رشد و بالندگی علوم اسلامی، بویژه دانش مهم فقه کرده است و در حقیقت، حیات و پویایی و درخشندگی فقه شیعه در طول تاریخ، تا حدود زیادی مرهون حاکم بودن همین روحیه آزاداندیشی بر حوزه‌های علمیه بوده است. وقتی به دیدگاههای فقهای پیشین و کتابهای ارزشمند فقهی سده‌های نخستین و میانه مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم بزرگانی همچون شیخ طوسی، علامه حلی، ابن ادریس، شیخ مفید و شیخ

صدوق و... با این که از نظر زمانی، تقریباً به هم نزدیک بوده‌اند، آراء و دیدگاههای متفاوتی دارند و آزادانه آرای دیگران و حتی دیدگاههای نادر برخی فقهای روزگار خود و یا پیشین را در کتابهای خویش آورده‌اند و بدون حب و بغض به بوته نقد و بررسی گذارده‌اند. حتی تا زمان شهید ثانی، فقیهان شیعه، آرا و فتاوی فقهای عامه را نیز در کتابهای خویش نقل می‌کردند و با دیدی عالمانه و محققانه به رد و بررسی آنها می‌پرداختند. در کنار این اوج، گاه تحجرگرایان و کوتاه بینان در حوزه‌های علمیه سر بر می‌آورده‌اند و سبب رکوداندیشه‌ها می‌شده‌اند و دانشهای دینی را از بالندگی و پویایی باز می‌داشته‌اند. اگر خدای ناخواسته، تحجرگرایی و تنگ نظری بر فضای حوزه‌های علوم دینی و مباحث فقهی حاکم باشد و جوری باشد که کسی جرأت ابراز عقیده و مطرح ساختن آرای جدید را نکند و هر کس نظری غیر از دیدگاههای پذیرفته شده مشهور، اظهار کند، تکفیر و تفسیق گردد و مورد طعن و لعن واقع شود، مسلم بیش از هر چیز به سیر تکاملی علوم و پویایی و بالندگی آنها، به ویژه فقه ضربه وارد می‌آید و نتیجه آن می‌شود که نوآوری در حوزه فقه و فقاہت به طور کلی فرومی‌میرد و کار فقیهان و اهل نظر، چیزی جز تکرار دیدگاههای گذشتگان و زیر و رو کردن آرا و فتاوی آنان و گاه افزودن و یا کاستن برخی دلایل و مستندات آنان نباشد. روشن است که در چنین شرایطی، انبوهی از کتابها و تألیفات فقهی ممکن است پدید آیند، اما در برگیرنده مطلب جدید و فکر نوی نباشند و بار ارزشی چندانی نداشته باشند و در نتیجه، سبب ایستایی و رکود فقه شوند. در اساس، محیطی که افکار و اندیشه‌ها بسته باشند و روحیه آزاداندیشی حاکم نباشد، فقیه نمی‌تواند همگام با حرکت زمان و تکامل علوم و تمدنها، به پیش رود و در هر عصر و شرایطی پاسخ گوی نیازهای فقهی جوامع اسلامی باشد. در فضایی آکنده از جمود و تحجر، اگر صدها بار کتابهای فقهی تدریس شوند و یا کتابهای دیگری با شرح و توضیح بیشتری نگاشته شوند، کمک چندانی به ترقی و تکامل فقه نمی‌کنند، بلکه بر رکود آنها می‌افزایند. برخی از حوزویان، در باب آزاداندیشی و بازگذاشتن زمینه برای اظهار نظرهای گوناگون در مسائل فقهی، همواره، این نگرانی را داشته‌اند که آزاد بودن افراد در این حد، امکان دارد پیامدهای ناگواری داشته باشد و گروهی از این فضای آزاد، بهره برداری سوء بکنند و به انتشار و رواج اندیشه‌های نادرست و خطرناک دست بزنند و دشمنان اسلام، با توجیه و تأویلهای نادرست، افکار مسموم و عقاید باطل خویش را به عنوان یک رأی و نظر فقهی، آزادانه در میان مردم پیراکنند، همان گونه که در سالهای مبارزه با دستگاه طاغوتی شاه چنین کارهایی توسط منافقان و گروه فرقان و برخی روحانی نماهای وابسته به دربار انجام می‌گرفت. این نگرانی، تاحدودی درست است، ولی باید به دو نکته توجه داشت: 1. مراد از آزاداندیشی و فراهم بودن شرایط برای ابراز عقیده‌ها و آرای گوناگون فقهی در حوزه ها، آن نیست که ضوابط و اصول حاکم بر حوزه فقاہت سست گردد، یا نادیده گرفته شود. منابع فقهی و اجتهادی اصول ثابت و مشخصی دارند که اظهار نظرها و فتواها باید در آن چهارچوب و برابر با آن اصول صادر شوند. در غیراین صورت، اظهار نظر فقهی، ارزشی ندارد و به گونه‌ای عمل به رأی به شمار می‌آید که از نظر شیعه مردود است.

2. تاریخ فقه و فقهات، نشان می‌دهد که استواری و قوام فقه و علوم دیگر اسلامی و نیز تسلط و قدرت علمی فقیهان، به حدی بوده که جایی برای نگرانی از حرکت‌های مخالف وجود نداشته است. حوزه‌های فقهات، همواره با سربلندی و افتخار به آراء پوچ و باطل و اشکال و ایرادهایی که مطرح می‌شده است، پاسخ می‌داده‌اند و سستی آراء و برداشتهای فقهی کژاندیشان و وسوسه گران را به روشنی می‌نمایانده‌اند. پس حوزویان، بدون این که فضای اندیشه را باز بگذارند و از هراندیشه نوپیدایی که در چهارچوب درست عرضه شده است، استقبال نکنند، نمی‌توانند به حوزه‌های زنده و سالم دست بیابند. به گفته مقام معظم رهبری: (اینطور نباشد که تا کسی یک فکر و یا فتوایی جدید فقهی و لو غلط داد، برخورد اول ما نفی باشد و بگوییم: ببینید، فلان کس چه فتوای چرندی در فلان مسأله داده است! بالأخره، یک نظر فقهی باید طرح شود و مورد بحث قرار گیرد و برای ابداع افکار جدید فقهی، میدان باز شود. البته این کار باید با ضابطه و قانون باشد، نه این که هر کسی بیاید برای خودش حرفی بزند. 23) محصور ماندن در دایره افکار گذشتگان که بیشتر در اثر عادت و انس ذهن و یا دید محدود و کوتاه محقق ایجاد می‌شود، زمینه رشد و بالندگی را می‌میراند و روند حرکت تکاملی فقه را از حرکت باز می‌ایستاند؛ بنابراین برای پویا ساختن فقه و فقهات و جلوگیری از هرگونه بروز و ظهور تحجر در حوزه‌های علمیه، باید روحیه آزاداندیشی و زمینه اظهار آزادانه آراء را در حوزه‌ها تقویت کرد

4. تخصصی کردن فقه با توجه به خبرگی میان رشته ای

در شرایط موجود که فقه و دیگر علوم اسلامی، همچون سایر علوم، گسترش یافته‌اند، بی گمان آشنایی دقیق و همه جانبه بر همه علوم حوزوی، برای یک فرد، هر چند پر استعداد و سخت‌کوش، امکان ندارد. صاحب جواهر، با استعداد شگرف و کار مداوم و عمر طولانی، به زحمت توانست یک دوره فقه را تدوین کند و مسلم اگر وی توان و نیروی خویش را بر تحقیق و ژرف کاوی در یک یا چند باب و بخش فقه، متمرکز می‌کرد، چه بسا به نتایج مهم تری می‌رسید. اکنون که فقه گسترده تر شده، بررسی همه جانبه و دقیق همه بابهای فقه از یک فرد ساخته نیست و راه صحیح آن است که بابها و بخشهای مختلف فقه، در چند بخش تقسیم شوند و هر گروهی از محققان، تنها در یک بخش آن به تحقیق و کندوکاو بپردازند و تمام تلاش خود را در همان بخش به کارگیرند تا به گونه شایسته مورد بررسی قرار گیرد و همه مسائل مستحدثه و موضوعهای جدید که به گونه‌ای مربوط به آن بخش است، جمع آوری و پاسخهای محققانه و دقیق به آنها داده شود. آقای اراکی از طرح‌های آقای حائری برای تخصصی شدن فقه چنین گزارش می‌دهد: (حاج شیخ می‌فرمود: هر بابی از این ابواب، یک متخصص لازم دارد، چون ابواب فقه، خیلی متنبت و اقوال و ادله عقلیه و نقلیه و اجماعاتش تتبع زیاد می‌خواهد و افراد سریع الذهن، لازم دارد و این عمر انسانی کفایت نمی‌دهد که پنجاه باب به طور شایسته و آن طور که باید و شاید تحقیق شود، پس خوب

است برای هر بابی یک شخص متخصص بشود. 24) تردیدی نیست که اگر علم فقه، مانند دیگر علوم به رشته‌های گوناگون تقسیم شود و گروهی از طلاب و فاضلان تنها به تحقیق و بررسی عبادات بپردازند و در آن متخصص شوند و گروه دیگر در معاملات و دسته‌ای در سیاست و... رشد و بالندگی فقه، به مراتب بیش از این خواهد بود. به گفته شهید مطهری: (در این وضع حاضر و بعد از این پیشرفت و تکامل که در فقه مانند سایر علوم دنیا پیدا شده و این پیشرفت معلول مساعی علما و فقهاء گذشته بوده، یا باید علما و فقهای این زمان، جلو رشد و تکامل فقه را بگیرند و مانع ترقی آن گردند و یا باید آن پیشنهاد متین و مترقی [پیشنهاد شیخ عبدالکریم حائری درباره تخصصی شدن بابهای فقه] را عملی کنند، رشته‌های تخصصی به وجود آورند و مردم هم، در تقلید تبعیض کنند، همان طوری که در رجوع به طبیب، تبعیض می‌کنند. 25) (أسفانه اکنون نظام آموزشی حوزه به گونه‌ای است که متخصص تربیت نمی‌کند. هر طلبه‌ای با هر استعداد و ذوقی هر درسی را که بخواهد می‌تواند شرکت کند. از این روی، طلاب، بدون برنامه در تمامی دروس حوزه شرکت می‌جویند و از هر دانشی بهره اندکی می‌گیرند و این سیر، از آغاز ورود به حوزه، تا دوران پیری و درماندگی ادامه می‌یابد، بی آن که بهره‌ای درست و کار آمد نصیب خود آنان گردد و یا بازدهی برای جامعه داشته باشد. روشن است افرادی که با بسیاری از دانشها، اندک آشنایی دارند، نمی‌توانند در جامعه آن جا که به آشنایی همه جانبه، ژرف و تخصص نیاز است، کارایی داشته باشند. اما آنان که در رشته‌ای خاص به ژرف‌کاوی پرداخته‌اند و عمری را صرف کرده‌اند، به خاطر آشنایی همه جانبه‌ای که در آن رشته دارند، می‌توانند بخشی از نیازها را به درستی برآورند. از این روی، شیخ بهایی، که یکی از دانشمندان و نوابغ بزرگ جهان به شمار می‌رود، بر این باور است: کسی که در همه رشته‌ها وارد شده باشد، هر چند مستعد و قوی باشد، هیچ گاه نمی‌تواند مانند فردی باشد که همه تلاش خود را در یک رشته به کار گرفته است. وی می‌گفته: (من، به هر ذی فونی رسیدم، غالب شدم و به هر ذی فن واحد که رسیدم، مغلوب گردیدم. 26) (وقتی شیخ بهایی با آن عظمت، خود را مغلوب متخصص می‌بیند، افراد عادی و استعدادهای معمولی تکلیف شان روشن است. در اساس، تخصصی شدن و پیدا شدن گرایشهای گوناگون در یک علم، اثر طبیعی رشد و ترقی آن علم است؛ از این روی، در آینده که علوم پیشرفت بیشتری پیدا کند، چه بسا هر یک از رشته‌های کنونی هر دانشی، به چندین رشته تقسیم گردند و تخصص در یک رشته و یک بخش از آن علم هم، از یک فرد ساخته نباشد. مثلاً دانش پزشکی، در حال حاضر به رشته‌های فراوان و تخصصی تقسیم شده است، مانند: گوش و حلق و بینی، چشم، قلب و عروق، پوست و مو... چه بسا در آینده، مسائل مربوط به چشم پزشکی، به اندازه‌ای گسترش یابد که متخصص شدن در همه زوایای چشم پزشکی مشکل باشد و لازم باشد که خود رشته چشم پزشکی، به چندین رشته دیگر تقسیم گردد. علم فقه نیز، همین گونه است. اکنون صحبت از تخصصی شدن بابهای فقه می‌رود. چه بسا در آینده اطلاع و احاطه کامل بر یک باب فقه هم مشکل باشد و لازم بیاید هر یک از بابهای قضا، عبادات، معاملات و... نیز به چندین گرایش و تخصص دیگر تقسیم شوند. این ثمره و لازمه رشد و ترقی علوم است. به گفته شهید مطهری: (احتیاج به تقسیم کار در فقه و به وجود آمدن رشته‌های

تخصصی در فقهات، از صدسال پیش به این طرف ضرورت پیدا کرده و در وضع موجود، یا باید فقهای این زمان، جلو رشد فقه را بگیرند و متوقف سازند و یا به این پیشنهاد تسلیم شوند؛ زیرا تقسیم کار در علوم، هم معلول تکامل علوم است و هم علت آن. یعنی علوم، تدریجاً رشد می‌کنند تا می‌رسند به حدی که از عهده یک نفر، تحقیق در همه مسائل آنها ممکن نیست، ناچار باید تقسیم بشود و رشته‌های تخصصی پیدا شود. پس تقسیم کار و پیدایش رشته‌های تخصصی در یک علم، نتیجه و معلول تکامل و پیشرفت آن علم است و از طرف دیگر، با پیدایش رشته‌های تخصصی و تقسیم کار و تمرکز فکر در مسائل بخصوص، آن رشته تخصصی پیشرفت بیشتری پیدا می‌کند. 27(بنابراین، تخصصی شدن علوم حوزوی، به ویژه فقه و تخصصی شدن بابهای گوناگون آن، یک ضرورت انکارناپذیر است و رشد و بالندگی فقه، بدون تقسیم کار، امری بسیار مشکل است و سستی در این امر، جز رکود فقه و عقب ماندن فقه از کاروان پرشتاب علوم دیگر، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

5. فقه مقارن و تطبیقی با الگوی جهانی

بررسی مسائل فقهی، بدون توجه به داده‌های علمی دیگران در علم حقوق و مکتبهای حقوقی غرب و نیز توجه به دیدگاههای فقه اهل سنت، چندان کارساز نیست. حضور گسترده مقررات و قوانین مدنی، کیفری و جزایی مکتبهای حقوقی غرب در جامعه‌های اسلامی و ارتباط گسترده‌ای که وجود دارد، ایجاب می‌کند که حوزویان با حقوق غرب آشنا شوند و آن را به کار بندند. افزون بر این، به خاطر نزدیک بودن فقه شیعه و اهل سنت به یکدیگر و مشترکات فراوان آن دو، دیدگاههای اهل سنت را نیز در هر مسأله‌ای که بررسی می‌کنند، باید به درستی بدانند. در باب حقوق مدنی، حقوق جزا و گونه‌های مباحث حقوقی، در غرب و شرق عالم، کار بسیار شده است، کارهای فنی و کارشناسانه و هزارها اثر در این باره به بازار عرضه گردیده و صاحب نظران بسیاری در حقوق و گونه‌های آن، به تحقیق و بررسی مشغول هستند و آخرین دستاوردهای تحقیقی خود را با بهترین روشها و به گونه‌ای قانونمند، عرضه می‌دارند. اینک، ما روبه رو هستیم با کارنامه قوی دیگران در این باب، از این روی، نمی‌توانیم بی توجه و مطالعه آن کارنامه قطور و پر حجم و هماهنگ با روشهای جدید، در باب حقوق اسلامی سخن بگوییم و بگوییم: کاری به دیگران نداریم آنچه از منابع شرعی می‌فهمیم بیان می‌کنیم. این راه نادرستی است. برای هر چه پخته تر بیان کردن دیدگاههای حقوقی اسلام و بی کم و کاست مطرح کردن آنها، باید آشنایی کامل و دقیق به دیدگاههای دیگران داشته باشیم که چه بسا بر فهم ما اثر بگذارد و نگاه ما را دقیق تر بکند و سبب شود که بهتر و روشن تر دیدگاههای حقوقی اسلام را دریابیم. ما در باب حقوق، بسیار عقب مانده‌ایم از کاروان پرشتاب روز. دیگران، بویژه غرب، بسیار از ما پیش تر است. این، به این معنی نیست که منابع، ضعیف هستند. خیر،

منابع ما بسیار هم غنی و پرمایه‌اند؛ اما دست به استخراج نزده‌ایم و با روشهای جدید به سراغ این گنجینه‌های عظیم نرفته‌ایم و کار و تلاش نورزیده‌ایم، تا دیدگاه اسلام را یک به یک در آوریم و با زبان امروز و مورد پذیرش جهان امروز، عرضه کنیم. این عقب ماندگی و فاصله از دنیای امروز را در بسیاری از دانشه، از جمله حقوق، از زبان رهبری بشنویم (...): شما ببینید چقدر در باب حقوق مدنی، حقوق جزا و انواع و اقسام مباحث حقوقی، تحقیقات گوناگون شده است. این کار، هم در غرب و هم در دنیای اسلام غیرشیعه صورت گرفته است. ما در این زمینه ها، انصافاً باید بگوییم خیلی عقبیم. حال این رشته تخصصی ماست و بیشتر تخصص حوزه ه، تقریباً فقه است. 28 (فقه‌های شیعه، در گذشته آرای فقه‌های اهل سنت را نیز در ضمن ارائه دیدگاه‌های خویش مطرح می‌کردند و دلایل‌های آنان را عالمانه نقد می‌کردند و گاه، در راستای استوارسازی رأی خویش، از دیدگاه‌های آنان نیز آگاه می‌شدند. تقریب، تا قرن هفتم، نقل و بررسی فتاوی فقه‌های اهل سنت در بین علمای شیعه امر رایجی بوده و در کتابهای شیخ طوسی، علامه حلی و... فراوان به دیدگاه‌های آنان برخورد می‌کنیم. شیخ طوسی، شاید نخستین فقیهی باشد که با تسلط کامل، یک دوره کامل فقه تطبیقی، تحت عنوان (الخلاف) نوشت و در تمام بابهای فقهی، دیدگاه‌های فقه‌های اهل سنت را نیز مورد توجه و بررسی قرار داد. در سده‌های پسین و از قرن هشتم به بعد، کم کم این شیوه متروک شد و در کتابهای فقهی ما، اثری از دیدگاه‌های فقهی اهل سنت دیده نمی‌شود. تا این که در این اواخر، آقای بروجردی، سیره پیشینیان را احیا کرد و به فقه مقارن توجه خاصی مبذول داشت. ایشان با آشنایی کامل و کم نظیر و همه جانبه‌ای که بر فقه و آراء فقه‌های اهل سنت داشت، 29 توانست در امر استنباط تحولی ایجاد کند و سبک و شیوه‌ای ویژه بیافریند. باید توجه داشت که فقه عامه، سالیان سال، فقه حاکم بوده، ولی فقه شیعه، جز در برهه‌هایی کوتاه، به دور از مسائل حکومتی و سیاسی، ادامه راه می‌داده است؛ از این روی امکان دارد، فقه عامه در بسیاری از زمینه‌های حکومتی و اجتماعی دربردارنده مسائل و موضوع‌هایی باشد که فقه‌های ما بدان نپرداخته‌اند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت فقه شیعه در حقیقت حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت بوده است؛ از این روی، بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های فقه‌های عامه و آگاهی از کتابهای فقهی آنان، چه بسا نکات و زوایایی از روایات و دیدگاه‌های امامان (ع) بر ما پوشیده بماند. بنابراین، آشنایی با فقه اهل سنت و بررسی دیدگاه‌های آنان و اطلاع از مکاتب حقوقی غرب و شرق و مقایسه بین دیدگاه‌های حقوقی رایج، با دیدگاه‌های شیعه، می‌تواند سبب رشد و بالندگی فقه شود.

6. موضوع شناسی و آگاهی به زمان

فقه، قانون زندگی است و به گونه مستقیم با اعمال و رفتار انسان سروکار دارد. خداوند متعال، مجموعه احکام و برنامه‌های یک زندگی خوب را فرستاده است، ولی موضوع‌های آن احکام را در طبیعت و در زندگی روزمره مردم باید جست. موضوعها نیز، در زمانها و مکانهای گوناگون اموری ثابت و پایدار

نیستند، بلکه در فرآیند تحول زمان همواره در حال دگرگونیند. در هر زمان و مکانی مفاهیم و موضوعه، بار معنایی خاص خویش را دارند و احکام ویژه خویش را می‌طلبند؛ از این روی به همان نسبت که درک و برداشت ما از مسائل و موضوع‌های نوپیدا در شرایط و زمان و مکانهای گوناگون متفاوت است، بار شدن احکام فقهی بر آنها و برداشتها و فتوای فقهی نیز گوناگونند. بر این اساس، می‌بینیم در سده‌های گذشته، مفاهیم و موضوع‌هایی مطرح بوده که امروز به کلی دگرگون شده‌اند و بسیاری از آنها تغییر کرده و بسیاری دیگر منسوخ شده‌اند و به جای آنها مفاهیم و موضوع‌های جدید مطرح شده‌اند که باید فقه تکلیف آنها را روشن کند. امام خمینی، با توجه به همین نکته با این که بر تحصیل و تحقیق براساس فقه سنتی و اجتهاد جواهری تاکید می‌کرد، بر ضرورت توجه به عنصر زمان و مکان و نقش آنها در اجتهاد و بالندگی فقه نیز، پای می‌فشارد...): این جانب، معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد، به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است، حکم جدیدی پیدا کند... 30(بی توجه بودن به عنصر زمان و مکان و نداشتن شناخت ژرف از مفاهیم دینی و دانش‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم در حوزه معارف دینی قرار می‌گیرند و نیز ناآگاهی از اوضاع روز جهان و بی توجهی به موضوعها و مسائل نوپیدا، به طور طبیعی اظهار نظرهای نادرستی را در پی خواهد آورد و رشد و بالندگی فقه را در سیر پرشتاب حرکت تکاملی علوم، گند خواهد ساخت. بر این اساس، این که برخی می‌پندارند: (شناخت موضوعها به عهده عرف است و کار فقیه، فتواست، نه موضوع شناسی) درست نیست؛ زیرا صدور فتوا، بدون آشنایی با موضوعها ممکن نیست. منتهی برای شناخت موضوعه، فقیه می‌تواند از کارشناسان در هر بخشی کمک بگیرد و با اشراف کامل بر همه جنبه‌های آن، فتوا صادر کند. رشد و بالندگی فقه، در گرو آن است که فقیه از اوضاع جهانی که در آن زندگی می‌کند، آگاه باشد. با زندگی روزمره مردم و جریانها و رویدادهای زندگی آنان آشنا باشد و در متن جامعه قرار بگیرد و حوادث واقعه و مسائل مستحدثه را خوب بشناسد. بالندگی و شکوفایی فقه در سده‌های گذشته، مرهون تلاشهای فقیهانی آگاه و آشنای به مسائل و مشکلات عصر خویش بوده است. در کتابهای فقهی شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، علامه حلی و... نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشانگر آگاهی کامل آنان از موضوعهای فقهی و دگرگونیهای عصر خویش بوده است. راه انداختن مدرسه سیار، توسط علامه حلی، بیش از آن که اهمیت توجه وی را به حفظ و ترویج حوزه‌های علمیه نشان بدهد، اهمیت توجه وی را به عنصر زمان و مکان و جریانها و مسائل و موضوع‌هایی که با آن رو در رو بود، نشان می‌دهد. در زمان ما، با پیروزی انقلاب اسلامی، فقیه با مسائل و موضوع‌های فراوانی که در بخش‌های پیشین به پاره‌ای از آنها اشاره کردیم، رو در روست که بی گمان، بدون آگاهی به عنصر زمان و مکان و توجه به موضوع‌های جدید، پاسخ گویی به آنها بسیار مشکل است. در اساس، آشنایی با اوضاع و جریانهای زمان و شناخت عوامل اثر گذار در اجتماع، امکان پیش بینی می‌دهد و با پیش بینی می‌توان به استقبال حوادث

شتافت، و از فرصتهای مساعدی که دگرگونیهای زمانی پیش می‌آورد، بهره برد، تا در تنگنای رخدادهای گرفتار نیامد. به فرموده امام صادق (ع): (العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس. 31) کسی که به زمان خود عالم باشد، از هجوم شبهه‌ها در امان است. استاد شهید مطهری با اشاره به این حدیث شریف و در ضرورت عالم بودن فقیه به زمان و مکان می‌نویسد: (بدیهی است که مفهوم مخالف جمله گران قیمت فوق، این است: (الجاهل بزمانه یهجم علیه اللوابس) آن که نمی‌داند در جهانی که زندگی می‌کند چه می‌گذرد؟ چه عواملی دست‌اندرکار ساختن جامعه به میل خود هستند؟ چه تخمهایی در زمان حاضر پاشیده می‌شود که در آینده سربرخواهند آورد؟ روزگار آبستن چه حوادثی است؟ هرگز نمی‌تواند به مقابله با نیروهای مهاجم برخیزد و یا از فرصت‌های طلایی زودگذر اغتنام جوید. 32) آگاهی از مسائل روز و از زمان و مکان، دید فقیه را نسبت به بسیاری از مسائل عوض می‌کند. به عنوان مثال: فقیهی که در محیط آباد و برخوردار از نهرها و جویهای آب و یا آب لوله کشی تصفیه شده زندگی می‌کند، فتوایش در مسأله طهارت و نجاست، با فقیهی که در منطقه خشک و کم آب زندگی می‌کند و آب خوردن هم به زحمت پیدا می‌شود، فرق دارد. یا کسی که خود جمعیت انبوه و دشواری‌های کنگره بزرگ حج ابراهیمی را از نزدیک دیده است، با کسی که فقط از راه آیات و روایات با حج آشنا شده است فرق دارد. یا کسی که به نقش بانکه، بیمه و یا عضویت در سازمانهای سیاسی اقتصادی جهانی و منطقه‌ای در حیات کشورها و ملتها، آشنایی دارد، فتوایش با کسی که هیچ آشنایی با این پدیده‌های نو ندارد و فقط برابر همان اطلاقات و عمومات که در فقه وجود دارد، بدون در نظر گرفتن پیامدها، فتوا به حرام و یا حلال بودن می‌دهد، فرق دارد. امروز اگر فقیهی توجه کامل به این مسائل نداشته باشد می‌توان گفت اصلاً در این مسائل صلاحیت فتوایی ندارد و نمی‌توان از وی تقلید کرد: فقیه و مجتهد، کارش استنباط و استخراج احکام است؛ اما اطلاع و احاطه او به موضوعات و به اصطلاح طرز جهان بینی‌اش در فتوایش زیاد تأثیر دارد. فقیه باید احاطه کامل به موضوعاتی که برای آن موضوعات فتوا صادر می‌کند داشته باشد. اگر فقیهی را فرض کنیم که همیشه در گوشه خانه و یا مدرسه بوده و او را با فقیهی مقایسه کنیم که وارد جریانات زندگی است، این دو نفر به ادله شرعی و مدارک احکام مراجعه می‌کنند، اما هر کدام یک جور و یک نحو به خصوص استنباط می‌کند. 33) (اساس، مرز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی بر مسائل جدید و حوادث متغیر است. مجتهد واقعی آن است که این رمز را به دست آورده باشد. توجه داشته باشد که موضوعات، چگونه تغییر می‌کند و بالطبع حکم آنها عوض می‌شود و الا به موضوع کهنه و فکر شده فکر کردن و حداکثر یک (علی الأقوی) را تبدیل به (علی الأحوط) کردن و یا یک (علی الأحوط) را تبدیل به (علی الأقوی) کردن، هنری نیست و این همه جار و جنجال لازم ندارد. 34) (اکنون برای این که نشان بدهیم چگونه موضوعها در گذر زمان تغییر می‌کنند و جهان بینی فقیه چگونه می‌تواند در فتوایش تأثیر گذارد، برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم: 1. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: (إذا اختلفتم فی الطریق فاجعلوه سبع أذرع. 35) هرگاه بر سراندازه گذرگاه اختلاف پیدا کردید، آن را هفت ذراع [حدود 3.5 متر] قرار دهید. از ظاهراین حدیث شریف، بر می‌آید که پیامبر اکرم (ص)، این مسأله را به عنوان یک حکم اسلامی بیان فرموده که ملاک در

راهها و گذرگاههای همگانی، در نظر گرفتن دست کم، 3.5 متر عرض است. چنین امری در گذشته که عبور و مرور مردم محدود بود و مسائل حمل و نقل منحصر به اسب و الاغ و استر بود، امری طبیعی و کاملاً منطقی بود و در اصل، بیش از 3.5 متر لازم هم نبود، ولی اکنون که مدار بر زندگی ماشینی است و انبوه اتومبیلها، اتوبوسها، کامیونها و صدها گونه وسایل نقلیه موتوری سبک و سنگین در خیابانها راهها و جادها در حال آمد و شدند مسلم 3.5 متر، بسنده نیست و نمی‌تواند پاسخ گوی نیازهای عمومی باشد. امروز، نیاز به خیابانها و جاده‌های گسترده، یک ضرورت است و به طور قطع، نمی‌توان به آن مقدار وارد شده در روایت استناد جست. مثلاً اگر مسئولان شهرسازی بخواهند خیابان و یا کوچه‌ای را بگسترانند بگوییم: نخیر، به استناد این حدیث نبوی، میزان هفت ذراع است و حکم فقهی این است و بیش از این را نمی‌توان انجام داد.

فقیهی که آگاه به زمان و مکان است، به آسانی در می‌یابد که مقصود پیامبر(ص) این بوده که حل مشکل کند و به گونه‌ای برنامه بریزد که رفت و آمد به آسانی صورت پذیرد و نخواستہ است که یک قانون همیشگی برای همه زمانها و مکانها پی بریزد. در آن زمان راهها و کوچه‌های هفت ذراعی به آسانی می‌توانسته پاسخ گوی رفت و آمدها باشند و از این جهت، برای مردم مشکلی به وجود نیاید، ولی اکنون، ملاکهای ساخت خیابان و گذرگاه و پل، چیز دیگری است و کاملاً متفاوت با صدر اسلام. 2. در مسأله تصویرگری و نقاشی، بیشتر فقیهان، فتوا به حرام بودن مطلق نقاشی و تصویر داده‌اند، چه نقش و تصویر از گیاهان و درختان باشد و چه از موجودات، مثل انسان و حیوان. مستند آنان روایاتی است که نشان دهنده شدت عذاب صورتگران است، از جمله: (... من صور التماثيل فقد ضاّد الله. 36) کسی که تصویرگری کند، با خدا به مخالفت برخاسته است. یا: (ومن صور صورة عذب حتى ينفخ فيها الروح و ليس بنافع. 37) کسی که صورتی را بکشد عذاب می‌شود، تا آن که روح در آن بدمد و چنین چیزی را هم نمی‌تواند. (اشد الناس عذاباً يوم القيامة، رجل قتل نبياً أو قتله نبي ورجل يضل الناس بغير علم، أو مصور يصور التماثيل 38). شدیدترین عذاب در روز قیامت از برای کسی است که پیامبری را کشته باشد و یا آن که پیامبری وی را بکشد و نیز فردی که مردم را بدون علم گمراه سازد [فتوای بدون علم دهد] و یا فرد صورتگری که صورت و عکس می‌کشد. در این احادیث و مانند آنها، صرف نظر از ضعف سندی که دارند و طریق آنها، که بیشتر اهل سنت هستند به عذاب تصویرگران اشاره شده و مجازات آنان در ردیف مجازات کسانی قرار گرفته که پیامبری را کشته باشند و یا ارتداد کفر را پیشه کرده باشند. برخی از فقیهان معاصر، از جمله امام خمینی، پس از برشمردن اقوال در مسأله و بررسی روایاتی که مورد استناد قرار گرفته است، در حرام بودن مطلق تصویرگری و درستی این روایات تردید کرده و گفته است: در اساس با روح اسلام سازگار نیست که عذاب تصویرگر از همه، حتی کشندگان پیامبران و... بیشتر باشد، از این روی در توجیه این روایات می‌نویسد: (فان تلك التوعيدات و التثدييدات لاتناسب مطلق عمل المجسمه او

تنقیح الصور، ضروری ان عملها لایکون اعظم من قتل النفس المحترمه او الزنا او اللواط او شرب الخمر و غیرها من الكبائر، والظاهر ان المراد منها تصویر التماثل التي هم لها عاكفون (39). این ترساندن‌های شدید، با کار مطلق صورتگری یا نقاشی مناسبتی ندارد؛ زیرا گناه چنین کارهایی مسلم از قتل نفس محترم، یا زن یا لواط یا شرب خمر و جز آنها از گناهان کبیره، بزرگتر نیست. ظاهر آن است که مراد روایت، کشیدن و یا ساختن تماثل عکس‌هایی است که در برابر آنها به سجده می‌افتند و خضوع می‌کنند. صدور این روایات، در روزگاری بوده است که به دستور پیامبر بتهای قریش در هم شکسته شد و محیط کعبه و مسجدالحرام از لوٹ شرک و گونه‌های بتهایی که در آن جا نگهداری می‌شد، پاک گردید. در آن هنگام، برای گروهی از اعراب بسیار دشوار بود که به یک باره دست از بت و بت پرستی بردارند و پس از عمری خشوع در برابر بتها و خدایان ساختگی خویش، به یک باره به اعمال گذشته خویش پشت پا زنند. از سویی دیگر، زمینه‌ای برای بروز چنین اعمالی در جامعه وجود نداشت، از این روی به کشیدن صورت بتهای شکسته خویش، دل خوش می‌کردند و در برابر عکسهای آنها احترام و تواضع می‌کردند. آنان با این کار خویش، می‌خواستند علاقه‌مندی و پایبندی خود را به حفظ عقاید خرافی خویش ابراز کنند. بنابراین، جهان بینی گسترده و دیدگاه باز فقیه نسبت به مسائل اسلام و جهان، در تجزیه و تحلیل این روایات و استنباط حکم تصویرگری و احکامی مانند آن اثر دارد. باید دید عصر صدور این روایات، وضع مردم از جهت‌های گوناگون چگونه بوده، تحریم به چه ملاکی صورت گرفته، نوع تصویرگری و نقاشی و انگیزه‌ها و هدفهای صورتگران در آن زمان و این زمان چه فرقهایی کرده است و... آن وقت پاسخ مسأله را داد.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار آوردیم در یک جمع بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت 1: در وضعیت موجود، حوزه‌های علمیه فقه و فقهات دچار نوعی رکود شده‌اند و آن بالندگی و پویایی لازم را برای حل دشواری‌های جهان اسلام و پاسخ گویی به مسائل مستحدثه و موضوعهای جدید ندارند. 2. امروز حوزه‌های علمیه و جامعه فقیهان، با انبوهی از مسائل جدید و موضوعهای دگرگون یافته و یا نوپیدایی در بعد فردی، اجتماعی و حکومتی روبه رویند که بر خلاف گذشت نزدیک به دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز بسیاری از آنها بدون پاسخ مانده است. 3. رکود و ایستایی که اکنون دامنگیر فقه و فقهات و دیگر علوم اسلامی شده است، معلول یک دسته اموری است که باید به صورت جدی، به آنها توجه شود. 4. **برای بالنده سازی فقه، باید راههایی را پیمود که به پاره‌ای از آنها، به عنوان عوامل بالندگی فقه، اشاره کردیم.**

پی نوشتها:

1. طبقات اعلام الشیعه، شیخ آقابزرگ تهرانی، قرن 12/7؛ (الذریعه)، آقابزرگ تهرانی، ج 6/204.
2. الرسائل، امام خمینی، ج 2/96 - 99، اسماعیلیان، قم.
3. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، جمعی از دانشمندان 175/، شرکت سهامی انتشار، تهران.
4. صحیفه نور، رهنمودهای امام خمینی، ج 21/98، وزارت ارشاد.
5. سخنرانی در مدرسه فیضیه، آذرماه 1374.
6. سیره ابن هشام، ج 4/143، 237، 241، دار احیاء التراث العربی، بیروت؛ (تاریخ الاسلام)، حسن ابراهیم حسن، ج 1/495، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
7. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 67.
8. قواعد الاحکام، ج 1/5؛ (تحریر الاحکام) 4/؛ (مختلف الشیعه)، ج 1/25، مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
9. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (175/).
10. سخنرانی در مدرسه فیضیه، آذرماه 1374.
11. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (175/).
12. همان مدرک (242/).
13. سخنرانی در مدرسه فیضیه، آذرماه 1374.
14. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (65 - 64).
15. صحیفه نور، ج 21/46.
16. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، تحقیق شیخ مجتبی عراقی، ج 1/286، سید الشهداء، قم؛ (بحار الانوار)، علامه مجلسی، ج 1/227 و ج 74/164.
17. الحیة، حکیمی، ج 1/149، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
18. شرح غرر و درر، خوانساری، تحقیق محدث ارموی ج 3/276، دانشگاه تهران.
19. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (64/).
20. روزنامه (کیهان)، مصاحبه با محمد ابراهیم جناتی 30/13709.
21. مجله (حوزه) شماره 50 - 51/80 - 110.
22. سخنرانی در مدرسه فیضیه، آذرماه 1374.
23. همان مدرک.
24. مجله (حوزه)، شماره 12/40، مصاحبه باایة الله اراکی.
25. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (60/).
26. الکلام یجر الکلام، ج 1/124.
27. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (61 - 63).

28. سخنرانی در مدرسه فیضیه، آذرماه 1374.
29. مجله (حوزه) شماره 43 - 44/122، مصاحبه باایة الله صافی.
- (30. صحیفه نور)، ج 21/98.
- (31. تحف العقول)، ابن شعبه بحرانی 261/، اعلمی، بیروت.
- (32. پیرامون جمهوری اسلامی)، شهید مطهری 33/، صدرا.
- (33. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت) 59.
- (34. همان مدرک) 58/.
- (35. سنن ابن ماجه)، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج 2/784، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- (36. مستدرک الوسائل)، محدث نوری، ج 13/210، مؤسسه آل البیت.
- (37. وسائل الشیعه)، شیخ حر عاملی، ج 3/561، اسلامیة، تهران.
- (38. مستدرک الوسائل)، ج 13/210.
- (39. مکاسب محرمة)، امام خمینی، ج 1/198 - 199، اسماعیلیان، قم.

حکومت علم و دین در جهان

این رساله با شرح و بسطی بیشتر در تعلیم 37 دنبال شده است